

از نامه های رسیده:	راه درست درحال ترسیم در فلسطین	از هر دری سخنی	در جنبش جهانی کمونیستی	پیشینه و ریشه های جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم در تاریخ جهان	بحث جامعی در مورد بحران عمیق پایان ناپذیر نظام سرمایه داری
صفحه ۹	صفحه ۱۱	صفحه ۱۳	صفحه ۲۷	صفحه ۲۷	صفحه ۲۷

## گسترش تجارب مبارزاتی کارگران ایران!

کارگران ایران طی ۳۶ سال مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی گام به گام ماهیت به شدت ارتجاعی و ضدکارگری این رژیم را آزموده و هم اکنون در این مبارزه با متانتی پرولتاری و در نظر داشتن توازن قوا با ضدانقلاب حاکم به پیش می روند. در زیر به نمونه هایی از این تجارب مبارزاتی کارگران اشاره کرده و با امید به این که این تجارب هرچه بیشتر و عمیقتر جمع بندی شده و به پیشبرد مبارزه کارگران خدمت نمایند:

### ۱- حمله رژیم به دستاوردهای کارگران در انقلاب بهمن ۱۳۵۷:

اعتصابات کارگران در سراسر سال ۱۳۵۷، به ویژه اعتصاب کارگران نفت در آستانه ی انقلاب بهمن چنان ضربه ی کاری بر استوارماندن رژیم سلطنتی وارد نمود که مدت کوتاهی بعد، این رژیم از پا درآمد و کارگران هرچه بیشتر در ایجاد شوراهای

کارگری و بدین ترتیب ایجاد تشکیلی اقتصادی - سیاسی مبارزه خود را برای کسب قدرت ارتقاء دادند. هرچند که این مبارزه هنوز خیالی واهی نسبت به نیروهای اسلامی به رهبری خمینی و بعضا جنبه النقاط با دیگر اقشار جامعه را داشتند. تقاضای آنان برای شرکت در شورای انقلاب و عدم قبول دستگاه روحانیت به این خواست به حق کارگران اولین ضربه ای بود که در جلوگیری از قدرت یابی کارگران و پذیرش اتوریتته دستگاه خودساخته "شورای انقلاب" بدون قبول شرکت نماینده گان انقلابیون اصیل یعنی کارگران، زنان، دانش جویان وارد آمد. متعاقب آن سردمداران رژیم شروع به قدغن کردن شوراهای مستقل کارگری و ایجاد شوراهای مزدور اسلامی کارگران و در ادامه منحل نمودن سندیکاها ی کارگری بقیه در صفحه دوم

## دفاع از حقوق کارگران افغانستانی وظیفه ای است مبرم!

به گزارش خبرگزاری ایلنا یک رفتگر منطقه ۱۱ شهرداری تهران از کمبود و در مواردی فقدان امکانات اولیه رفاهی که باید توسط پیمانکاران شهرداری در اختیار آنان قرار داده شود، خبر داد.

این کارگر تبعه کشور افغانستان که دارای مجوز کار در ایران است در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: نژاد ما به ابزاری برای محرومیت مان از حقوق صنفی تبدیل شده بطوری که با کوچکترین اعتراض به مشکلات صنفی کارفرما تهدید می کند که مجوز کارمان را باطل و ما را به افغانستان می فرستد و عجیب تر اینکه تجربه ثابت کرده قدرت انجام این کار را نیز دارند.

این کارگر افغان ادامه داد: اگر در کار تنش فیزیکی رخ دهد دیگر کارگران افغان به

بقیه در صفحه ششم

## پیام شاهرخ زمانی از زندان گوهر دشت:

[ در شرایطی که سرمقاله این شماره رنجبر نوشته شده بود، پیام شاهرخ زمانی را تا حدی در همین ارتباط دریافت کردیم که به طور مستدلی به مواضع ما در سرمقاله نزدیک بود و به دلیل زبان ساده اش بسیار قابل فهم و دل نشین است. لذا ضمن آوردن این پیام در این شماره از کلیه ی تشکلهای چپ دعوت می کنیم در برخورد به این پیام موضع خود را مشخص کنند و اگر هنوز فرقه گرائی شان را ادامه می دهند، دلیل اثباتی فرقه گرائی شان را در توافق با تئوری کمونیسم علمی بیاورند. سکوت در برابر این پیام یا به معنای عدم حقانیت این تشکلهاست و یا با بی توجهی، توطئه سکوتی را در قبال کارگران آگاه و کمونیستها در پیش گرفته اند! - رنجبر]

زنده باد کارگران پیروز بافق

من شاهرخ زمانی عضو هیات بازگشایی سندیکای نقاشان تهران و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری که به جرم تلاش برای ایجاد سندیکا و تشکل کارگری زندانی شدم از زندان گوهر دشت کرج دستان پر توان کارگران معدن سنگ آهن بافق را بگرمی می فشارم و پیروزی در این دوره را به این همزمان تبریک گفته و ارزو دارم در مراحل بعدی مبارزات خود به سطح بالاتری از همبستگی طبقاتی دست بیابند بامید چنان روزی ...

دوستان، کارگران مبارز بافق این را در تمامی مراحل مبارزاتی خود بخاطر بسپارید که:

تنها راه پیروزی زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!!!

بقیه در صفحه سوم

## کاهش قابل ملاحظه زنان

### شاغل در کشور از ۸۴ تا ۹۲

دنیای اقتصاد: آمارهای رسمی نشان می دهد در دوره هشت ساله اخیر، تعداد شاغلان زن در ایران با کاهش قابل ملاحظه ای مواجه بوده است.

بر اساس این آمارها، در سال ۱۳۸۴ نزدیک به ۳ میلیون و ۹۶۱ هزار نفر از شاغلان کشور «زن» بوده اند، در حالی که در سال گذشته، این تعداد به حدود ۳ میلیون و ۱۴۵ هزار نفر رسیده است؛ موضوعی که حکایت از کاهش تقریباً ۸۱۶ هزار نفری تعداد شاغلان زن در سالهای اخیر دارد.

به بیان دیگر به طور متوسط در هر سال، بیش از ۱۰۰ هزار نفر از زنان شاغل در کشور از بازار کار کنار می روند.

این اطلاعات با استناد به گزارش هایی که از سوی مرکز آمار ایران منتشر می شود، محاسبه شده است. (۲۰۱۴/۹/۹) بقیه در صفحه هفتم

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



گسترش تجارب... بقیه از صفحه اول

که از قبل موجود بودند و یا تازه به وجود آمده بودند را در دستور کار خود قرار دادند. این رژیم ضدکارگری حرکت مبارزاتی مستقل کارگری را به هیچ عنوانی نپذیرفته و با قلداری تمام جلو رشد این مبارزات و تشکل یابی کارگران را گرفت.

بدین ترتیب خمینی جلا در اس این نظام در ابتدا که هنوز رژیمش ضعیف بود حیل گرایانه از دوست داشتن کارگران حرف زده و گفت حتی خداهم کارگران را دوست دارد ولی با فشاری که حاکمان بر کارگران قدم به قدم وارد آوردند، کارگران نیز تدریجا دریافتند که رژیم جمهوری اسلامی نوکر نظام سرمایه داری و دشمن کارگران می باشد. توهم به وجود آمده اولی تدریجا در جنبش کارگری رو به تضعیف گذاشت.

**۲- در شرایطی که رژیم دنبال قانون سازی بود، کارگران نیز دست به کار تهیه قانون کار شدند:**

تصویب قانون کار ارائه شده به مجلس شورای اسلامی که تاحدی از برخی از خواسته های کارگری دفاع می نمود ولی هنوز قانونی نیم بند و به سود کارگران بود، این مجلس خدمتگزار نظام سرمایه داری را به چاره جوئی مزورانه وادار نمود. با این دست و آن دست کردن و تغییر دادن برخی مواد مترقی آن چندین سال به دراز کشاندند و تصویب این قانون را نه تنها به عقب انداختند، بلکه در ادامه کار بادیستبردهائی که در آن صورت دادند، گستاخی را تا بدان جا رساندند که دست کارفرماها را در کنترل کارگران، با تعریفی برده وار از کارگران، با خارج کردن کارگاههای کوچک ۵ نفری در ابتدا و در ادامه کارگاههای تا ده نفر کارگر از شمول قانون کار، بخش بزرگی از کارگران را حتی از داشتن حقوق نیم بند قانون کار حذف نمودند و بدین ترتیب در ادامه کار با معمول سازی استخدام موقت نیروی کار به میل هر کارفرما و فعال مایشاء کردن کارفرمایان در بستن قرارداد کاری، بیش از ۹۰٪ کارگران را از حق حداقل امنیت کاری و استخدام دائمی محروم نموده و قرارداد موقت کاری که به حد روزانه هم اکنون رسیده است را بر کارگران تحمیل کردند.

این برخورد رژیم به قانون کار به عیان نشان دیگری بود از ضدیت با کارگران و مبدل ساختن هر چه بیشتر آنان به برده گان جدید تولیدی. کارگران با دیدن این وضع غیرانسانی و غیرقابل تحمل شدیداً مخالفت

خود را با بستن قرارداد موقت اعلام کردند و اعتصابات و اعتراضات کارگری در کارخانه ها به طور جداگانه گسترش یافت و اگر حرکتی متشکل و سرتاسری علیه این قانون مستبدانه وجود داشت، کارگران حتی یک روز هم حاضر به رفتن زیر بار این قانون کار ارتجاعی نمی شدند. نتیجه آن که کارگران در برابر این قانون به شدت ارتجاعی هنوز نتوانسته اند مبارزه ای جدی و متحد نیرومندی را علیه آن سازمان دهند.

**۳- کارگران موسسات و کارخانه های بزرگ در جست و جوی راه دفاع از حقوق خود:**

طی دهه ها مبارزه برای دفاع از حقوق خود و از جمله به راه انداختن اعتصابات منفرد در هر محیط کار که به علت بی جواب گذاشتن و سرکوب پلیسی تاحد بستن راههای رفت و آمد و بعضاً زندانی کردن مدیران کارخانه، تجمع در برابر مجلس، وزارت کار، کاخ نخست وزیری، و مورد سرکوب قرار گرفتن حتی از طریق به رگبار بسته شدنشان از هلی کوپتر، به دست گرفتن تولید کارخانه در شرایطی که کارفرمایان معتقد به ضرردادن کارخانه ها می شدند و غیره پیش رفتند و بازم این تجربه ی گرانبها را به دست آوردند که "یک دست بی صدا است!" و دست به سازماندهی مستقل در سطح اتحادیه ای زدند. سردمداران رژیم برای جلوگیری از سازمان یابی مستقل کارگران شروع به دست گیری مسئولان این اتحادیه ها که به اندازه ی شمار تعداد انگشتان یک دست هم نبودند زدند. اینان دست گیر و زندانی شدند، مورد شکنجه و محکوم شدن به سالها زندان قرار گرفتند و حتی بعد از آزاد شدن برخی از آنان از کار نیز اخراج گشتند. ولی کارگران این ابزار مبارزه یعنی متشکل شدن مستقل را علیرغم سرکوب شدید از دست ندادند و در شرایط بسیار سخت توانستند تعداد اندکی سندیکاهای مستقل خویش را به وجود آورده و حفظ کنند و در عین حال مبارزه در یک رشته از کارخانه ها نظیر پتروشیمی را از حد صرفاً در یک بخش در آورده و در دیگر بخشها نیز درهم بسته گی با همزنجیران خود در کارخانه دیگر دست به اعتصاب بزنند. و هم اکنون این هم بسته گی از سطح کارگران یک رشته در دیگر کارخانه ها در آمده و موج دفاع از مبارزات کارگری در یک رشته با هم بسته گی کارگران رشته های دیگر روبه روشده و رشد این هم بسته گی می تواند در آینده به اعتصابات سراسری کارگران در ایران ارتقاء یابد.

بدین ترتیب هم تلاش برای سازمان یابی

و هم هم بسته گی مبارزاتی دو وسیله ی مهم در تداوم یابی مبارزه کارگران اهمیت خود را نشان دادند. این هم بسته گی هنوز در حالت کودکی است و به حد بلوغ نرسیده ولی پیوسته ادامه یافته و رشد می کند.

**۴- رشد ضرورت سازمانیابی سیاسی و حزبی به مثابه یک گام اساسی در رهائی کارگران:**

بالا رفتن سطح آگاهی کارگران پیشرو از خطر رویزیونیسم، آناشیسیم و رفرمیسم و تلاششان در ضرورت ایجاد حزب سیاسی پیشرو خود - از جمله تاحدی به خاطر فعالیت نیروهای سیاسی چپ در میان کارگران البته نه صرفاً به دلیل آگاهی طبقاتی درست دادن فرقه ها، بلکه هم چنین بر اساس شم طبقاتی خویش و ناشی از تجارب غنی طبقه کارگر ایران در صد سال اخیر - با مشاهده ی ضروری که فرقه گرائی این نیروها در متشکل شدن طبقه کارگر به وجود آورده است و فرقه های موجود سعی در نفی دیگران و ارائه خود به عنوان سازمان پیشرو کارگران می کنند، که مغایر بادید و جهان بینی کارگران در عرصه ی "کارگران همه کشورها، متحد شوید!" می باشد. آن هم در شرایطی که هیچ یک از این تشکلهای چه از نظر ایده ئولوژیک - سیاسی و چه از نظر نفوذ در میان طبقه کارگر به مفهوم عضویت کارگران پیشرو به مثابه استخوان بندی اساسی این تشکلهای و چه از نظر ادامه دهنده گان راستین تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر جهان و ایران بر اساس استراتژی و تاکتیکهای درست مبارزاتی نیستند. نفی گرائی در مورد دستاوردهای تئوریک و عملی مبارزاتی انقلابات کارگری در دیگر کشورها ورد زبان آنهاست که توهینی جدی به درک و فداکاری هزاران هزار کارگر مبارز جهان می باشد. اینها مجموعه عواملی هستند که پیشروان برخاسته از درون خود طبقه کارگر از اعماق سیاه چالهای رژیم اسلامی خادم سرمایه، امر ایجاد حزب واحد کمونیستی را با نفی وجود احزاب مختلف به عنوان حزب کمونیست فریاد می زنند. این گام بسیار مهمی است در نزدیک شدن برای دست یابی طبقه کارگر ایران به راه انقلابی در کسب قدرت سیاسی و رهائی از استثمار و ظلم و ستم قرون وسطائی نظام حاکم از طریق سازمان یابی سیاسی و اقتصادی خویش.

\*\*\*\*\*

اعتصاب ۴۰ روزه ی اخیر ۵ هزار نفری کارگران معدن سنگ آهن بافق از اواخر اردیبهشت در مخالفت با خصوصی

**بالا رفتن وحدت و شیوه قاطع مبارزاتی امیدبخش در جنبش کارگری است!**



کمیته های هماهنگی و پیگیری و کمیته های دفاع و ... است ، دوستان شما را خطاب قرار داده و توجه شما را به وضعیت کنونی طبقه کارگر و نیاز های آن در جهت ایجاد تشکل و سازمان یابی جلب می کنم .

کارگران ایران بی وقفه در اشکال و برای مطالبات مختلف به میدان می آیند و مدتی هزینه های بسیار بالایی نسبت به مطالبات طرح شده می دهند و سپس با دست آورد کوچک و بیشتر مواقع بدون هیچ دست آوردی تن به مبارزه فرسایشی می دهند. اما

همچنان مبارزه در ایران به شدت ادامه دارد و سیکل و دوره های فراز و نشیب مبارزات کارگران هر روز با بس آمد های فشرده تر از قبل رخ می دهد و باز فروکش کرده چند صباحی آرام می گیرد ، و دوباره با شتاب و شدتی بیشتر از قبل تبلور یافته به اوج می رسد و باز فرو می نشیند، سوال اینجاست : که چرا ما از این همه فراز و نشیب و اوج گیری دم به افزون هیچ طرفه ای بر نمی بندیم؟

این ترس کاملاً بجاست که دشمنان طبقه کارگر از خلاءای که به خاطر عدم انجام وظایف از طرف ما ایجاد شده است استفاده کرده کارگران را به راهی که منافع سرمایه داری لازم دارد بیشتر از قبل بکشانند، و ما در مقابل عمل انجام شده قرار بگیریم، که در آن زمان سخن گفتن از رسالت طبقاتی ، تشکیلاتی و بزرگ نمایی مطالبات کوچک و نشان دادن بر و بازو به یک دیگر و ... هیچ دردی را دوا نخواهند کرد.

ایا شما فکر نمی کنید ما در انجام وظایف و رسالت های خود محدودیت های تاریخی و زمانی داریم ؟

آیا فکر می کنید زمان توقف می کند تا ما برای انجام رسالت و وظایف و دست یابی به همبستگی طبقاتی خود را آماده کنیم ؟

بدون اینکه خود را فریب بدهیم ویا موارد کسب شده را بزرگنمایی کرده و معایب خود را پنهان کنیم و یا همچنان دنباله روی از حرکت های خود به خودی را تقدس نماییم ، بیاید معایب را پیش رو بگذاریم و برای مبارزه با مشکلات قبول کنیم که مبارزه در این میدان از عهده همه ی ما به صورت تک به تک خارج است و برای کسب موفقیت هیچ چاره ای جز به رسمیت شناختن همدیگر و اختلافات موجود نداریم که باید در نقاط مشترک آگاهانه توانائیهایمان را روی هم گذاشته با قدرت متمرکز به مقابله با سرمایه داری و دشمنان کارگران بپردازیم و از بابت موضوع مبارزه و همکاری نباید هیچ نگران بود چرا که

رحمانه ی طبقه کارگر و توده های زحمت کش و تحمیل استبدادی قرون وسطائی به این اکثریت عظیم تولید کننده گان نعمات مادی و معنوی جامعه ما. امروز وحدت و تشکیلات براساس اصول کمونیسم علمی با پشتوانه ی عظیم عملی اش باید درمناظر فعالان کارگری بوده و فرقه گرایی خرده - بورژوائی را با تمام وجود درهم شکنند . نباید بگذاریم شیوه تفکر خرده - بورژوائی بر شیوه تفکر پرولتاریائی درمبارزات جاری غلبه کند.

ک.ابراهیم  
۱۰ شهریور ۱۳۹۰



**با قدردانی از کمهای  
مالی رفقا و دوستان  
به حزب ذکر این  
نکته را ضروری  
می دانیم که تکیه  
ی حزب به اعضاء  
وتوده ها در پیشبرد  
مبارزه طبقاتی،  
روشی انقلابی و  
پرولتاریائی است  
در حفظ استقلال  
سازمانی و جدا  
نشدن از طبقه کارگر  
و توده ها**

پیام شاهرخ زمانی ..بقیه از صفحه اول

سخن من رو به تشکل ها و فعالین کارگری از جمله سندیکاهای شرکت واحد، هفت تپه، نقاشان تهران و البرز و خبازان و فلزکار مکانیک همچنین اتحادیه ازاد کارگران،

سازای این معدن و فروش آن به شرکت فولاد خوزستان، دخالت یگانهای ویژه نیروی انتظامی در بازداشت ۹ نفر از کارگران اعتصاب کننده ادامه اعتصاب و خواست آزاد نمودن رفقای دستگیر شده، طرح مسائل مربوط به ساکنان شهر بافق، دروحدت مبارزاتی آموزنده ای بین آنان منجر به اعلام هم بسته گی از جانب کارگران دیگر شرکتها شد که از جمله صدور اعلامیه ای که در آن آمده است:

"ما کارگران و فعالان کارگری ضمن محکوم کردن تمامی این اقدامات سرکوبگرانه ضد کارگری دست اندرکاران حاکم و بازداشت و زندانی نمودن کارگران معدن سنگ آهن بافق، حمایت قاطع خود را از کارگران اعتصابی و خانواده های آنان اعلام می کنیم. افشای سیاست و عملکرد سرکوبگرانه ارگان های دولتی، مقابله با سیاست های ضدکارگری، مبارزه برای آزادی کارگران زندانی، مبارزه برای خواست های طبقه کارگر و مبارزه با قوانین اسارت بار نظام سرمایه داری، اولویت های مبارزاتی همه کارگران آگاه و پیشروان کارگری است. همه کارگران، فعالان و پیشروان کارگری را به این مبارزه مشترک در صفوف متحد و متشکل فرا می خوانیم.

زنده باد مبارزه متحد طبقه کارگر بر علیه سرمایه داران زالوصفت حاکم کارگران زندانی بدون قید و شرط باید آزاد شوند زنده باد آزادی و دموکراسی کارگران پروژه های پارس جنوبی فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان فعالان کارگری جنوب جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ویژه ماهشهر و بندر امام

بخشی از کارگران محور تهران - کرج" نشان روشنی است از رشد درک ایده نولوژیک - سیاسی مبارزاتی کارگران و به امید روزی که این مبارزات چه از نظر ایجاد حزب سیاسی پیشرو و چه تشکل توده ای سراسری کارگری بتواند به نیروئی به طور عینی تعیین کننده در سرنوشت مردم ایران که بیش از ۷۰٪ آنان در فقر زنده گی کرده و تحت ستم رژیم ارتجاعی مذهبی هستند، تبدیل شود.

در تقویت این روحیه هم بسته گی عملی باید کوشید و صف پراکنده ی طبقه کارگر ایران را هرچه فشرده تر در سطوح مختلف اقتصادی و سیاسی متحد و متشکل نمود. چنین است درسهای مبارزاتی کارگران طی ۳۶ سال حاکمیت جبار نظام سرمایه داری با علم پاره پاره ی مذهب دراستثمار بی



همیشه در سطح کشور در چند نقطه مبارزه بشدت در جریان است که هم اکنون کارگران بافق پرچم مبارزه را به دوش می کشند و موفقیتی هم بدست آوردند که شما می توانید در کمک به این مبارزه و انتقال تجربیات آن به بخش های دیگر آن را به سمت سراسری شدن و جلب حمایت دیگر بخش های کارگری از مبارزات کارگران بافق پیش ببرید البته نباید عجله کرد بلکه باید از جایی با دقت و به صورت سازمان یافته و برنامه ریزی شده شروع کرد و این توانایی را مجموعه ی شما دوستان دارید.

با این حال بهتر است به موارد زیر نیز توجه شود :

با توجه به اینکه طی ده سال گذشته ثابت شده است که هیچ کدام به تنهایی توانایی فوق را نداریم باید این واقعیت را همه بپذیریم، تا زمانی که این واقعیت را نپذیریم نه تنها تن به همبستگی نخواهیم داد بلکه مانع همبستگی خواهیم بود و برای توجیه خود مجبور به انکار بقیه خواهیم شد و این انکارها در اشکال فرقه ای و بعضاً در قالب سندیکالیستی تا به این روز صد ها بار خود را نشان داده و ضربات مهلکی به طبقه کارگر زده است این هدر دادن تواناییهای طبقه کارگر در مبارزه با دشمن است برای اثبات این ادعا که هیچ کدام از تشکل های فوق به تنهایی توان هیچ کار عملی را ندارند یک دلیل کافی است و آن این است که اکثریت مطالبات کارگرانی که طی ده سال گذشته دست به اعتراض زدند مطالبه مشترک با دیگر بخش های کارگری بوده است بنا براین می توانست باعث اعتصاب همزمان چند کارخانه برای مطالبه مشترک باشد و چنین سازماندهی و وظیفه به عهده تشکل های فوق است که طی ده سال هرگز چنین اتفاقی رخ نداده است و اکنون مطالبه کارگران بافق یک مطالبه مشترک نه تنها رشته ای و نه تنها منطقه ای و نه تنها ملی و بلکه یک مطالبه جهانی است و اگر حتی یکی از تشکل های فوق توان انجام وظیفه و رسالت داشته باشد باید می توانست تمامی یا

حداقل یک کارخانه یا یک معدن دیگر را به حمایت از کارگران بافق برای چنین مطالبه مشترک به اعتصاب بکشاند آیا چنین توانی داریم ؟ اگر داریم پس چرا این کار را نمی کنیم؟ همین یک دلیل کافی است که بپذیریم هیچ کدام از ما به تنهایی توان انجام وظایف و رسالت تاریخی خود را نداریم و بهتر است دست در دست همدیگر بگذاریم. البته بیشتر دوستان با بهانه قرار دادن سه دلیل کاملاً غیر منطقی یقه خود را از همکاریها رها می کنند تعدادی خود را تشکل واقعی کارگری دانسته و همچنین خود را محدود به فعالیت اقتصادی کرده بقیه را سیاسی می دانند و از آنها دوری می کنند و این را بهانه ای برای عدم انجام وظیفه پیش می برند و بیشتر از نظر گاه سندیکالیستی موضوع را توجیه می کنند در پی ثابت خواهم کرد که هیچ فاصله بین مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران وجود ندارد و بهانه این دوستان کاملاً غیر منطقی است ، عده ای نیز برای اثبات حقانیت تئوریک خود از طریق برخورد فرقه ای مطالبات کارگری را فدای مطالبات گرایشی می کنند و از این بابت توان باز کردن مشت خود در یک جمع بزرگتر را ندارند برای همین با تبلیغات اینکه آنها راست هستند و ما رادیکال هستیم و غیره یقه خود را راحت می کنند یک جواب ثابت برای این دوستان نیز وجود دارد اینکه وقتی با وجود اعتراضات گسترده و در حد اشتراک حتی جهانی مانند اعتراض کارگران بافق نمی توانیم یک کارخانه دیگری را به اعتصاب بکشانیم این رادیکال بودن به چه دردی می خورد؟ در چنین شرایطی رادیکال کسی است که بتواند تعداد بیشتری از کارگران را به اعتراض اصولی و مشترک طبقاتی بکشاند بقیه خود فریبی است. سومین دلیلی که دوستان برای عدم انجام وظیفه و رسالت خود، پیش می کشند شدید بودن سرکوب است این نیز فقط یک توجیه است و قابل قبول نیست، بهانه قرار دادن میزان و شدت سرکوب نمی تواند دلیل و توجهی منطقی برای عدم انجام وظیفه باشد اولاً" سرکوب از طرف دشمن صورت می گیرد و دشمن وظیفه خود را انجام می دهد، در مبارزه طبقاتی انتظار داشتن از دشمن که سرکوب نکند یک توقع غلط است، دوما" شدت سرکوب بستگی به میزان همبستگی طبقاتی کارگران دارد هر چه همبستگی طبقاتی کمتر باشد شدت سرکوب بیشتر خواهد بود و بر عکس ، رسالت مبارزه طبقاتی دشمن سرکوب و جلوگیری از ممکن شدن همبستگی طبقاتی کارگران است، و باز برعکس رسالت فعالین

و انقلابیون رادیکال طبقه کارگر درست در همین حین هر چه شدیدتر بودن سرکوب معنا و مفهوم پیدا می کند که باید بتوانند حتی برای مقابله با شدت سرکوب و کم کردن آن همبستگی طبقاتی کارگران را ممکن نمایند این رادیکالیسم بسیار خنده دار است رادیکالی که از دولت سرمایه داری انتظار دارد کمتر سرکوب کند یا اینکه منتظر است شدت سرکوب کمتر شود، اگر ما فعالیت نکنیم و همبستگی کارگری را ممکن نکنیم به چه دلیل باید شدت سرکوب کمتر شود؟ این دوستان از سرمایه داری انتظار دارند شدت سرکوب را کمتر کند، تا این رادیکال ها بتوانند تشکل کارگری بسازند و همبستگی طبقاتی کارگران را ممکن کنند تا از طریق تشکل کارگری و همبستگی طبقاتی کارگران سرمایه داری را سرنگون کنند این رادیکالیسم دچار تناقض است. می توان در قالب اتحاد عمل های مختلف ، جبهه های متحد و غیره ضمن اینکه نیروها و توانایی های طبقه کارگر را روی هم گذاشت در همین حال از این طریق می توان طبقه کارگر را از شر کاربزمها و فرقه گرایانی که مانع همبستگی طبقاتی می شوند خلاص کرد.

طی سالهای گذشته اعتراضات و اعتصابات بزرگ و تداوم داری مانند شرکت واحد، هفت تپه ، نورد های ساوه و اهواز و ... پترو شیمی ها، فرش و چینی گیلان ، معدن سرچشمه ، خاتون آباد و چادرملو ، نساجی های قزوین و کاشان، صنایع ارتباطی شیراز ، لاستیک البرز و دنا و ایران ، تراکتور سازی های تبریز و ایران و خودرو سازیها ، کارگران شهرداریها و ... و اکنون کارگران معدن سنگ آهن بافق در جریان بوده و هستند در مقابل چنین اعتراضات گسترده باید از خود بپرسیم :

اگر همه ی تشکل های که در بالا از آنها نام برده شد نبودند و همه ی اعتراضات بیان شده اتفاق می افتاد چه تفاوتی با وضعیت امروزشان می توانستند داشته باشند ؟ آیا غیر از این می شد که اکنون شده است؟

اگر به دو سوال فوق جواب اصولی بدهیم جواب به ما نشان خواهد داد که ما چقدر توانستیم وظایف و رسالت تاریخی خود را انجام بدهیم و چقدر در انجام وظایف کوتاهی کردیم ، قصد از طرح چنین بحثی این است که نشان بدهم وظایف بسیاری به عهده ما است که روی زمین آمده است و ما باید برای انجام دادن آنها برنامه ریزی داشته باشیم ، می خواهم بگویم اگر هزاران اعتصاب رخ بدهد و دهها سال ادامه داشته باشند



خود به خود هیچ سودی برای طبقه کارگر نخواهند داشت بلکه زمانی می توان از این اعتصابات و اعتراضات به سود کارگران چیزی کسب کرد که اعتراضات و اعتصابات فوق منشاء و نقطه شروع همبستگی طبقاتی بین کارگران کارگاه های مختلف ، کارخانجات مختلف ، مناطق و صنایع مختلف شوند. مثلاً وقتی کارگران معدن بافق دست به اعتصاب زدند کارگران معادن سرچشمه و چادرملو نیز به حمایت از کارگران بافق دست از کار بکشند ، یا وقتی کارگران هفت تپه دست به اعتصاب می زنند ، کارگران نورد اهواز ، لوله سازی صفا ، ذوب آهن اردبیل و ... نیز به حمایت از کارگران هفت تپه دست از کار بکشند . یا وقتی کارگران لاستیک البرز اقدام به اعتصاب می کنند باید کارگران لاستیک سازی ایران ، دنا و ... در حمایت از کارگران البرز دست به اعتصاب بزنند و ... این یعنی همبستگی طبقاتی چنین همبستگی هر گز خود به خود ممکن نمی شود بلکه باید فعالین و تشکل های موجود دست به دست بدهند و برای رسیدن به همبستگی طبقاتی و اعتصابات سراسری اقدام به تشکیل هیات های موسس سندیکا ها ، فدراسیون ها و حزب طبقه کارگر بکنند.

هر کدام از شما فعالین بعنوان یک فرد یا مجموعه ای از محافل و تشکل های موجود کارگری دارای رسالت و وظایفی هستید و کم و بیش به بخشهایی از رسالت خود آگاهی دارید که این موجودیت ها ، بر مبنای سطحی از آگاهی طبقاتی نسبت به رسالت و وظایف فوق معنا و مفهوم پیدا کرده اند. هدف از این نوشته آگاهی دادن نسبت به رسالت ها و وظایف نیست بلکه طرح سوالاتی است که می توانند روشن کنند چرا با وجود رسالت ها و آگاهی نسبت به وظایف و زمینه های ممکن برای فعالیت در جهت وظایف فوق حرکت های ماندگار و کار سازی صورت نمی گیرد؟

با توجه به اوضاع کنونی طبقه کارگر و مبارزات اجتناب ناپذیر و روز افزون در نقاط مختلف و گسترش هر روزه و اینکه بی وقفه بخش هایی از کارگران در اشکال و با مطالبات گوناگون وارد میدان مبارزه می شوند از جمله ( کارگران پترو شیمی ها ، لاستیک سازی و خودرو سازیها ، نساجی ها و کارگران خدماتی و ساختمانی و ... آخرین آنها که با مطالبه کاملاً ریشه ای در معادن سنگ آهن بافق است) مطالبه کارگران بافق از این جهت پایه ای و بسیار ریشه ای محسوب می گردد که آنها دارند با شاه

بیت و ستون مرکزی خیمه و پرچم اکنون بر افراشته هجوم سرمایه داری به زندگی انسانی مقابله می کنند چون خصوصی سازی در حال حاضر شاه بیت حمله سرمایه داری به طبقه کارگر است و همه ی حملات دیگر فعلاً "تحت پوشش و لوای طرح های خصوصی سازی پیش برده می شوند. از اخراجهای دسته جمعی کارگران گرفته ، تا تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضا ، طرح های رایگان کارآموزی ، طرح استاد و شاگردی ، طرح های آزاد سازی قیمت ها و حذف یارانه ها ، طرح های تعطیلی کارخانجات و کارگاه ها ، تغییر هر روزه قوانین کار به زیان کارگران و ... و جلوگیری از ایجاد شدن تشکل های کارگری (یکی از شروط اصلی خریداران شرکت های مشمول خصوصی سازی این است که کارگران حق ایجاد تشکل نداشته باشند یا همه ی آنها اخراج شده مجدداً با طرح موقت که از ترسشان حرفی از تشکل نمی توانند بزنند، است) همگی تحت پوشش طرح خصوصی سازی و آزاد سازی کلید خورده اند، از این جهت مبارزه کارگران بافق با سرمایه داری و دولت آن مبارزه ریشه ای دو طبقه در مقابل یکدیگر در حد گستره ملی و جهانی بود، ضمن اینکه در تمامی سطوح مبارزه کارگران با سرمایه داری دارای بعد طبقاتی است اما در مورد رو در روی کنونی کارگران بافق با دولت و کارفرمای معدن با وضوح صد در صدی بعد طبقاتی در حد ملی و جهانی بارز شده است.

چنین مبارزه ای امکان شروع را در بافق و یا دیگر شهر ها و کارگاهها را دارد و خواهد داشت ، ولی امکان محدود ماندن به یک شهر و کارگاه و همچنان ادامه داشتن در شهر و کارگاه محدود را ندارد بلکه باید سریعاً به سطح منطقه ای و کشوری گسترش پیدا کند در آن صورت است که دولت و سرمایه داری مجبور به عقب نشینی واقعی خواهد شد دولت و کارفرما ها در عقب نشینی های تا کنونی موقتی عمل کرده و برای حمله مجدد زمان خریده اند اما اگر مبارزه کنونی کارگران بافق از سطح کارگاهی و یک شهر به سطح رسته ای ، منطقه ای و کشوری ارتقاء می یافت در آن صورت دولت و کارفرما ها مجبور به حذف طرح کلی می شدند تا خرید فرصت و حمله مجدد.

لازم بذکر است فاصله بین مبارزه صنفی و سیاسی کارگران بخصوص در ایران وجود ندارد و کارگران برای هر مطالبه ای به هر نوع اعتراضی دست می زنند بسیار

زود مبارزه بعد سیاسی به خود می گیرند این از خواست طرح شده مستقیم توسط خود کارگران نیست بلکه از خصلت سرمایه داری و حکومت ایران است که هر چیزی و هر مطالبه ای را به ذات موجودیت خودش پیوند زده است مثلاً "وقتی کارگران دستمزد های معوقه خود را می خواهند پای اقتصاد متزلزل حکومتی به وسط می آید و دولت شروع به دستگیری و سرکوب کارگران می کند و در نتیجه مبارزه سیاسی می شود ، وقتی کارگران می خواهند با اخراج ها مقابله کنند چون اخراج ها مربوط به شروط خصوصی سازی و ناتوانی حکومت در پیش برد اقتصادی است پای حکومت به میان می آید و بگیر و ببند شروع می گردد باز موضوع اعتراض سیاسی می شود وقتی کارگران برای ایجاد تشکل کارگری اقدام می کنند چون حکومت از هر جهت متزلزل است و حقوق کارگران را طی تمامی سالهای عمر خود زیر پا گذاشته است و طی ۳۶ سال با زور سر نیزه حکومت کرده است و خود یک کارفرمای بزرگ است و تمامی مجتمع های بزرگ اقتصادی را به صورت نظامی و پلیسی در خفقان نگذاشته است می داند تشکیل شدن تشکل های کارگری مساوی با سرنگونی حکومت است از این جهت شروع به دستگیری و سرکوب شدید می کند بنا براین این مطالبه نیز سیاسی می شود نهایتاً در ایران هیچ مطالبه ای را نمی توان یافت که سیاسی نباشد یا سیاسی نشود، ما در این جا به یکی از جواب های خود دست می یابیم.

چرا کارگران برای کسب یک مطالبه بسیار کوچک در حد دریافت دستمزدهای معوقه در حد مطالبات سرنگونی طلبی هزینه می دهند و حتی کسب نمی کنند و اگر هم کسب کرده باشند بعد از مدتی باز آن را از دست می دهند ؟

جواب را در بالا یافتیم ، جواب این است که ساختار سرمایه داری ایران و دولتش با هر مطالبه ای از سوی کارگران متزلزل می شود بنا براین هر مطالبه ای در ایران از جانب کارگران صد در صد سیاسی است هر چند خود کارگران با دید سیاسی به مطالبه خود نگاه نمی کنند ولی طرف مقابل یعنی کارفرما و دولتش از همان لحظه اول بر خورد سیاسی می کند، در نتیجه مطالبات اقتصادی و صنفی نیز خود به خود به مطالبات سیاسی تبدیل می گردند و از طرفی مطالبات سیاسی را نمی توان با مبارزات محدود به یک کارگاه یا یک شهر و با ابزار های صنفی و مبارزات در حد



صنعتی و اقتصادی بدست آورد برای کسب مطالبات سیاسی باید به ابزار های مبارزات سیاسی و مکمل آنها مجهز بود آنچه از این بحث نتیجه می شود این است که چون پایه های حکومت جمهوری اسلامی با هر مطالبه ای زیر سوال قرار می گیرد در نتیجه جمهوری اسلامی برای حفظ خود و سرمایه داری هر مطالبه ای را با سرکوب و بر خورد سیاسی جواب می دهد و هیچ راهی برای کارگران باقی نمی ماند که اگر بخواهند مبارزه را در هر سطحی چه اقتصادی و چه سیاسی ادامه بدهند ناچارند به راه مبارزات سیاسی کشیده شوند و برای مبارزه در سطوح سیاسی نیاز به ابزار های سیاسی و سراسری دارند از این جهت است که بدلیل نبود تشکل سیاسی کارگری (حزب طبقه کارگر) و تشکل های سراسری اقتصادی - صنفی کارگری مانند (اتحادیه ها و فدراسیون ها) کارگران به مطالبات خود نمی رسند یا اگر مطالبه ای را کسب کرده باشند پس از مدت کوتاهی دوبار از دست می دهند. برای عبور از این مانع کارگران بخصوص کارگران پیشرو باید اقدام به ایجاد هیات های حزب خود و فدراسیون ها و اتحادیه های سراسری نمایند که بدون این دو در ایران امکان کسب و تدوام خواسته های کسب شده وجود نخواهد داشت، هم اکنون باید کارگران بافق بدانند مبارزه بطور واقعی تمام نشده است بلکه یک دوره مبارزه پایان یافته و کارفرما یک فرصت کسب کرده که تلاش می کند مجدداً حمله ای را ترتیب داده اقدام به خصوصی سازی را ادامه بدهد بنا براین کارگران بافق برای تثبیت خواسته ها و مطالبات کسب شده خود باید با کارگران معادن دیگر مانند خاتون آباد، مس سرچشمه، چادر ملو و ... و همچنین با کارگران فعالین کارگری مجتمع های مانند پتروشیمی بندر امام، اراک، اصفهان، تبریز، تهران و همین طور با کارگران شرکت های نورد و خودرو سازیها و کارگران خدماتی تماس بر قرار کنند و خود را برای اعتراضات مشترک آماده نمایند، چرا که همه ی این کارگران مخالف خصوصی سازی هستند و همه ی این کارگران از طرح های خصوصی سازی ضربات مهلکی خورده اند و همچنان هنوز زیر ضربات خصوصی سازی قرار دارند با بر قرار کردن چنین ارتباطاتی کارگران می توانند اقدام به تشکیل تشکل های سراسری و فدراسیون های خود بکنند و بدون شک فعالین پیش رو کارگری نیز در چنین ارتباطاتی موفق به ایجاد تشکل سیاسی

طبقه کارگر خواهند شد. بر قرار ارتباط بسیار ساده است چرا که کارگران عضو یک طبقه بسیار گسترده اجتماعی هستند مثلاً از پنج هزار کارگر بافق بدون شک تعدادی هستند که دوستانشان یا برادر و خواهرشان یا عمو یا دیگر فامیلشان در یکی از کارگاه های پتروشیمی، یا نورد اهواز یا در هفت تپه یا در معدن مس یا در چادر ملو و ... کار می کنند که می توان با بر قرار کردن چنین ارتباطاتی به مرور آنها را به روابط سیستماتیک ارتقاء داده و از این ره گذر به فدراسیون ها و اتحادیه ها و تشکل سیاسی دست یافت در مرحله اول لازم است این ارتباطات تنگاتنگ گسترش یابد. که البته وظیفه فعالین کارگری و کارگران پیش رو در این ارتباط بسیار مهمتر و بارز تر از بقیه است. در نهایت لازم به ذکر است فعالین کارگری برای ایجاد تشکل سیاسی کارگران نیاز به مبارزه با دو گرایش مهم انحرافی دارند یک باید با بر خورد های فرقه ای در جهت ساختن حزب مبارزه کنند و در همین حال باید با اندیشه سندیکالیستی که می خواهد مبارزه را در حد صنفی متوقف کند نیز مقابله نمایند همان طوریکه در بالا توضیح داده شد نمی توان مبارزه صنفی - اقتصادی را از مبارزه سیاسی جدا کرد بنا براین تابع افکار سندیکالیستی شدن مساوی با درجا زدن طبقه کارگر است البته داشتن و ایجاد سندیکا ها بسیار واجب است اما باید سندیکا ها را از سلطه اندیشه سندیکالیستی نجات داد، برای ساختن حزب طبقه کارگر باید با دو گرایش انحرافی فوق مبارزه شود و در همین حال برای مبارزه با دو گرایش فوق باید از حزب ساخته شده استفاده نمود.

### دروغ بر کارگران مبارز بافق

#### بر قرار پاد همبستگی و اعتصاب

#### سراسری کارگران

#### شاهرخ زمانی کارگر نقاش از

#### زندگانه گوهر دشت کرج -

۱۳۹۳/۶/۱۲



دفاع از حقوق کارگران... بقیه از صفحه اول حمایت از یکدیگر می پردازند. بنابراین بهانه برای اخراج در دست پیمانکار قرار گرفته و چون شهرداری هیچ دخالتی در این زمینه نمی کند، پیمانکار ما را به مرز منتقل کرده تا به افغانستان بازگردانده شویم. این رفتگر شهرداری افزود: خردادماه امسال ۱۳ کارگر افغانستانی بر همین اساس

به افغانستان بازگردانده شدند. وی ادامه داد: پیمانکار تا سال های گذشته حق آب، برق و گاز ما را پرداخت می کرد اما از امسال این پرداخت ها را قطع کرد و ما مجبور به پرداخت آن هستیم.

وی گفت: تمامی امکانات رفاهی را کارگران از هزینه شخصی خود تهیه می کنند، مثلاً آشپزخانه خوابگاه را خودمان درست کردیم اما برای استحمام باید بیرون برویم. در بازدیدی که خبرنگار اینلا از محل اسکان این کارگران در خیابان برادران مظفر داشت، ۳۳ کارگر در دو کانکس فلزی که مساحت هر کدام به ۳۰ متر می رسید، زندگی می کردند.

سخت گیری علیه کارگران افغان در ایران تازه نیست. اما این بار دولت هم با نیروهای مخالف حضور پناهندگان تبعه افغانستان در ایران همصدا شده و می کوشد کارگران افغان را مسئول بیکاری چند میلیون جمعیت بیکار کشور قلمداد کند. این سیاست دولت روحانی را جهانگیری معاون اول رئیس جمهور هدایت می کند.

روز ۳۰ تیر جهانگیری معاون اول رئیس جمهور با صدور بخشنامه ای جدید، ممنوعیت اشتغال اتباع بیگانه را ابلاغ کرد و به وزارت کار ماموریت داد تا اسامی دستگاه هایی را که در این باره همکاری نمی کنند، اعلام کند.

معاون اول رئیس جمهور در این بخشنامه کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها، موسسات و شرکت های دولتی و استانداری ها را از به کارگیری نیروی کار خارجی منع کرده است. طبق این ابلاغیه بکارگیری نیروی کار خارجی «در صورت ضرورت» و تنها از نیروی کار دارای کارت کار موقت ممکن خواهد بود. «اسحاق جهانگیری» هدف از صدور این ممنوعیت را «صیانت از نیروی کار داخلی و افزایش میزان اشتغال و به منظور کمک به حل معضل بیکاری و فراهم کردن شرایط ضروری برای ساماندهی اتباع بیگانه» عنوان کرده است.

نهاد های دولتی، رسانه ها و افکار عمومی می دانند که منظور معاون رئیس جمهور از «ساماندهی اتباع بیگانه» عمدتاً افغان هاست. با صدور این بخشنامه همه دستگاه های اجرایی دولتی و عمومی غیر دولتی و نیز شرکت ها و پیمانکاران مرتبط با آن ها ملزم می شوند که تنها نیروی کار ایرانی را به کار بگیرند و «از به کارگیری کارگران غیر مجاز تحت هر شرایطی پرهیز کنند.»

## دفاع از حقوق کارگران افغانستانی وظیفه ایست بلادرنگ!



در زمانی که بیش از ۹۰٪ مردم ایران در فقر زنده می‌گردند و آینده‌ی فرزندانشان در صورت زنده ماندن تیره و تار شده است؛ در حالی که به علت تغذیه بد و ناکافی انواع امراض نظیر پوکی استخوان، فقدان توانایی مالی برای معالجه مرض در بیمارستانها سخن روز در ایران است؛

در زمانی که فارغ التحصیل شده گان دانشگاهها بخش قابل ملاحظه‌ای از بی‌کاران را تشکیل می‌دهند، در حالی که در ایران روحیه‌ی درس خواندن برای تأمین زنده گی بهتر پیوسته برای کودکان تبلیغ می‌شد، امری که باعث شده است جوانان ما در شرایط خفقانی فاقد آزادی اجتماعی و احساس بی‌آینده بودن به انواع موادمخدر پناه ببرند؛ به هنگامی که کودکان درسین آموزش و پرورش در میدان بی‌رحم استثمار و ستم برای کمک به اقتصاد خانواده از مدرسه رفتن بازمانده و به خیل کودکان کار در حال افزایش می‌پیوندند و در یک کلام در شرایطی که فقر و فلاکت و زنده گی جهنمی دامن بیش از ۹۰٪ کودکان را در ایران گرفته است، رژیم کوتاه بین «ولایت فقیه» به فکر افزایش باروری زنان و افزایش جمعیت با دید «گوشت دم توپ درست کردن از» قلب جوانان برای گسترش نفوذ خود را می‌خواهند برای فردا روز برای جنگ و ستیز و پاسیو و عقب نگهداشتن زنان طبق دیدگاه «در ایران زنان را بود این هنر — نشینند و زایند شیران نر» آماده کنند.

در عین حال کشاندن زنان مبارز ایران به زیرسقف خانه و ممانعت از نقش فعال اجتماعی آنها که هم اکنون زبان زد خاص و عام می‌باشد، دیدگاه عقب مانده ارتجاعی مذهبی را زنان گردن کشانه به سُخره گرفته اند و ستم بر زنان یکی از پایه های اساسی دیدگاه مذهبی حاکمان در ممانعت از وحدت زنان و مردان برای برچیدن این نظام ننگ و نفرت از روی زمین را تشکیل می‌دهد.

در چنین شرایطی «طرح افزایش باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت» و «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» که در دستور کار نمایندگان مجلس ایران قرار دارند، حقوق زنان را بیش از پیش محدود می‌کنند و هدف اصلی آنها افزایش تولید مثل و کار خانگی برده وار زنان است.

اولین اثر این دو طرح و در صورت تصویب آنها توسط مجلس شورای اسلامی موجب نقض آزادی زنان و حق تصمیم آنان در بارور شدن یا نه، جلوگیری از آموزش و اشتغال زنان در ایران است.

به دنبال سخنان رهبر جمهوری اسلامی

تأمین معاش است که با شرایط موجود، آن را هم به زودی از دست خواهند داد. (۹۳/۵/۲۲ به نقل از آسمان دلیلی نیوز)

از رژیم و سرمایه داران ایرانی بیشتر از این نمی‌نوان انتظار داشت که ضمن دادن سخت ترین کار (۱) به کارگران افغانستانی با حداقل مزد و امکانات رفاهی، از یک سو جیبهای شان را از سود پرمی کنند و از سوی دیگر ناتوانی شان در ایجاد کار چون که وجود ارتش میلیونی بیکاران بهترین فرصت برای آنها جهت استثمار هر چه بیشتر کارگران می باشد، دشمنی بین کارگران ایرانی و افغانستانی را دامن می‌زنند تحت این بهانه ی پوچ که گویا کارگران خارجی شغل کارگران ایرانی را گرفته و عامل بیکاری می باشند!! زمان آن رسیده است که همان طور که در کشورهای کارگران قدرت دولتی را به دست گرفتند، بیکاری از جامعه رخت بر بست، در ایران نیز برای تحقق این رویای شیرین کارگران به پاخیزند نظام سرمایه داری را سرنگون سازند و نشان دهند که مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و استثمار بی رحمانه و کسب سود هر چه بیشتر عامل اصلی این نابه سامانیهاست و نه وجود کارگران زحمت کش افغانستانی!!

(۱) - ایسنا. سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از مرگ کارگری افغان به علت سقوط در دستگاه بتون سازی خبر داد. سیدجلال ملکی با اعلام این خبر توضیح داد: به دنبال اعلام یک مورد حادثه در ساعت ۱۲:۳۷ امروز ۲۴ شهریور ماه، ستاد فرماندهی آتش نشانیان دو ایستگاه را به محل حادثه واقع در یک کارگاه بتون سازی در خیابان شهید رجایی اعزام کردند. آتش نشانیان در محل مشاهده کردند که یک کارگر ۱۸ ساله افغان در دستگاه بتون سازی محبوس شده است که بلافاصله با استفاده از تجهیزات مخصوص، وی را از درون دستگاه خارج و به عوامل اورژانس تحویل دادند که آنان پس از بررسی علانم حیاتی، مرگ وی را تایید کردند.



**کاهش قابل ملاحظه .. بقیه از صفحه اول**

[خوداین آمار نشان دهنده ی ضدیت رژیم اسلامی حاکم در تضعیف نقش سازنده زنان در جامعه می باشد. رنجبر]

## مبارزه برای لغو طرح های ضد زن

### در مجلس ایران

در شرایطی که ناشی از سوء مدیریت آبهای کشور در هوای گرم ایران ذخیره ی آب حتماً برای شهر تهران و حومه با بیش از ۱۰ میلیون جمعیت به معضل روز تبدیل شده است و این وضعیت در بسیاری از شهرها و روستاها وحشت آفرین شده است؛

در باره ابلاغیه ممنوعیت و ایجاد محدودیت برای اشتغال اتباع خارجی خبرگزاری ایلنا نوشته است: «بخشنامه معاون اول رئیس جمهور نشان می‌دهد دولت در تلاش است معضل بیکاری را به گردن کارگران افغان بیندازد. اما سوال اینجاست که با فرض غیرقانونی بودن کار پناهندگان غیرمجاز، آیا مسئولیت بیکاری ۲.۵ میلیون نفر ایرانی که طبق اعلام وزیر کار، عمدتاً از قشر تحصیل کرده هستند، تماماً با کارگران افغان است؟»

طبق مصوبه شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی، مهاجران افغان در ایران فقط در چهارده استان اجازه تردد دارند، آن هم فقط در مناطق معین. در برخی از شهرها حتی امام جمعه، فرماندار و یا شهردار به تنهایی تصمیم می‌گیرد از ورود افغان ها به شهر جلوگیری کند و یا برای آنان مرزهای ممنوعه ورود و خروج تعیین می‌کند.

مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت کار در گفتگو با تسنیم با اشاره به ممنوعیت حتی فعالیت چوپانی برای کارگر افغان در ایران می‌گوید: به طور مثال در شغل چوپانی هیچ کارگر ایرانی در هیچ کجای ایران دیگر تمایل به این شغل ندارد. به طور مثال استان سمنان اعلام کرده است که تا سه سال دیگر هیچ گله گوسفندی در سمنان نداریم چرا که چوپان نداریم. در کنار این مسئله که هیچ کارگری تمایل به فعالیت در شغل چوپانی ندارد ما اعلام کرده‌ایم که چوپانی از مشاغل ممنوعه ای است که کارگر افغانی نباید در این شغل فعالیت کند. با این شرایط سمنان اعلام کرده است که اگر مجوز فعالیت به کارگران افغانی ندهید گله های گوسفند سمنان را کارگران افغانی صحرا نبرند سه سال دیگر تهران از گوسفند سمنان محروم است.

خلاصه با کسب مجوزی که از کمیسیون ساماندهی دریافت کردیم فعالیت چوپان افغانی را برای سمنان آزاد کردیم.

«هاله صفرزاده»، فعال کارگری در باره بیکاری در کشور و نقش کارگران افغان می‌گوید: «کار هیچ کارگری به بازار کار آسیب نمی‌رساند. کارفرمایان خصوصی و دستگاههای دولتی کارگران افغان را به کار می‌گیرند و از این طریق هزینه‌های خود را به حداقل می‌رسانند.»

صفرزاده ادامه می‌دهد: «ایران در واقع هیچ خدماتی به پناهجویان افغان ارائه نمی‌دهد. کودکان افغان از تحصیل و در نتیجه اشتغال قانونی محروم هستند. کار در مشاغل سخت با پایینترین دستمزد تنها راه افغانها برای



ایران درباره لزوم دوبرابر شدن جمعیت ایران در اسرع وقت، مقامات دولتی تغییراتی جدی در زمینه سیاستهای تنظیم خانواده ایجاد کردند که نتیجه آن محدود کردن تدریجی دسترسی زنان به بازار کار و ارائه سیاستها و اقداماتی برای هدایت زنان به سوی فرزندآوری بیشتر است. حتی پیش از تصویب نهایی این دو طرح و ابلاغ آن، محدودیت دسترسی به امکانات پیشگیری از بارداری در بسیاری از نقاط ایران آغاز شده و بسیاری از مراکز دولتی خدمات رایگان پیشگیری از بارداری را متوقف کرده‌اند.

بر اساس «طرح افزایش باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت» و از کتومی و توکتومی به عنوان روش‌های جلوگیری از بارداری از طریق جراحی و هرگونه تبلیغات درباره سایر روش‌های پیشگیری از بارداری جرم و قابل مجازات خواهد بود. اولویت دادن به مردان خانواده در بازار کار، محدود کردن دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی، محدود کردن نقش زنان به تولید مثل به عنوان وظیفه اصلی زن از جمله دیگر نتایج این طرح‌ها هستند.

کلیات «طرح افزایش باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت» سوم تیر ۱۳۹۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و نمایندگان مجلس ۱۹ مرداد ۱۳۹۳ ماده اول آن را نیز به تصویب نهایی رساندند. طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده ۶ خرداد ۱۳۹۲ در مجلس اعلام وصول شده و در حال حاضر در انتظار تصویب نهایی در کمیسیون فرهنگی و طرح در صحن علنی مجلس است.

این دو طرح تشویق‌هایی همچون هدیه، وام، امکانات درمانی و مزایایی برای نگهداری کودکان را در اختیار زوج‌های ازدواج کرده می‌گذارند که در نگاه اول تبعیض جنسیتی را به زنان تحمیل نمی‌کند، اما بررسی عمیق‌تر نشان می‌دهد که هدف از این تعیین این مزایا و تشویق‌ها، منصرف کردن زنان از تحصیل و اشتغال در خارج از محیط خانواده است. در واقع امکانات رفاهی پیش‌بینی شده در این طرح‌ها زنان متاهل را به صورت غیر مستقیم محدودتر از قبل می‌کند و با کم کردن دسترسی آنها به حقوق شهروندی شان در زمینه آموزش، اشتغال، ازدواج، طلاق، باروری و بهداشت جنسی آنها را در معرض خشونت قرار می‌دهد. (برگرفته از: ۱۳۹۳Asman daily/۶/۱ news)

[ این تدبیرشیطانی آخوندی شمه دیگری

از به اسارت درآوردن و تبدیل زنان به «ماشینهای جوجه کشی!» نمی‌باشد. رنجبر] باتوجه به نکاتی که در بالا آمد خوب است به محدودیتهای دیگر درمورد بهداشت و تغذیه و رشد کودکان نیز اشاره ای بکنیم. فقط بحران کم آبی و تاثیر آن بر کودکان «مشت نمونه خروار است». به گزارشات زیر توجه کنیم:

### واردات آب را جدی بگیریم

رییس اسبق اتاق بازرگانی تهران گفت: پیش بینی ناسا مبنی بر ورود ایران به دوره ۳۰ ساله خشکسالی واقعی است که مسئولان امر نباید آن را نادیده بگیرند. لذا یکی از مطمئنترین اقدامات برای مقابله با آن، واردات آب است.

محمدرضا بهزادیان، رییس اسبق اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در خصوص واردات آب به کشور، گفت: واردات آب ذهنیتی است که سال‌ها قبل باید به آن پرداخته می‌شد اما این مسئله مغفول ماند.

وی افزود: طبق اعلام ناسا ایران وارد یک دوره ۳۰ ساله خشکسالی می‌شود که در پایان ۱۰ سال اول کشاورزی باقی خواهد ماند و به احتمال ۹۰ درصد نیز احتمال وقوع آن وجود دارد.

بهزادیان تصریح کرد: ما باید به دنبال توسعه پایدار برویم و برای تحقق آن یا باید کشاورزی قطره‌ای را ترویج داده و صرفه جویی آب در کشاورزی را نهادینه کنیم و یا اینکه باید به واردات آب بپردازیم.

وی ادامه داد: سال‌ها قبل مسئله واردات آب طرح شد و در این خصوص NGO تشکیل شده و با شرکت‌های مهندسی آب نیز صحبت‌هایی شد و با تشکیل هیاتی مذاکراتی نیز با امامعلی رحمانف، رئیس جمهور تاجیکستان برای واردات آب از این کشور با توجه به اینکه جنوب این کشور یکی از پرآبترین مناطق دنیاست، انجام شد.

رئیس اسبق اتاق بازرگانی تهران با اشاره به نتایج مذاکرات با رئیس جمهور تاجیکستان، خاطر نشان کرد: رحمانف اعلام آمادگی کرد که سالانه ۱۰ میلیارد متر مکعب آب به کشور ما صادر کند که با این اقدام ۱۰ استان شرقی کشور سیراب می‌شد حتی اضافه نیز می‌ماند که می‌توانستیم به حاشیه جنوبی منتقل کنیم.

وی توضیح داد: در زمینه اجرایی شدن واردات آب کارهای مطالعاتی انجام شد و قرار شد که با خط لوله ۱۰۰۰ کیلومتری آب را از جنوب تاجیکستان به خراسان منتقل کنیم و از این طریق آب مورد نیاز برای

امور صنعتی، فرآوری سنگ آهن جنوب خراسان و کشاورزی خراسان و کرمان تامین شود.

بهزادیان تاکید کرد: واردات آب می‌توانست جهش اقتصادی بزرگی برای کشور باشد که در این صورت کشاورزی ایران و دشت‌های خشک شده می‌توانست حاصلخیز شود. (آسمان دیلی نیوز ۱/۶/۹۳)

### ایران در حال تبدیل شدن به مناطق خشک شمال آفریقا است

عضو کمیسیون انرژی مجلس ایران گفت: وضعیت آب کشور بحرانی‌تر از آن است که به اطلاع مردم می‌رسد و ایران از نظر اقلیمی به شرایط شمال آفریقا رسیده است.

به گزارش صدای آمریکا، روبرت بگلریان، عضو کمیسیون انرژی مجلس ایران به خبرگزاری ایلنا گفت: «وضعیت آب کشور بحرانی‌تر از آن است که به اطلاع مردم می‌رسد.» به اعتقاد او ایران از نظر اقلیمی شرایطی مانند شرق حوزه مدیترانه داشت اما اکنون به شرایط شمال آفریقا رسیده است.

پیش از این، ناصر کرمی، اقلیم شناس و استاد دانشگاه نسبت به بحران خشکسالی در ایران هشدار داده و گفته بود که ایران در حال تبدیل شدن به سرزمینی مانند سومالی است. این استاد دانشگاه معتقد است که با بروز خشکسالی، سرعت تخریب طبیعت ایران به شدت افزایش یافته و بر زندگی مردم تاثیر بسیاری خواهد گذاشت. او در گفت و گویی به روزنامه شرق گفته بود: «روندهایی که تا امروز بر اساس آنها پیش‌بینی‌ها انجام می‌شد، همه بر اساس شرایط بارش‌های شمال بود؛ ما با شرایط شمال بارش، یکی از اولین کشورهای دنیا در فرسایش خاک و دومین کشور دنیا در بیابان‌زایی هستیم. اما موضوع مهم این است که ایران در حال حاضر دیگر در شرایط شمال بارش قرار ندارد، یعنی هر وضعیتی تا امروز بوده سرعت وقوعش چند برابر می‌شود.» ناصر کرمی، نبود نظارت و مدیریت منابع آب را یکی از مهمترین دلایل بحرانی شدن شرایط آب در ایران می‌داند. به گفته او، سرمایه‌گذاری برای ذخیره آب آشمیدنی، در ایران بسیار سنگین بوده است. آنگونه که این استاد دانشگاه توضیح می‌دهد، این سرمایه‌گذاری منجر به سدسازی‌های بسیاری شده که بخش‌های دیگر را به بیابان تبدیل کرده است.

کرمی، حفر صدها هزار چاه غیرمجاز با هدف کشاورزی را نیز یکی از دلایل خشکیدگی دشت‌های ایران میداند

**زنان سربلند ایران هرگز تن به برده گی زیر نظام مذهبی نوکرسرمایه داری نخواهند داد!**





## ازنامه های رسیده:

### مسئله داعش در ایران!

طبق اخباری که در نشریات آمده گویا برخی از طرفداران داعش در سنج سوار بر موتور و با پرچم داعش در دست، خودی نشان دادند و این حرکت در یکی دوشهر دیگر نیز صورت گرفته است. تظاهرات مخالفانی در سنج در ۶ شهریور علیه حضور گروه داعش و در دفاع از آواره گان شنگال و دیگر مناطق کردستان عراق انجام شده و حنا حسین نقوی نماینده مجلس به عنوان سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس گفته است که «افرادى که قصد همکاری با داعش را داشتند و کلیه فعالیت‌های خراب کارانه ی تروریستی و هم کاری با داعش را تحت کنترل داشته و شناسائی شده اند. و حنا اضافه کرده است: ما اطمینان خاطر داریم هیچ تهدیدی در خارج و داخل برای امنیت کشور ما نیست.»

این اخبار بیشتر از آن که واقعی باشند به نظری رسند که به صورت بیان بازی در یک تئاتر عرضه شده اند. چون که در کردستانی که به شدت منطقه ای امنیتی است، تظاهرات علنی طرفداران داعش و عدم دست گیری آنها مشکوک به نظر می رسد و می تواند حرکتی دست ساز رژیم جهت ارزیابی از برخورد مردم به آنها باشد، به همین دلیل هم در پشت سر آن حادثه نماینده رژیم مدعی شده است که عوامل داعشی نمی توانند به این راحتی در ایران دست به اخلاخ بزنند!

ممکن است استدلال شود که رژیم با این کار خواسته عکس العمل نشان دهنده گان مردم را شناسائی کند که نتیجه هم گرفته و دیده که مردم حنا در کردستان با سنی مذهب بودن مخالف داعشها می باشند. ولی اعلام وجود داعشها یا طرف داران آنها در چند شهر می تواند نشانی از توطئه و خطر جدیدی در به هم ریختن ایران توسط آنها و به سود مداخلات خارجی باشد. به خصوص که کشورهای امپریالیستی و برخی از کشورهای عربی نیز مایلند بدانند داعش در ایران در چه حدی با استقبال برخی از مخالفان رژیم روبه رو می شود!

نباید فراموش کرد که در عصر بربریت امپریالیستی دست یازیدن به پرورش افراد مزدوری از قماش داعشها و جنایاتی که آنها در سوریه و در شمال عراق در کشتن مردان، تجاوز به زنان و آواره ساختن

کرده‌اند. از آن طرف هم ۴ بانوی بیش از ۷۵ سال با پسران کمتر از ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند. عروس، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را به یاد دارد ولی داماد تصویری از جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران هم ندارد.

نکته جالبتر دیگر این است که ۱۶۸ نفر از این افراد با کسانی ازدواج کرده‌اند که در گروه سنی همسان یعنی ۷۵ سال و بیشتر هستند.

۳ - نکته جالب دیگر، تعداد افرادی است که با سن نامشخص به محضر اسناد رسمی رفته‌اند. آمارها نشان می‌دهد ۲۵۴ خانم و ۲۶۱ آقا بدون سن معین ازدواج کرده‌اند. این افراد کسانی هستند که هنوز سند سجلی معتبر ندارند و شگفت‌انگیز تعداد این افراد است که بدون سند هویتی در جامعه زندگی می‌کنند.

یادآوری می‌شود تمام آمار این مطلب مربوط به سال ۱۳۹۱ است. آمار سال ۱۳۹۲ و ۹۳ تاکنون اعلام نشده است. تابناک - آینه روز ۲۰۱۴/۹/۵

تفسیر روز - رنجبر - ۱۲ شهریور ۱۳۹۳



به تارنما های اینترنتی  
حزب رنجبران ایران  
مراجعه کنید  
و نظرات خود را  
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران  
[www.ranjbaran.org](http://www.ranjbaran.org)

سایت آینه روز  
[www.ayenehrooz.com](http://www.ayenehrooz.com)

سایت خبرنامه کارگری  
[www.karegari.com](http://www.karegari.com)

سایت رنجبر آنلاین  
[www.ranjbaran.org/01\\_ranjbaronline](http://www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline)

سایت آرشیو روزنامه رنجبر  
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

که منجر به بوجود آمدن بیابان‌های وسیع می‌شود. او معتقد است که دولت ایران هرچه سریع‌تر باید یک برنامه ریاضتی برای کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی اجرا کند.

در همین رابطه، روبرت بگلریان نیز با اشاره به اینکه فرصت کافی برای فرهنگسازی وجود ندارد، به این‌گونه گفت: «مهم‌ترین کاری که باید انجام دهیم این است که باید بهرموری را بالا ببریم و منابع را به سمت زیرساخت‌های بخش آب سوق دهیم.» در حال حاضر میزان بارندگی در ایران یک سوم میانگین جهانی است، این در حالیست که میانگین مصرف آب در ایران بالاتر از مصرف جهانی است. (آسمان دیلی نیوز ۹۳/۶/۳)

### ازدواج‌های شگفت‌انگیز در کشور

روانشناسان و مشاوران خانواده معتقدند باید میان زن و مرد، یک فاصله سنی منطقی وجود داشته باشد. آمارهای ثبت احوال نیز البته تا حدی این انگاره را تأیید می‌کند. یعنی این که مردم هم در حالت عادی به این توصیه معتقدند.

به گزارش جام جم، طبق آمار بیشترین ازدواج در ایران میان پسران ۲۰ تا ۲۴ سال با دختران ۱۵ تا ۱۹ سال صورت می‌گیرد. البته در میان دختران، افراد ۲۰ تا ۲۴ سال بیشترین گروه از همسران را تشکیل می‌دهند.

ولی با این حال تعداد ازدواج‌هایی که از نظر سنی عجیب و غریب است نیز کم نیست. بیابید نگاهی به بخشی از این اعداد و ارقام بپردازیم:

۱ - ازدواج ۴۰ هزار دختر زیر ۱۵ سال نخستین مورد تعجب‌آور است. هر چند که این موضوع در کشور ما دور از ذهن نیست، اما کم نیستند کارشناسانی که به مواردی چون محرومیت این افراد از تحصیل، خطر بارداری زودهنگام و نیز عدم یادگیری مهارت‌های زندگی اشاره می‌کنند مخصوصاً این که بدانیم ۷۰۰۰ نفر از این تعداد با پسران زیر ۲۰ سال ازدواج می‌کنند.

۲ - نکته جالب و شگفت دیگر، ازدواج ۳۴۴۰ زوج و ۲۹۲ زوج ۷۵ سال و بیشتر است. کسانی که چند سالی بیش از متوسط امید به زندگی ایرانیان عمر دارند، اما سر پیری هوس معرکه‌گیری کردند و احتمالاً برای بار دوم یا چندم پای سفره عقد نشستند. نکته شگفت‌انگیزتر این که ۳ نفر از مردان بالای ۷۵ سال با دختران کمتر از ۱۵ سال و ۱۶ نفر با دختران کمتر از ۲۰ سال ازدواج



هزار سرباز در هر لحظه) در ویتنام به مدت ۱۲ سال چه فاجعه ای به بار آورد. این جنگ، ۶۴ هزار کشته، ۴۶۰ هزار زخمی و علیل و ۳۰۰ میلیارد دلار ضرر اقتصادی (با تورم امروز حدوداً بیش از چهار تریلیون دلار می شود) داشت. نا گفته نماند که به خاطر اعتراض به این جنگ تجاوزکارانه و خانمان سوز، بیش از یک میلیون جوان آمریکائی از خدمت نظام سر باز زدند و شهروندی خود را باطل اعلام کردند و به کانادا کوچ کردند. و از همه مهم تر اینکه اکثریت شهروندان آمریکائی با مخالفت خود با این جنگ غیر عادلانه دست به اعتراضات و تظاهرات خیابانی زدند بطوریکه این اعتراضات به سراسر ایالات متحده کشیده شد. بالاخره، در سال ۱۹۷۵، ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت آمریکا حاضر به قبول شکست مفتضحانه در ویتنام شد و با سرافکندگی شکست را پذیرفت و نیروهای خود را از ویتنام بیرون کشید. هیچ کدام از رسانه های وابسته به انحصارات چند ملیتی سرمایه این مطالب را به شما نمی گویند، حتا والدین شما نیز مطلع نیستند. من خود دارای دوفرزند جوان سال هستم که هرگز توافق نداشتیم که آنها به خدمت نظام به این منظور درآیند و شرکت در جنگهای غیر عادلانه داشته باشند. اما، به فرزندمان گوشزد کردم که اگر این جنگها عادلانه می بودند یا باشند، اولین کسی که در صف مقدم قرار گیرد خود من خواهم بود.

نکته دیگر که بسیار شایان توجه می باشد اینست که از سال ۱۹۹۱، زمان تجاوز نظامی به عراق، بیش از ۲۷۵ هزار سرباز آمریکائی در اثر آغشته شدن به اورانیوم غنی شده درگلوله های ضد تانک، با مشکلات سلامتی بسیاری مثل سرطان و بیماریهای مختلف گرفتار شدند و تا به امروز مقامات دولتی حاضر به قبول مسئولیت در قبال این صدمات روحی و فیزیکی نشده و عنوان کردند که بیماریهای شما ربطی به جنگ نداشته و ندارد. چرا؟ برای اینکه اگر تقبل کنند، مبالغ هنگفتی را باید بپردازند.

من از این چهار نفر سؤال کردم که آیا هرگز شنیده اید که حتی یکی از فرزندان این صاحبان بانکها و شرکتها انحصاری به خدمت نظام وظیفه در آمده باشند؟ هرگز، هرگز. آیا شما می دانید که نیمی از طبقه متوسط این کشور به بیرون از طبقه اش، یعنی به خط فقر یا به زیر خط فقر پرتاب شده است و درست به همین دلیل است که انبوه چند میلیونی جوان بیکار و نا امید به آینده، چاره ای جز به خدمت نظام در

قامت و خوشرو بود) مواجه شدم که مشغول کباب کردن هشت همبورگر، تعدادی کباب چنجه ای (شش کباب) و نوشیدن آبجو بودند. کنجکاو شدم که آنها چه کسانی هستند و چه می کنند، روی این اصل تصمیم گرفتم به میان آنها بروم و سؤال کنم که چه چیزی کم و کسر دارند، در پاسخ گفتند، «اگر منظور شما آبجو است، ما هشتاد تا آبجو داریم.» از اینجا سر حرف با آنها باز شد و در پاسخ به سئوالات من گفتند، ما اکنون در خدمت سربازی هستیم و ما را در پایگاه نظامی واقع در بندر سانتیاگو به خدمت گماردند. نا گفته نماند که دو نفر از آنها (۲۵ ساله و ۲۲ ساله) برای مدتی در جنگ تجاوزکارانه افغانستان شرکت کرده بودند. وقتی از آنها سؤال کردم که چرا به جای رفتن به دانشگاه خدمت سربازی را انتخاب کردید، متحداً گفتند که از دبیرستان که فارغ التحصیل شدیم به خاطر عدم استطاعت کافی، و با توافق والدینمان به اجبار، خدمت سربازی را انتخاب کردیم، چون هیچ راه دیگری برای ما باز نبود برای انتخاب. آنها به ما قول داده اند که پس از چهار سال خدمت، مخرج کالج ما را خواهند پرداخت.

من به آنها گفتم که ابدأ چنین «قولی» صحت ندارد و نداشته و به محض اینکه شما با پای خود و با امضاء خود وارد نظام وظیفه شوید، آنها هرگز شما را پس از چهار سال رها نخواهند کرد، آنها شما را برای هشت سال تا ۱۲ سال ننگ می دارند. به آنها گفتم که من می دانم که شما چاره ای دیگر نمی دیدید ولی، آیا هرگز فکر کرده بودید که این جنگهاییکه ایالات متحده درگیر است جنگهای تجاوزکارانه است؟ آیا هرگز به این فکر کرده اید این جنگها فقط به خاطر غارت منابع طبیعی و استفاده از کارگر ارزان و توسعه بازار خود در این کشورها (خاورمیانه و شمال آفریقا) برای فروش اجناس بنبج تسلیحاتی و غیر تسلیحاتیست؟ هرگز فکر کرده بودید که بسیار امکان دارد که شما در این جنگها کشته شوید؟ یا با انواع بیماریهای روانی و بدنی (فلج یا از دست دادن اعضای بدن خود) بازگردید؟ آنها چه تضمینی به شما در این مورد دادند؟ من می دانم که هیچ تضمینی نمی دهند، آنها شما را متقاعد کرده اند که این یک «وظیفه میهنی و خدمت به آب و خاک» این کشور است که هرگز صحت ندارد، آنها به شما دروغ می گویند. به عنوان مثال اجازه دهید من نکته تاریخی را در اینجا برای شما بیان کنم.

شما در حال حاضر بسیار جوان هستید و نمیدانید تجاوز نظامی ایالات متحده (با ۵۰۰

صدها هزار انسان مرتکب شده اند، امری عادی است. ولی این جنایات موج بزرگی از مقاومت در برابر این وحشیان عصر حجر را به وجود آورده است. در ایران مردم ۳۶ سال است که رژیم نوع داعشی شیعه ایرانی را امتحان کرده و مطمئناً پاد زهری در بدن این جامعه به وجود آمده است که هرگز تن به پیروی از این ویرووس دست پخت مذهبی جدید امپریالیستی - صهیونیستی - سعودیستی نخواهند داد.

مع الوصف، اکنون که امپریالیستها و مرتجعان منطقه برای حفظ منافع خود دست به هر نوع توطئه ای می زنند، ضروری است مردم ایران به طور مستقل درمقابل با این نیروی وحشی خلافتی به پا خیزند و فراموش نکنند که تجاوز آنها به ایران تجاوزی امپریالیستی ارتجاعی است که نتیجه اش خونریزیهای وحشتناکی خواهد بود که دامن مردم ایران را خواهد گرفت و با روبه رو شدن وبه زانودرآوردن آن مهاجم و ایجاد مناطق آزادشده از دست داعشهای وطنی و خارجی، زمینه برای به زانودرآوردن داعشهای حاکم در ایران فراهم خواهد شد درغیراین صورت، همان طور که جنگ عراق و ایران هدیه ای شد برای دوام داعشهای وطنی، این تجربه بار دیگر تکرار شده و هم راه آن قتل عامهای نیروهای کمونیست و مترقی ابعادجدیدی برای تحکیم مجدد رژیم اسلامی خواهد یافت!! درهر جنگ ارتجاعی مبارزه برای رهائی ازجنگ و از دست دو ارتجاع و دفاع از کارگران و زحمت کشان عین انقلابی عمل کردن است و نه پاسیو ماندن و دست روی دست قراردادن و به تماشای جنگ گرگان وحشی جاری پرداختن!!

به امید آذاسازی ایران از سلطه داعشهای داخلی و تجاوز احتمالی داعشهای خارجی.

\*\*\*\*\*

### تجربه ای از یک کوه نوردی:

چند روز قبل، به عنوان یکی از فعالین جنبش چپ در آمریکای شمالی با اصرار همسرم تصمیم بر این شد که برای چند روزی به کوه نوردی در شمال شرقی ایالت کالیفرنیا، مجاور مرز ایالت نوادا، در ارتفاع بیش از ۳ هزارمتری چادر بزنیم. از آنجائیکه ما کمونیستها در هرکجا که هستیم به نحوی با توده ها برای آموزش گرفتن و آموزش دادن نزدیک می شویم، من هم شب اول مقابل چادرمان با چهار نفر پسر جوان ۲۰، ۲۱، ۲۲، و ۲۵ ساله (که این آخری سیاه پوست آمریکائی، خوش قد و



آمدن را ندارند. آنها از شما به عنوان گوشت دم توپ استفاده می کنند، برای آنها اصلاً مهم نیست که چند نفر در این درگیریهای نظامی کشته و زخمی می شوند، هدف ناپاک و کثیف آنها حفظ منافع طبقات سرمایه دار بسیار ثروتمند می باشد.

آنها حرفهای مرا تماماً پذیرفتند، ولی معتقد بودند که چاره ای به غیر از این نداشتند و ندارند و امیدی به غیر از این به آینده ندارند و باید بسازند. در واقع، یکی از آنها از من پرسید که آیا شما راه دیگری برای خروج از این چاله ای که ما در آن افتادیم دارید؟ در اینجا، من حقیقتاً خشکم زد که به آنها چه بگویم که انصاف را نیز حفظ کرده باشم. روی این اصل گفتم که من اگر بجای شما قرار ندارم، ولی اگر از روز اول جای شما بودم بهر طریقی که شده بود، دست به این انتخاب خطرناک نمی زدم و واقعیت اینست که بالاخره بعد از عدم پذیرش، حتماً چاره ای می یافتم و به این طریق گرفتار نمی شدم. بله، این فقط یک نمونه از وضعیت نا بسامان و رقت آور اکثریت عظیم جوانان آمریکاییست که به خاطر بیکاری، فقر و عدم امید به آینده، و از همه مهم تر بی اطلاعی نسبت به اوضاع و شرایط کشور خود همین طور به حالت بلاتکلیفی، بی کس و خورد و خراب و تحقیر شده بطور روزمره تن به تسلیم در مقابل اجحافات و حق کشی می دهند.



## راه درست در حال ترسیم در فلسطین

پس از بیش از ۶۰ دهه سرکوب فاشیستی و تروریستی توسط صهیونیستها و ملی گرایان سکولار و مذهبی فلسطینی در سطحی معادل کشت و کشتارهای وحشیانه ای که دست کمی از عملیات نازیها در جنگ جهانی دوم نداشت، اکنون فلسطینیان و یهودیان با اعلام انزجار نسبت به عمل کرد دولت اسرائیل به دنبال رسیدن به راه حل درست احترام گذاشتن به آزادی، برابری و عدم تجاوز به حقوق یک دیگر، خطی که بیش از ۱۶۰ سال است توسط کمونیستها مطرح شده و به خاطر تحقق آن هزاران هزار قربانی داده اند، بیان شده و دفاع کرده اند، اکنون هم آوانی از جانب نیروهای مترقی فلسطینی و اسرائیلی بلند شده است. به حوادث زیر توجه کنیم:

**بی بی سی:** بیش از سیصد یهودی که از هولوکاست جان سالم به دربرده اند یا از فرزندان و نوادگان نجات یافتگان از هولوکاست هستند، در نامه ای سرگشاده، حمله های اسرائیل به مردم فلسطین را یک "نسل کشی" خوانده اند.

این نامه به صورت آگهی در شماره روز شنبه، ۲۳ اوت، روزنامه نیویورکتایمز منتشر شده است و امضاکنندگان آن از اسرائیل خواسته اند تا به محاصره غزه پایان دهد. آنها خواهان "طرز کامل" اسرائیل نیز شده اند، از حمایت مالی آمریکا از عملیات نظامی اسرائیل علیه غزه انتقاد کرده اند و در مجموع، کشورهای غربی را متهم کرده اند که مانع محکوم شدن اقدامات اسرائیل می شوند. در نامه آنها آمده است: "نسل کشی با سکوت جهان آغاز می شود."

پیش از این، الی ویزل، برنده صلح نوبل که یک آمریکایی یهودی و از بازماندگان هولوکاست است، در یک آگهی که در چندین نشریه بین المللی چاپ شد، حماس را با نازیها مقایسه کرده بود و امضاکنندگان این نامه سرگشاده گفته اند که این مقایسه باعث شده است آنها چنین واکنشی نشان دهند.

۳۲۷ نفر این نامه را امضا کرده اند و در بخشی از آن آمده است: "از این که الی ویزل از تاریخ ما سوءاستفاده کرده است تا (موضوعی) غیر قابل توجیه را توجیه کند، منزجر شده ایم و به خشم آمده ایم."

آنها اسرائیل را متهم کرده اند که به دنبال "نابود کردن غزه" و قتل بیش از دو هزار فلسطینی بوده است و نوشته اند: "هیچ چیزی نمی تواند توجیه گر بمباران پناهگاه های (تحت حمایت) سازمان ملل متحد، خانه های مسکونی، بیمارستان ها و دانشگاه ها باشد..." در پی شدت گرفتن درگیری ها در هفته های اخیر بیش از دو هزار و ۹۰ فلسطینی که اغلب غیرنظامی بودند و ۶۷ اسرائیلی کشته شده اند. بیشتر کشته شدگان اسرائیل از نیروهای نظامی آن کشور بودند. (آسمان دیلی نیوز - ۱۳۹۳/۶/۲) و یا:

### بیانیه مشترک مسلمانان و

#### یهودیان بریتانیا

**بی بی سی:** مسلمانان مسلمانان و یهودیان تلفات غیرنظامی را تقبیح کرده اند دو تشکل عمده مسلمانان و یهودیان بریتانیا خواسته اند از تاثیرگذاری بحران خاورمیانه بر جامعه این کشور جلوگیری شود.

هیات نمایندگان یهودیان بریتانیا و شورای مسلمانان بریتانیا، در اقدامی بی سابقه، بیانیه مشترکی را انتشار داده و در آن گفته اند که

اعضای این دو اقلیت ممکن است در مورد مناقشه خاورمیانه نظراتی متفاوت داشته باشند اما نباید اجازه دهند این تفاوت نظر بر تعامل اجتماعی بین پیروان دو آیین در این کشور تاثیر بگذارد.

این بیانیه، ضمن قبول اینکه برخی از اعضای جوامع مسلمان و یهودی در مورد اختلاف بین اسرائیل و فلسطینیان "نظرات بسیار عمیقی" دارند، از بروز این اختلاف نظر به شکل "یهودی ستیزی و اسلام هراسی" به شدت انتقاد کرده و اینگونه گرایش ها را محکوم کرده اند.

شورای مسلمانان و هیات نمایندگان یهودیان در بیانیه مشترک خود تاکید کرده اند که "با وجود وضعیت جاری در خاورمیانه، باید پیروان هر دو مذهب همچنان برای حفظ روابط سالم اجتماعی بین جوامع خود در بریتانیا تلاش کنند." در این بیانیه از مسلمانان و یهودیان خواسته شده است تا تمامی تلاش خود را به کار گیرند تا "از وارد کردن مناقشه خاورمیانه به بریتانیا جلوگیری کنند و به جای آن، از این کشور صلح و دوستی صادر شود."

این دو تشکل در بیانیه مشترک خود به یهودیان و مسلمانان توصیه کرده اند تا "تلاش برای همکاری و آشنایی بیشتر با یکدیگر را مضاعف کنند" و افزوده اند که "ما به شدیدترین وجه هرگونه نشانه یهودی ستیزی، اسلام هراسی یا هر شکل و نوع دیگر نژادپرستی را به شدت محکوم و مردود می دانیم."

در این بیانیه آمده است که عوامل وحدت بخش بین پیروان دو دین بیش از عناصر تفرقه افکن و هر چند "ممکن است اعضای ما در مورد منشا، دلایل فعلی و نحوه حل و فصل" مناقشه خاورمیانه اختلاف نظر داشته باشند، اما در موارد متعددی دارای وحدت نظر هستند. از جمله، هر فرد مسلمان و یهودی معتقد است که "مرگ حتی یک غیرنظامی، فاجعه ای عظیم است و باید حداکثر تلاش صورت گیرد تا امکان بروز چنین فاجعه ای به حداقل ممکن تقلیل یابد."

شورای مسلمانان بریتانیا همراه با هیات نمایندگان یهودیان تعصب نژادی به هر بهانه ای را تقبیح کرد

هیات نمایندگان یهودیان بریتانیا، که در سال ۱۷۶۰ میلادی (حدود دویست و پنجاه سال پیش) تاسیس شده، هدف خود را "پیشبرد و دفاع از حقوق دینی و مدنی یهودیان" در این کشور اعلام می کند. شورای مسلمانان بریتانیا نیز یک تشکل سراسری است که بیش از پانصد مسجد و سازمان اسلامی



بود. آنان همچنین رئیس جمهور فرانسه، فرانسوا اولاند را «همدست اسرائیل» خطاب کردند. در فرانسه نیز تظاهرات نسبتاً آرام برگزار شد.



**تظاهرات علیه جنگ غزه در پاریس**  
یک نماینده «جنبش جوانان فلسطینی» که در تظاهرات پاریس شرکت داشت، به خبرنگاران گفت: «ما اینجا هستیم تا پشتیبانی کامل خود را از جنبش مقاومت فلسطینیان اعلام کنیم و این دولت را که از اسرائیل حمایت می‌کند رسوا کنیم.»  
در تظاهرات پاریس هواداران جنبش‌های چپ، کمونیستی و ضدسرمایه‌داری نیز شرکت داشتند.

### انتقاد از حمایت ناکافی مسلمانان

در این میان رئیس شورای مرکزی جامعه یهودیان آلمان، دیتر گراومن، در مصاحبه با ویژه‌نامه یکشنبه‌ی روزنامه «فرانکفورتر آگماینه» با توجه به پیشامدهای یهودی‌ستیزانه در این کشور، از جامعه مسلمانان انتقاد کرد که حمایتی از خود نشان نداده است.  
گراومن گفت که به زحمت اگر حرکتی از سوی این جامعه دیده شده باشد. او افزود که یهودیان همواره از مسلمانان در آلمان حمایت کرده‌اند، اما در حال حاضر همبستگی‌ای میان مسلمانان و یهودیان به چشم نمی‌خورد.

رئیس شورای مرکزی جامعه مسلمانان در آلمان، ایمان مازیکی، انتقاد گراومن را نپذیرفت. او به روزنامه «فرانکفورتر آگماینه» گفت که این شورا در نمازهای جمعه و در جلساتی که برای نوجوانان برگزار می‌کند بسیار به موضوع یهودی‌ستیزی می‌پردازد.

مازیکی تاکید کرد که باید میان انتقاد به عملیات نظامی اسرائیل و یهودی‌ستیزی تفاوت قائل شد. او گفت که اسلام «به طور بنیادین ضد نژادپرستی» است و با عطفوت به یهودیت و مسیحیت می‌نگرد. (آینه روز - ۲۰۱۴/۸/۵).

بِه این جرعه های کوچکی که ناشی از رفتار خشن فاشیستی سردمداران



چندین هزار نفر روز شنبه (۲ اوت / ۱۱ مرداد) در برابر کاخ سفید واشنگتن علیه عملیات نظامی اسرائیل در نوار غزه دست به تظاهرات زدند. بسیاری از شرکت‌کنندگان در تظاهرات پرچم فلسطین را با خود حمل می‌کردند. معترضان خواستار پایان حملات اسرائیل به نوار غزه بودند.

«کمک آمریکا به اسرائیل باید قطع شود» و «حکومت ترور - اسرائیل را تحریم کنید» از جمله شعارهایی بودند که روی پلاکاردهای شرکت‌کنندگان در تظاهرات به چشم می‌خوردند. بر روی یکی از پلاکاردها نتانیاو، نخست وزیر اسرائیل، با هیتلر مقایسه می‌شد.

شرکت‌کنندگان در تظاهرات در پارک لافایت در برابر کاخ ریاست جمهوری تجمع کرده بودند. بسیاری از آنان با کودکانشان از سراسر کشور به این محل آمده بودند. به گفته سازمان‌دهندگان تظاهرات، حدود ۵۰ هزار نفر در تظاهرات روبروی کاخ سفید شرکت جستند. پلیس آمریکا آماری در این مورد اعلام نکرد.

این مهم‌ترین تظاهرات به طرفداری از فلسطینیان از آغاز عملیات نظامی اسرائیل در نوار غزه در ۸ ژوئیه بود.

در نزدیکی محل تجمع طرفداران فلسطینیان گروه کوچکی از یهودیان ارتدوکس هم با حمایت پلیس دست به تظاهرات زدند. به جز توهین‌هایی که دو گروه به هم کردند، خشونت و برخوردی رخ نداد.

همچنین در پایتخت شبلی، سانتیاگو، تظاهرات اعتراضی برگزار شد. در این شهر هزاران نفر از رئیس جمهور شبلی، میشل باشله، خواستند که سفیر اسرائیل را از کشور اخراج و روابط دیپلماتیک با اسرائیل را قطع کند.

### اولاند نیز هدف انتقاد بود

در فرانسه نیز هزاران نفر علیه تهاجم اسرائیل دست به اعتراض زدند. معترضان به رفتار «سرم‌آور» دولت فرانسه نیز انتقاد کردند.

در پاریس، لیون، مارسه، لیل و دیگر شهرهای فرانسه شعار «اسرائیل قاتل» سر دادند و پلاکاردهایی را برافراشتند که بر آن شعار «ما همه فلسطینی هستیم» نوشته شده

بریتانیا در آن عضویت دارند. این شورا اساساً حرکت‌ها و جریان‌های افراط‌گرایانه را غیرقابل قبول می‌داند. (آسمان دیلی نیوز - ۱۳۹۳/۶/۷)

### تظاهرات ضد جنگ در تل آویو/تاکید بر لزوم برکناری نتانیاو



به گزارش خیرگزاری مهر به نقل از روسیا الیوم، هزاران نفر از اسرائیلی‌های ساکن فلسطین اشغالی شب گذشته با برپایی تظاهراتی در میدان «اسحاق رابین» در تل آویو جنگ رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه را محکوم کردند.

معترضان از کابینه رژیم صهیونیستی خواستند که به مذاکره با تشکیلات خودگردان فلسطین روی بیاورد. گفته می‌شود از آغاز حمله رژیم صهیونیستی به غزه در ۸ جولای تاکنون این بزرگترین تظاهرات علیه کابینه رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

نظامیان بسیاری در میدان تل آویو برای جلوگیری از درگیری مستقر شده بودند. معترضان با سر دادن شعارهایی اعلام کردند که خواهان راه حل سیاسی هستند و عرب و یهود نمی‌خواهند با یکدیگر دشمن باشند.

حاضران در این تظاهرات خواستار استعفای بنیامین نتانیاو نخست وزیر رژیم صهیونیستی شدند چرا که وی تل آویو را به ورطه جنگ و نابودی می‌کشاند.

ساکنان فلسطین اشغالی روز جمعه نیز در تظاهراتی چند هزار نفری علیه نخست وزیر رژیم صهیونیستی خواستار برکناری وی شده بودند. (۲۰۱۴/۸/۱۷ آینه روز).

### تظاهرات جهانی ده‌ها هزار نفره

#### علیه حملات اسرائیل به غزه

صدای آلمان: این بار خیابان‌های واشنگتن، سانتیاگو، پایتخت شبلی، و پاریس شاهد تظاهرات معترضان علیه حملات اسرائیل به نوار غزه بودند. در این تظاهرات شعارهایی تند سر داده شد، اما برخورد خشونت‌آمیز رخ نداد.

### تظاهرات علیه جنگ غزه در واشنگتن



خطر به شمار می‌روند. در این زمینه هم باید گفت که ۱۹ میلیون نفر در کشور بی تحرکند، پنج میلیون نفر سیگار می‌کشند، هفت میلیون نفر قند خون بالا دارند و ۱۵ میلیون نفر نیز به کلسترول بالا مبتلا هستند. مجموعه این رفتارها نیازمند اصلاح است. سیاری به در نظر گرفتن «مراقبان سلامت خانواده» در خانه‌های بهداشت شهری اشاره کرد و گفت: هر کارشناس مراقب سلامت خانواده مسئولیت سه تا چهار هزار نفر جمعیت را می‌پذیرد. همچنین برای همه مردم کشور کارت سلامت طراحی و اجرا می‌شود. در ادامه مسیر پزشک نیز به این مجموعه اضافه خواهد شد.

وی بر لزوم تحول در مدیریت نظام بهداشتی کشور تاکید کرد و ادامه داد: مهمترین مشکل کشور، مدیریت است. معیار انتخاب مدیران طراحی شده و به زودی ابلاغ خواهد شد. سیاری در ادامه روند شیوع کمبود ویتامین دی در کشور را مورد اشاره قرار داد و گفت: کمبود شیوع ویتامین دی از سال ۸۰ تا ۹۱ شش برابر شده است. این میزان کمبود در زنان باردار در برخی استان‌ها به ۹۱ درصد رسیده است. کمبود ویتامین دی در نوجوانان نیز ۷۶ درصد است. بر این اساس توزیع یک مکمل جدید را در دستور کار قرار داده‌ایم.

وی در این باره ادامه داد: از کوتاهی قد به عنوان بی عدالتی و گرسنگی تعبیر می‌شود. متأسفانه متوسط کشوری کوتاهی قد در کودکان زیر پنج سال کشور ۶.۸ درصد است. ۲۰.۷ درصد جمعیت سیستان و بلوچستان دچار کوتاهی قد هستند. باید اقدامات لازم در این زمینه انجام شود.

وی در ادامه ضمن تشریح چگونگی ارائه خدمات در مراکز بهداشت شهری و روستایی گفت: خدمات کارشناسان تغذیه و تحرک فیزیکی، کارشناس روان و کارشناس اجتماعی به سیستم بهداشتی کشور اضافه می‌شود. لازم است بیمارستان‌ها نیز جهت ارائه خدمات سطح دوم و سوم به سطح نخست ارائه خدمات در بخش بهداشت متصل شوند. ۲۰۱۴/۹/۲ آینه روز.

### گزارش "تکان دهنده" وزیر کشور در

#### مورد اعتیاد در ایران

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گزارش وزیر کشور در جلسه غیرعلنی صبح امروز در مورد وضعیت اعتیاد در جامعه را تکانه‌دهنده توصیف کرد.

سید حسین نقوی حسینی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: آقای رحمانی فضلی در

خدمات بهداشتی در حاشیه شهرها، تقویت خدمات در شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر و همچنین تداوم پزشک خانواده در دو استان فارس و مازندران و تسری آن به کلانشهرها در دستور کار است.

وی افزود: با همت دولت و مجلس منابع مناسبی برای طرح تحول بهداشت پیش‌بینی شده است. ۱۹۹۵ خانه بهداشت در دست ساخت است. از روسای دانشگاه‌ها انتظار داریم که پیگیر این موضوع باشند تا نهایتاً بتوانیم این بخش را تا بهمن ماه به نتیجه برسانیم. بهبود محل اسکان پزشکان در روستاها در برنامه پزشک خانواده روستایی باید مدنظر باشد.

معاون بهداشت وزیر بهداشت افزود: بیش از ۳۰۰۰ پزشک کمبود داریم، در زمینه کارورزان و بهورزان نیز از کمبودهایی برخورداریم. باید از نیروی انسانی با انگیزه و همچنین آموزش‌دیده برخوردار باشیم. یکی از درخواست‌های مهم ما تعمیر و تجهیز خانه‌های بهداشت است. بنابراین اولین درخواستم از روسای دانشگاه‌ها، اصلاح بیغوله‌های خانه‌های بهداشتی است. اعتبارات این موضوع موجود است و نیازمند حمایت شمامست.

سیاری در توضیح برنامه‌های تحول بهداشت گفت: ادغام تدریجی بسته خدمات بیماری‌های غیرواگیر از جمله این برنامه‌هاست چرا که در حال حاضر ۱۹ میلیون نفر در کشور فشار خون دارند و سالانه ۸۳ هزار مرگ مرتبط با فشار خون رخ می‌دهد. تمام این موارد باید شناسایی و از بروز آن‌ها جلوگیری شود.

وی اجرای برنامه خود مراقبتی و توانمندکردن مردم در امر مراقبت از خود و همچنین ادغام تدریجی برنامه‌های بهداشت روان و آسیب‌های اجتماعی را از دیگر بسته‌های طرح تحول بهداشت خواند و گفت: توسعه برنامه واکسیناسیون نیز پیش‌بینی شده است. بنابراین تا مهرماه واکسن پنتاوالان و همچنین تا پایان سال واکسن پنوموگوک نیز به برنامه واکسیناسیون ملی کشور اضافه می‌شوند.

معاون وزیر بهداشت در ادامه رتبه‌بندی ۱۰ عامل خطر سلامتی در ایران را مورد اشاره قرار داد و گفت: رژیم غذایی نامناسب، فشار خون و توده بدنی بالا سه عامل خطر اصلی برای سلامت در کشور هستند. به طوری که ۴۷ میلیون نفر در کشور غذای نامناسب مصرف می‌کنند. تحرک ناکافی، سیگار، دیابت، آلودگی هوا، کلسترول بالا، خطرات شغلی و مصرف مواد مخدر از دیگر عوامل

صهیونیست و عکس‌العمل‌های دفاعی احزاب و مردم از مبارزات خلق فلسطین، درجهان روی می‌دهند و رشد اعتراضات جهانی علیه نسل‌کشی صهیونیستها را نشان می‌دهند بایدخوش آمد گفت. باید به آنها کم بها نداد و برای تقویت و گسترش این گونه حرکتها کمک کرد وبالاخره باطرد ناکارآمدی دیدگاه ملی گرائی اعم از سکولار و غیرسکولار یهودی و فلسطینی درفلسطین دردفاع از حقوق مردم خویش طی بیش از ۷۰ سال اخیر، پرچم انترناسیونالیسم پرولتری را به مثابه تنها معیار رهائی بشریت از زیر استثمار و ظلم و ستم مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و برابری و دوستی ملل جهان و ازجمله درداخل یک کشور و احترام متقابل آنها را برافراشت.تفسیر روز - رنجبر - ۱۰ شهریور ۱۳۹۳]



## از هر دری، سخنی!

خلاصه ای از مقالاتی که در زیر می آید جهت دادن عطف توجه خواننده گان عزیز رنجبر به نظرات دیگران است و ضرورتاً این نظرات مواضع رسمی حزب نمی باشند. هیئت تحریریه

\*\*\*\*\*

آمارهای نگران‌کننده از بیماران کشور:

۱۹ میلیون فشار خون، ۱۵ میلیون

کلسترول بالا، ۷ میلیون نفر قند خون بالا

کلمه معاون بهداشت وزیر بهداشت ضمن تشریح چگونگی ارائه خدمات در مراکز بهداشت شهری و روستایی از طراحی کارت سلامت ایرانیان خبر داد.

دکتر علی اکبر سیاری در اجلاس روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی که با محوریت طرح تحول بهداشت برگزار شد، گفت: ارتقای سلامت به معنای جلوگیری از مرگ نابهنگام و همچنین پیشگیری از ابتلا به بیماری است.

به گزارش ایسنا، وی در توضیح محورهای تحول در نظام بهداشتی کشور گفت: به این منظور لازم است تحول در ساختار منابع صورت گیرد. در این راستا تقویت برنامه پزشک خانواده در روستاها و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر و عشایر، تقویت و تکمیل



منابع مختلف ۱۳۷ دقیقه (۲ ساعت و ۱۷ دقیقه) است. میانگین مطالعه منابع گوناگون در شبانه روز به ترتیب عبارت‌اند از: منابع مکتوب اینترنتی ۲۶ دقیقه، انواع کتاب‌های غیردرسی ۲۴ دقیقه، انواع کتاب‌های درسی و کمک درسی ۲۳ دقیقه، روزنامه ۱۳ دقیقه، انواع نشریه و مجله ۱۲ دقیقه، کتاب‌های دینی (قرآن، ادعیه و ...) ۱۲ دقیقه، مطالعات کاری و شغلی ۱۲ دقیقه، منابع کامپیوتری (کتاب‌های الکترونیک و ...) ۱۱ دقیقه.

۵۴٫۷ درصد پاسخگویان (مطالعه کننده) اظهار کرده‌اند: کتاب‌های مورد نیازشان را معمولاً از «کتاب‌فروشی‌ها» خریداری می‌کنند. ۲۷٫۵ درصد آنان از «دوستان و آشنایان» و ۱۱٫۲ درصد از «کتابخانه‌های داخل شهر» امانت می‌گیرند.

### تهران ۲۰ هزار مهندس بیکار دارد

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران با بیان اینکه در حال حاضر تهران ۲۰ هزار مهندس ساختمان بیکار دارد، گفت: این آمار جدای از آمار مهندسانی هستند که توان کار در رشته خود را ندارند و به سمت رشته‌های دیگر رفته‌اند.

سعید غفرانی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا اظهارداشت: این ۲۰ هزار مهندس بیکار آمار تفکیک شده‌ای از تعداد مهندسانی است که به صورت پاره وقت و یا پروژه‌ای مشغول به کار هستند.

وی درباره تعداد گودبرداری‌هایی که در طول کمتر از یک سال گذشته در تهران انجام شده است نیز گفت: از ۶ ماه آخر سال گذشته تا به امروز ۱۴۰۰ گودبرداری در تهران انجام شده است که ۳۰۰ الی ۴۰۰ پروژه ساخت و عمرانی را به دلیل غیر مجاز بودن گودبرداری‌ها متوقف کردیم. (۹۳/۶/۱۰ آسمان دیلی نیوز)



### در جبهه جهانی کمونیستی... بقیه از صفحه آخر

الیستی باهدف زیرسؤال نبردن اساسی مسئله خودجامعه‌علازم بیراهه روی اجتناب ناپذیر و واضح نظام اقتصادی بورژوائی، بیان می‌شود.

ایده‌آل‌های انسان‌ها چیزی جز انعکاس روندهای مادی واقعی در طبیعت و جامعه نمی‌باشند. در جامعه سرمایه‌داری، مثل هر جامعه

وی اشاره به اینکه ۴۷ میلیون نفر در کشور غذای مناسب استفاده نمی‌کنند، افزود: این به معنای آن است که افراد سبزی و میوه کمتر و چربی بیشتر مصرف می‌کنند.

سیاری گفت: ۱۹ میلیون در کشور تحرک کمی دارند، پنج میلیون نفر سیگار مصرف می‌کنند، ۱۵ میلیون نفر چربی خون بالا دارند. وی تصریح کرد: ۶٫۸ درصد کودکان زیر پنج سال کشور دچار کوتاه قدی هستند که این رقم در استان سیستان و بلوچستان به ۲۰٫۷ درصد می‌رسد و کوتاه قدی به معنای فقر، بی‌عدالتی و گرسنگی است.

سیاری اضافه کرد: شهرهای گیلان و بابل نیز در کشور دارای بالاترین میزان سزارین هستند. معاون وزیر بهداشت به برنامه اضافه شدن ید به نمک اشاره کرد و گفت: کمبود ید موجب ابتلا به گواتر و گواتر در کودکان موجب عقب ماندگی ذهنی می‌شود. (۹۳/۶/۱۰ آسمان دیلی نیوز)

### ۲۷ درصد تهرانی‌ها اصلاً مطالعه نمی‌کنند

مهر: بر اساس نتایج طرح پژوهشی «بررسی میزان مطالعه شهروندان تهرانی» ۲۷٫۴ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که اصلاً اهل مطالعه نیستند، ۴۰٫۴ درصد در حد «کم یا خیلی کم» و تنها ۳۲٫۲ درصد در حد «زیاد یا خیلی زیاد» اهل مطالعه هستند.

چکیده طرح پژوهشی «بررسی میزان مطالعه شهروندان تهرانی» از سوی مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، منتشر شد. بر اساس این گزارش، در این نظرسنجی، ابعاد مختلف میزان مطالعه شهروندان تهرانی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش این پژوهش، پیمایش و نحوه گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه مبتنی بر مصاحبه ساخت یافته است و حجم نمونه ۱۰۰۰ نفر بوده است.

جهت استخراج داده‌های گزارش از نرم‌افزار spss و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری استقلال (کای اسکور)، t استیوننت، کروسکال والیس و برای شدت پیوند بین متغیرها از سامرز و v کرامر به همراه سطح معنی‌داری آزمون (sig) استفاده شده است.

### نتایج حاصل از این نظرسنجی

#### به شرح زیر است:

حدود یک چهارم پاسخگویان (۲۷٫۴ درصد) اصلاً اهل مطالعه نبوده و ۴۰٫۴ درصد در حد «کم یا خیلی کم» و ۳۲٫۲ درصد در حد «زیاد یا خیلی زیاد» اهل مطالعه هستند.

میانگین مدت زمان مطالعه پاسخگویان از

جلسه غیر علنی مجلس آماری از تعداد معتادان آقا و خانم، کاهش سن اعتیاد، عوارض اعتیاد و تاثیر آن روی خانواده‌ها و تلاش نیروی انتظامی برای کشف مواد مخدر و شیوه‌های مبارزه با مواد مخدر را خدمت نمایندگان ارائه کرد.

وی افزود: گزارش ارائه شده گزارش تکان‌دهنده‌ای بود و درخواست وزیر کشور این بود که باید تمهیداتی اندیشیده شود که همه مردم نسبت به مقابله با مواد مخدر احساس مسئولیت کنند و در حوزه فرهنگ‌سازی و آموزش فعالیت‌های لازم انجام شود و همه نهادها درگیر این موضوع شوند تا بتوان این بزه اجتماعی را محدود و کنترل کرد.

نقوی حسینی با اشاره به بخش‌هایی از گزارش وزیر کشور خاطرنشان کرد: براساس این گزارش ماده مخدر شیشه بیشترین عوارض را در بین مواد مخدر دارد و خطرات سهمگینی برای فرد مصرف کننده در پی خواهد داشت.

وی اضافه کرد: آقای رحمانی فضلی در جلسه غیر علنی مجلس فیلمی را از فردی که شیشه کشیده بود و پدر و مادر خود را به قتل رسانده بود و یا به نزدیکان خودش تجاوز کرده بود به نمایش گذاشت که صحنه‌های وحشتناکی در آن وجود داشت. ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ - پیک ایران

### ۴۷ میلیون نفر در کشور غذای مناسب استفاده نمی‌کنند

معاون بهداشت وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه ۴۷ میلیون نفر در کشور غذای نامناسب مصرف می‌کنند، گفت: کمبود برخی ریز مغذی‌ها از سال ۸۰ تا ۹۱ چند برابر شده است.

به گزارش ایرنا، دکتر «علی اکبر سیاری» در هشتاد و هشتمین اجلاس روسا و معاونان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور افزود: چهار درصد افراد ۱۵ تا ۲۳ سال در سال ۸۰ دچار کمبود ویتامین 'بی' بوده‌اند که هم اکنون این رقم به ۲۴ درصد رسیده است و شش برابر شده است.

وی تصریح کرد: همچنین کمبود ویتامین دی در زنان باردار از سال ۸۰ تا ۹۱، ۹۲ درصد بیشتر شده و کمبود ویتامین 'دی' به معنای پوکی استخوان و تعویض مفصل است. معاون وزیر بهداشت گفت: کمبود ویتامین دی در زنان باردار ۵ ماهه ۸۶ درصد و در نوجوانان ۷۶ درصد بیشتر شده است.

سیاری تاکید کرد: همه ما باید ماهانه یک داروی ویتامین دی ۵۰ هزار مصرف کنیم چرا که کمبود آن موجب درد زودرس مفصل شده و درمان ندارد.



▶ طبقاتی، هر ایده ای به محدوده ی منافع طبقه ای مربوط می شود.

• ایده نولوژی بورژوائی منعکس کننده ی منافع بورژوازی درحفظ جامعه سرمایه داری است؛

• ایده نولوژی پرولتاریائی انعکاس نفع پرولتاریا درحذف روابط سرمایه داری و برقراری جامعه آزادشده از استثمار انسان از انسان می باشد.

ایده نولوژی بورژوائی ارتجاعی است چون که به توجیه، سرپوش گذاشتن و زیبا نشان دادن روابط حاکم می پردازد. دیدگاه جهانی پرولتاریا توجه به کشف کامل حقیقت و تبدیل انقلابی جامعه دارد. این ایده نولوژی از اصل ماتریالیستی پیروی می کند: «هستی تعیین کننده آگاهی است.»

بدون شک، روی این اصل مادی بودن جهان درمیان جنبش بین المللی مارکسیست - لنینیستی و کارگری توافق وسیعی موجود است. ولی هم چنین، گرایش موکدی نیز در تخفیف این رابطه جهانی بین هستی و آگاهی و دقیقا این اصل مادی وجود دارد. نتیجه آن عبارت است از یک تفسیر مادی بسیار ابتدائی که طبق آن واقعیت مستقیما انعکاس می یابد، یعنی به طور مکانیکی، در آگاهی انسانها، به مفهوم علیت ساده هستی مثل علت و آگاهی مثل معلول.

یکی از نماینده گان بسیار شناخته شده این جهت گیری در آلمان روتر مورگن کا.پ.د. (\*) است. در شماره آخر روزنامه اش، ما در مورد پروژه جدید برنامه ام.ال.پ.د. می خوانیم:

« هر درکی که ام.ال.پ.د. از شیوه تفکر داشته باشد، این در هر حال رابطه ای با تفکر و در نتیجه با آگاهی دارد.» (2)

درست به حال زد! شیوه تفکر رابطه ای با تفکر و در نتیجه همچنین با آگاهی دارد... با وجود این، به طرز درست، اینها مقوله های متفاوتند، با معنای متفاوت. آگاهی همیشه یک محتوا و یک مند دارد، که به کمک آنها به آگاهیهای در سطح و محتوا می رسد که از طریق اینها آگاهیهای را به عمل درمی آورد. این مند شیوه تفکر است. واضح است که، به این دلیل، شیوه تفکر به همان طریق رابطه ای با پراتیک دارد. انسان آن طور که فکری می کند عمل می نماید. یا، آن طور که مارکس فرموله کرد: هر چه که انسان می کند باید اول دسرش فکر کند.

چرا روتر مورگن شیوه تفکر را فقط به آگاهی نسبت داده و رابطه اش را با هستی اجتماعی انکار می کند؟ چون که با دیدگاهی کاملا ایده آلیستی و دکماتیکی در رابطه بین هستی و آگاهی پریشان است. او درک نمی کند که هستی و آگاهی به جدائی کاملا مشخصی نهادر مقوله های فلسفی شان، یعنی برای

ایجاد روشنائی با هم همساز می شوند. در واقعیت اجتماعی، آنها به مثابه روند مادی فکر، احساس و عمل کردن انسان به هم منطبق می گردند. لنین در اثرش «ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم» در این مورد نوشت:

«مطمئنا، تخالف بین ماده و آگاهی معنای مطلق ندارد مگر در محدوده های بسیار کوچک شده: تنها درحالاتی که مربوط به شناخت شناسی پایه ای می شود: چه چیزی اولی و چه چیزی ثانوی است؟ فراتر از این محدوده ها، نسبت این تخالف بدون شک سوئال برانگیز نمی شود. ... عمل کردن در خارج از این محدوده ها بر پایه ضدیّت ماده و روح، بدن و روان، همانند یک ضدیّت مطلق، اشتباه بزرگی خواهد بود.» (۳)

طبعاً، تمام آن چه که در آگاهی بشر انعکاس می یابد در تحلیل نهائی مبداء اش در واقعیت مادی قرار دارد. اما، برای روتر مورگن، غیر قابل فهم به نظر می رسد که آگاهی بشر فقط برای ایجاد توانائی برای او در تاثیر گذاری روی طبیعت و جامعه می باشد. در تزه های معروف به «تزهائی در مورد فویرباخ»، مارکس در این مورد نوشت: « نظریه ماتریالیستی دایربراین که انسانها محصول موقعیتهای و تعلیم و تربیت هستند، و این که در نتیجه، انسانهای تغییر یافته محصول موقعیتهای و آموزش تغییر یافته دیگری می باشند، فراموش می کند که دقیقا این انسانها هستند که آگاهیها را تغییر می دهند و خود تعلیم دهنده نیز نیاز به تعلیم یابی دارد.» (۴)

آن چه که مارکسیست - لنینیستها را از ماتریالیستهای ابتدائی یونان یا ماتریالیستهای مکانیکی قرون وسطا متمایز می کند عبارت است از رابطه بین هستی و آگاهی به مثابه کنش و واکنش فراگیر دیالکتیکی.

روتر مورگن ادامه می دهد: «اما برای مارکسیستها، آگاهی توسط وجود اجتماعی معین می شود. در نتیجه، باید در درجه اول هستی اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان استنتاجی در مورد آگاهی نمود.» (۵) هیچکس شک نخواهد کرد که برگرداندن آگاهی به پایه مادی در طبیعت و جامعه لازم است. اما کاملا بی معناست که بخواهیم نتیجه گیری علیتی برای آگاهی طبقاتی طبقه کارگر را از طریق تنها بررسی عینی جامعه انجام دهیم. علیت ساده بین وجود و آگاهی به خاطر بغرنجی روابط در سرمایه داری انحصاری دولتی نمی تواند حتا به طور تقریبی به درستی قابل فهم بشود.

.....

(\*) - برخی از خواننده گان از خود سوئال خواهند کرد که بحثی عمومی در مورد نظرات این گروه باعث ارزشمندی ناخواسته مجدد نمی شود. این شاید در مورد آلمان درست باشد. اما در سطح بین المللی، این سمت گیری ناشی از طیف طرفداران آلبانی، به طور موثری در توده های برخی از کشورها نفوذ دارند. بهتر آن که، باید این واقعیت را به حساب بیاوریم که روتر مورگن یکی از روزنامه های نادر چپ است که در گذشته، به کرات روی آموزش شیوه تفکر تمرکز داد. به این ترتیب، او توان ویژه ای را در از آن خود کردن مجموعه انتقادات و مقاومت های خرده - بورژوائی در مقابل با تعلیم شیوه تفکر به کاربرد. لذا، با مقالات روتر مورگن، ام.ال.پ.د. مطالب اطلاعاتی زنده در مورد نفوذ متافیزیک ایده آلیستی در جنبش مارکسیست - لنینیستی و کارگری بین المللی در اختیار دارد.

برای دچار نشدن دوباره به مسخره گی، ناشران روتر مورگن بایستی درک شان جمله زیر فردریک انگلس را قرار دهند:

«ساختن و پروردن متدی که در خدمت پایه نقد اقتصاد سیاسی مارکس قرار دارد، ما آن را به مثابه نتیجه ای که از نظر اهمیت به زحمت از دیدگاه ماتریالیستی اساسی جدا بشود، در نظر می گیریم.» (۶)

بدون تردید آگاهی طبقاتی طبقه کارگر نسبت به تکامل اجتماعی کنونی عقب مانده و در تضاد با رشد اجتماعی حامل بحران قرار می گیرد. به علاوه بدون برو برگرد همان تجربه عملی از جمله اثری کاملا متفاوت روی کارگران به صورت فردی دارد. مثلا یکی درگیر مبارزه مشترک برای حفظ هر شغل بعد از اعلام بی کار سازیهای جمعی می شود، در حالی که دیگری در این مبارزه شرکت نمی کند و برای پیدا کردن راه حلی فردی به جست و جو می پردازد. علت این رفتارهای متناقض را در شیوه تفکر مشروط شده طبقه ای باید جست که از آن کارگر تجاریش را می گیرد.

نقد تاثیر ماتریالیسم ابتدائی، همانند تمامی تغییرات مهم در تاریخ جنبش کارگری، به یک موضوع مرکزی تئوریک و عملی برای خیزشی در مبارزه برای سوسیالیسم تبدیل شده است. در راه انقلابی ۲۶، تحت عنوان « مبارزه برای شیوه تفکر در جنبش کارگری» آمده است:

« آگاهی نمی تواند به واقعیت عینی برسد مگر به کمک شیوه تفکر دیالکتیکی - ماتریالیستی.» (۷) دقیقا در این جاست ضرورت آموزش شیوه تفکر، در مورد آن چه که روشنگری علمی را در رشد آگاهی طبقاتی طبقه کارگر برای رسیدن به واقعیت عینی مطرح می کند: « آموزش شیوه تفکر قوانین رشد تفکر بشر را در جریان تشکیل آگاهی طبقاتی پرولتاریائی و کامل کردن آن به آگاهی سوسیالیستی بررسی می کند.» (۸)

## رشد اجتناب ناپذیر آگاهی

### طبقه پرولتاری

به طور طبیعی، چپ خرده - بورژوا به سوئالی در مورد دانستن این که چرا جنبش کارگری انقلابی بعد از جنگ جهانی دوم در آلمان دچار تنزلی شد و از آن به آرامی بیرون می آید باید جواب بدهد. روتر مورگن به طریق زیر جواب می دهد:

« چرا (پرولتاریا - استفن انگل) ضعیف است؟ این در نهایت برپایه





در توافق قرارداد می شوند.» (۱۲)

## بسط ضروری استراتژی و تاکتیک مارکسیست - لنینیست ها

وقتی که ک.پ.د. (روتومورگن) آموزش شیوه تفکر را «عقب نشینی مبارزه طبقاتی» ارزیابی می کند (روتومورگن ۹۶/۱۲)، این به ساده گی درک اندکی از تغییرات شرایط مبارزه طبقاتی در سرمایه داری انحصاری دولتی خود را نشان می دهد.

وظیفه استراتژی و تاکتیک پرولتاریائی منوط به هدایت ارتقاء مبارزه طبقاتی پرولتاریائی تا سرنگونی سلطه ی انحصارات و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا می باشد. در مرحله کنونی آرامش نسبی در مبارزه طبقاتی، به خصوص به خاطر آن است که آگاهی طبقاتی پرولتاریائی طبقه کارگر باید به طور منظمی بیدار و رشد یافته در سطحی بالا باشد، تا این که اکثریت تعیین کننده ای در مبارزه برای سوسیالیسم حاصل شود. باتوجه به این که امروز رشد آگاهی طبقاتی پرولتاریائی در درجه اول بسته به مبارزه بین شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده - بورژوائی می باشد، استراتژی و تاکتیک مارکسیست - لنینیستی در مبارزه طبقاتی پرولتاریائی باید در مبارزه برای شیوه تفکر توده ها گسترش یابد. کسی که این را رد کند که مسئله شیوه تفکر امروز در رشد مبارزه طبقاتی تعیین کننده شده است واقعیت را انکار می کند.

هم چنین، استراتژی و تاکتیک در مبارزه برای شیوه تفکر باید اساسا در ساختمان حزب مارکسیست - لنینیست یا در تدارک انقلاب بین المللی به کار برده شوند. تنها در وحدت این سه سطح است که نظام اجتماعی با تاثیر جهانی شیوه تفکر خرده - بورژوائی را می توان به طور موثری در رابطه با سقوط قدرت بدون تقسیم انحصارات در هم کوبیده و فاتح شد. **ساختمان حزب مارکسیست - لنینیست** بر پایه شیوه تفکر پرولتاریائی باید همیشه در آن عامل هدایت کننده باشد.

ماهیت عمومی استراتژی و تاکتیک در مبارزه برای شیوه تفکر شامل به کارگرفتن آگاهانه ی متد دیالکتیکی برای سازماندهی برتری شیوه تفکر پرولتاریائی در مبارزه علیه شیوه تفکر خرده - بورژوائی می باشد. در گزارش سیاسی کمیته مرکزی ام.ال.پ.د. در ژانویه ۱۹۹۷، آمده است: «اینها به خصوص سه عنصر تعیین کننده در غلبه بر شیوه تفکر خرده - بورژوائی خود را نشان داده اند:

۱. کشف شیوه تفکر خرده - بورژوائی و

شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده - بورژوائی به موضوع تعیین کننده برای انکشاف جدید مبارزه برای سوسیالیسم حقیقی تبدیل شد.

در «گذار به پایه جدید ساختمان حزب»، پلیس مخفی ها شانس خود را در دامن زدن به امتناع و تضادهای مربوط به ضدیت با حزب به جریان انداختند. در گزارش اخیرشان می توان دید:

«طبق اطلاعات مربوط به خودش، ام.ال.پ.د. با جهت گیری مائوئیستی در سال ۱۹۹۸ در بحران احساسی و هویتی به سر می برد.» (۱۴)

یک وظیفه ی اساسی سرویس کار آگاهی، سازمان مبارزه طبقاتی برای سرکوب جنبش کارگری انقلابی و برای دفاع از دیکتاتوری انحصارات، عبارت است از ارزیابی کردن از هر مرحله ای از **ساختمان حزب** ما نظیر تلاش بی هوته کمیته مرکزی در حفظ اعضا از ضربه ی مبارزات زیرکانه و مدعی اقدامات سخت گیرانه. به جز آگاهی محتاطانه ام.ال.پ.د. و رهبری اش، این توضیح - نادانی بی مانند - عدم درک کامل منطق بورژوائی نسبت به استراتژی و تاکتیک مارکسیست - لنینیستی در ساختمان حزب را نشان می دهد.

درسمیناری در مورد سیستم جدید کارسازماندهی و تعیین چهارچوب در اوت ۱۹۹۷، کمیته مرکزی ام.ال.پ.د. توضیح داد: «استراتژی و تاکتیک در ساختمان حزب طبعاً بخشهایی از استراتژی و تاکتیک مبارزه طبقاتی پرولتاریائی می باشند - توسعه های به طور فشرده وابسته به جابه جایی پایه در ساختمان حزب.»

در حزب بزرگ ترین تضمین برای سازمان دهی برتری شیوه تفکر پرولتاریائی در مبارزه علیه شیوه تفکر خرده - بورژوائی وجود دارد، چون که در تقابل با مبارزه اجتماعی، در این جاست که شیوه تفکر پرولتری به طور **عام حاکم می باشد**. اگر چنین حالتی نباشد، آن وقت حزب خصوصیت مارکسیست - لنینیستی اش را از دست داده است.

مبارزه برای شیوه تفکر در حزب و در ساختمان آن انعکاسی از مبارزه طبقاتی است. این ادامه مبارزه بین دومی به مثابه **قانون عینی رشد مبارزه بین شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده - بورژوائی** می باشد. کلیه روابط بین حزب و توده ها بایستی در درون حزب انعکاس بیابند. پیش روی شیوه تفکر خرده - بورژوائی در حزب مارکسیست - لنینیست، طبق قانون درونی، به جدائی بین

افشای همه جانبه آن. طبق قاعده عمومی، پدیده شیوه تفکر خرده - بورژوائی در رابطه ای تنگاتنگ با شیوه تفکر پرولتاریائی خود را نشان می دهد. تمایز علمی بین این دو شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده - بورژوائی به ما در درک نفوذ بورژوازی بی گانه نسبت به طبقه در رابطه با تفکر ما، حساسیت ما و عمل ما کمک می کند، و باعث تقویت نقطه نظر طبقه پرولتری می شود. این شناخت و به کار بردن عام خط ایده تئوریک - سیاسی ام.ال.پ.د. و مهارت داشتن در روش دیالکتیک - ماتریالیستی را طلب می کند.

۲. وقتی که افشای شیوه تفکر خرده - بورژوائی در دستور روز قرار گرفت، مسئله عبارت می شود از یافتن راه حل درست حل تضادها. بدین منظور، تعیین این که شیوه تفکر مسلط کدام است و مبارزه چه کیفیتی یافته است ضرورت می یابد. سلطه شیوه تفکر خرده - بورژوائی به مبارزه آشکاری بین دو خط مشی منجر می شود. مشی خرده - بورژوائی را باید شکست داد و بدون ملاحظه برای از بین بردن نفوذ ویران گرانه عمومیت یافته اش آن را خورد کرد. (...)

تا زمانی که شیوه تفکر پرولتاریائی حاکم باشد، مبارزه علیه شیوه تفکر خرده - بورژوائی باید در شکل غیر آنتاگونیستی پیش برده شود. (...)

۳. در مبارزه علیه شیوه تفکر خرده - بورژوائی، نظام خود کنترلی باید به طور مداوم کامل شده و به کارگیری درست اش باید فراگرفته شود. (...)

تمرین انتقاد و انتقاد از خود اصولی حقیقی ترین ماده اصلی در نظام خود کنترلی بوده و باید لاینقطع به کار گرفته شده و بهبود یابد. «(۱۳) در راه حل یابی مسئله کادرها یا تربیت توده ها برای خود رهائی کل عمل کرد استراتژی و تاکتیک مبارزه نهایتاً در مورد شیوه تفکر خلاصه می شود.

## ساختمان حزب بر اساس شیوه تفکر پرولتاریائی

کنگره ام.ال.پ.د. سولینگن قطعنامه زیر را پذیرفت: «شیوه تفکر پرولتاریائی باید به مثابه پایه کار حزبی مورد قبول قرار گیرد.» این نمونه واقعی ۲۵ سال تجربه در ساختمان حزب و در مبارزه طبقاتی بود. حزب باید مهارت در متد اساسی که عبارت است از **اجتناب از اشتباه کردن** بیابد. این هم چنین در جواب دهی به مبارزه جوئی جدید هم راه با تشدید بحران عمومی سرمایه داری در پنجمین مرحله اش در نزدیکی هزاره جدید موضعی در زمان مناسبی بود. مبارزه بین

**مبارزه با شیوه تفکر خرده بورژوائی ضرورتی است اجتناب ناپذیر در رشد احزاب کمونیست!**



حزب و توده ها منجر می شود. برعکس، رابطه بیش از پیش عمیق تر حزب با توده ها نقطه شروع را در روابط درونی حزب می یابد. این روابط درونی در پنج جهت اساسی ساختمان حزب نقش بسته اند:

۱. مارکسیسم - لنینیسم، پایه ایده نولوژیک حزب.  
۲. برنامه خط سیاسی حزب.  
۳. سازمان، ابزار فعالیت عملی حزب.  
۴. مرکزیت دموکراتیک، اصل سازمانی حزب.

۵. انتقاد و انتقاد از خود، قانون رشد حزب. پنج جانب اساسی ساختمان حزب در مجموع خط هدایت کننده ساختمان مارکسیست - لنینیستی حزب تراز نوین بوده و توسط آموزش شیوه تفکر عمومیت داده شده اند:

«درک و تحقق همسانی پنج جانب اساسی ساختمان حزب به مثابه وحدت دیالکتیکی تئوری و پراتیک، چنین است شیوه تفکر پرولتاریائی به مثابه پایه جدید ساختمان حزب.» (۱۵)

شیوه تفکر خرده - بورژوائی در حزب همیشه اثر جادشدن پنج جانب اساسی در ساختمان حزب را دارد. وضعیتی خطرناک در اوت ۱۹۹۶ بروز کرد، که روی آن می توان در نامه رهبری سیاسی کمیته مرکزی خواند، «...که، در مبارزه برای تحقق یک پایه جدید در ساختمان حزب، ما تنها با پدیده های جدا از هم شیوه تفکر خرده - بورژوائی رو به رو نیستیم. این نظامی از مندهای خرده - بورژوائی در ساختمان حزب و کنترل است که در عمل با پایه مخالفت می ورزد. (...) وجود یک نظام کامل مندهای خرده - بورژوائی در آموزش و کنترل علامت خطری است که مجموعه ساختمان حزب را زیر سوال می برد. (...) این وضعیت را به طور ناگهانی در حزب عوض می کند و پافشاری روی شرکت تمامی اعضاء در بحث روی اصول را خواستار می شود. واقعیت این که نظامی از مندهای خرده - بورژوائی در عمل برقرار شود سدی اساسی در پیش روی گذار به سوی پایه جدید ساختمان حزب می گردد. در این بین، گذار از این نظام تقریباً غیرممکن می گردد. ابتکارات که امکان پیش روی را می دهند، خفه می شوند، جانب ایده نولوژیک - سیاسی فعالیت به طور منظمی کنار زده می شود، انتقاد و انتقاد از خود غیر اصولی جای گزین پراتیک درست سیستم کنترل می گردد. آموزش شیوه تفکر خطر لفاظی توخالی بی معنا را می گیرد و خود تغییری واقعی شیوه تفکر را اجتناب ناپذیر می سازد! بدترین: کارپایه

ای متوقف می شود و با بزرگ ترین مسائل برای درک و تغییر عملی تاکتیک مبارزه برای جهت گیری جدید توده ها روبه رو می گردد. تاثیرات در نتیجه عمومیت می یابند. (...)

وجود دو سیستم در کار حزب مرحله اولیه مستقیم یک مبارزه آشکار بین دومی است، که قصد آن عبارت است از دانستن این که اگر آموزش شیوه تفکر، بهبود مارکسیسم - لنینیسم، به مثابه پایه تئوریک حفظ می شود، مثل این است که حزب خود را برای انقلاب بین المللی آماده می کند، یا اگر حزب مخالف آموزش شیوه تفکر شود، بدین ترتیب تمامی خواست اعمال فعالیت انقلابی را از دست می دهد.

حتا اگر مندهای خرده - بورژوائی در آموزش و کنترل در ابتدا در عمل شکل بگیرد و اگر هنوز مشی خرده - بورژوائی به طور عام آماده وجود نداشته باشد که بدان رجوع شود، یک توجیه ایده نولوژیک - سیاسی و تئوریک سیستم باید مع الوصف موجود باشد. بدون آتش دودی در کار نیست! برای این که این سیستم مندهای خرده - بورژوائی در عمل خود را با مشی خرده - بورژوائی بیان کند، به طور آشکاری درخواست رهبری دارد و طولی نمی کشد که به خط مشی پرولتاری ساختمان حزب تراز نوین حمله کند. (...)

اوضاع جدی است، اما به خصوص فرصت بزرگی در بررسی عمیق و حل واقعی مسائل حل نشده از مدتها قبل را فراهم می کند. این یک مبارزه سختی است که همیشه با حرکت از وحدت اصولی کمیته مرکزی، وحدت اصولی کادرها در حزب، وحدت اصولی بین حزب و ریل، باید قاطعانه پیش برده شود» در مبارزه بی سابقه تابه جال در مورد ساختمان حزب، تحت رهبری کمیته مرکزی حزب توانستیم در تابستان ۱۹۹۷ بر سیستم مندهای خرده - بورژوائی در آموزش و کنترل غلبه کنیم. بدین منظور، علت و معلول سیستم مندهای خرده - بورژوائی در آموزش و کنترل به طور کاملی مورد بررسی قرار گرفتند.

### تنظیم مندهای خرده - بورژوائی

#### در آموزش و کنترل به قر ارزیراند:

۱. قراردادن ساختارهای مناسبی که بتوانند به کنترل در نیابند.  
۲. یک سیستم توجیه گریهای شیوه تفکر خرده - بورژوائی  
۳. برقراری یک سلسله مراتب بوروکراتیک، برای توجیه بی مسئولیتی  
۴. دور کردن پایه ایده نولوژیک - سیاسی به مثابه بیان اصلی نفوذ هدایت گری خرده

- بورژوائی  
۵. انتقاد و انتقاد از خود غیر اصولی، مخفی نگهداشتن شیوه تفکر خرده - بورژوائی  
سومین جلسه وسیع کمیته مرکزی پیش روی خطرناک شیوه تفکر خرده - بورژوائی را چون ادعای خرده - بورژوائی به رهبری گرانی در هدایت کار سازماندهی و در چارچوب قراردادی، به عنوان نیروی محرک اصلی در لباس اشکال اصول زیر روشن نمود:

«۱. روحیه رقابت بین کادرها  
۲. یک برخورد شرم آور به رفقا و یک ارزیابی فاقد حساسیت از کادرها  
۳. انتقاد و انتقاد از خود غیر اصولی و بی تفاوتی نسبت به انتقادات رسیده از تشکیلات  
۴. انباشت مسائل حل نشده، به خصوص در آموزش و کنترل و در بخش مالی، و تاخیر حاصله در حل آنها  
۵. رهاسازی پایه ایده نولوژیک - سیاسی

#### حزب

۶. فرو روی در پراگماتیسم در بالا و در پایین به هنگام افراطهای دکماتیکی به جای روشن کردن قطعنامه اصولی مسائل مطروحه

۷. روحیه باخته گی و ول کردن روحیه مبارزاتی

۸. رشد فردگرایی و بی نظمی، وابسته به یک انباشت فعالیتهای خودسرانه فردی که نتیجه همه شان اثر خارج سازی خود از کنترل مسئول سیاسی و کمیسیون کنترل مرکزی (ک.ک.ک.)

۹. بی لیاقتی در شروع یک بررسی ماتریالیستی تشکیلات و جای گزینی اش با شماره گذاری گرایی ذهنی، توجیهی

۱۰. ریاکاری در اشتباهات اصولی  
۱۱. تولد یک مرکز خرده - بورژوائی در درون کمیته مرکزی به طور عینی، که لباس مخالف نظام از هم پاشاندن مند خرده - بورژوائی در آموزش و کنترل

۱۲. از کار انداختن ارجحیت کار سیاسی - تشکیلاتی در میان جوانان و به خطر انداختن نتایج کنگره سوم نماینده گان و تحلیل عمومی کمیته کنترل مرکزی در مورد ریل.»

در مورد تولد چنین جاه طلبی خرده بورژوائی، در راه انقلابی شماره ۲۶ می خوانیم:

« علیه این فشاری که مستمرا اشکال جدید به خود می گیرد، تنها یک پایه تئوریک مستحکم، تنها یک ارزیابی دائمی و درک تمامی تجارب به کمک تئوری



### پیشینه و ریشه ها ... بقیه از صفحه آخر

فاز نویی از تاریخ معاصر جهان بود. با بررسی مدارک موجود از آن دوره و با در نظر گرفتن اهمیت تاریخی ساز تک این انقلابات به نوبه خود می توان اذعان کرد که آنها علیرغم شکست شان نه تنها شجره نامه و ارثیه و پیشینه تاریخی حرکت انسان در مسیر استقرار " جهانی بهتر " را بنا ساختند بلکه به عمر یک اقتصاد توهم زا که نظام سرمایه داری ( حتی در مرحله امپریالیستی اش ) یک نظم اجتماعی " پیشرو " است ، پایان دادند . به عبارت دیگر شجره نامه و ارثیه تاریخی دودمان اندیشه ها و جنبش های دموکراتیک و عدالت خواهی نشان می دهند که نطفه های خواست و آرزوهای انسان در جهت استقرار جهانی بهتر هم در بخش مرکز مسلط نظام و هم در بخش پیرامونی نظام در نیمه دوم قرن نوزدهم شکل گرفته و در دوره های مختلف قرن بیستم رشد یافته و امروز در قرن بیست و یکم به یک ضرورت در زندگی انسان ، تبدیل گشته است .

- در بخش اول این نوشتار به بررسی ریشه ها و دودمان اندیشه ها و جنبش های حرکت به سوی سوسیالیسم در بخش مرکز نظام جهانی می پردازیم . در بخش دوم و پایانی ویژگی های دودمان حرکت در جهت استقرار جهانی بهتر با چشم اندازهای سوسیالیستی، کشورهای در بند پیرامونی نظام جهانی را مورد بررسی قرار می دهیم .

### پیشینه عروج جنبش های توده ای

#### به سوی سوسیالیسم در کشورهای

#### امپریالیستی

- پیشینه و ارثیه تاریخی فراز اندیشه های سوسیالیستی و جنبش های برآمده از آنها در بخش مرکز نظام جهانی سرمایه به کشور فرانسه در اواسط قرن نوزدهم می رسد . تولد و شیوع یک آگاهی نوین بر اساس نیاز بر لغو سرمایه داری و جابجائی آن با یک نظم سوسیالیستی در آن کشور بالاخره منجر به انقلاب ۱۸۴۸ و سپس به برقراری کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ ، گشت . آغازگران و بازیگران این آگاهی نوین که اخلاف ژاکوبین های درون انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ بوده و بعدها نیز منبع الهام بخشی برای رشد " سندیکالیسم انقلابی " در درون کمون پاریس گشتند ، اما برخی به غلط و به طور رفرمیستی برآن بودند که با بر پائی " تعاونی های تولیدی " خود گردان خواهند توانست چهارچوب های قانونی و نهادی برای پروسه

اشکال تشکلهای پرولتری می باشد.

- در مبارزه برای کنترل شیوه تفکر خرده - بورژوائی، شیوه تفکر پرولتاریائی باید مداوما در روند فعال درونی تئوری مارکسیستی و پراتیک انقلابی خود را تکامل بخشد، زیرا بدون آن نمی تواند زنده بماند. این جز به طریقی **منظم و سازمان یافته** انجام شدنی نیست. در نظام کار روزمره پایه ای، این در فعل و انفعال عمومیت یافته بین حزب مارکسیست - لنینیست و تشویق سازمانهای خود توده ها بیان خود را می یابد.
- **مهارت در متد دیالکتیکی** توانائی تعیین کننده کادرها برای انجام یک مبارزه در مرحله تعیین کننده شیوه تفکر پرولتاریائی علیه شیوه تفکر خرده - بورژوائی می باشد. این ابزارهای اساسی استراتژی و تاکتیک مبارزه برای شیوه تفکر در پراتیک مجادله هدایت شده توسط کمیته مرکزی دوباره تسلیم می شوند.

ادامه دارد

.....

(۱)- استفن انگل، «لودویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان»، در مارکس/انگلس، (آثار منتخب سه جلدی، انتشارات پروگرس مسکو - ۱۹۷۰، ص. ۳۶۷/۳۶۶

(۲)- صبح سرخ ۹۹/۸، ص. ۱۲

(۳)- لنین، «ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم»، انتشارات زبان خارجی پکن، ۱۹۷۸، ص. ۳۰۴+۱۷۶

(۴)- کارل مارکس، «تزهائی درباره فویرباخ»، آثار منتخب ۳ جلدی مارکس/انگلس، جلد ۱، انتشارات پروگرس مسکو، ۱۹۷۰، ص. ۸

(۵)- صبح سرخ ۹۹/۸، ص. ۱۲

(۶)- کارل مارکس و فردریک انگلس، «مطالعات فلسفی»، انتشارات اجتماعی پاریس ۱۹۵۱، ص. ۸۴، تاکید استفن انگل

(۷)- راه انقلابی ۲۶، «مبارزه برای شیوه تفکر در جنبش کارگری»، ص. ۲۲ انتشارات آلمان

(۸)- همانجا، ص. ۲۷

(۹)- صبح سرخ ۹۵/۱۴، ص. ۸

(۱۰)- دتلف فریکه، مانیفست حزب کمونیست و مبارزه برای دموکراسی، برلین ۱۹۹۸

(۱۱)- لنین، «چه باید کرد؟»، پکن، ۱۹۴۷، ص. ۴۷/۴۶

(۱۲)- راه انقلابی ۲۶، ص. ۱۲۳

(۱۳)- گزارش سیاسی کمیته مرکزی ام.ال.پ.د.، ژانویه ۱۹۹۷، ص. ۴۸-۵۰

(۱۴)- گزارش حفاظت قانون اساسی - سرویس مخفی سال ۱۹۹۸

(۱۵)- راه انقلابی ۲۶، ص. ۲۱۴

(۱۶)- همانجا، ص. ۲۵۷

مارکسیسم - لنینیسم می توانند موثر واقع شوند. این بدون **بلندهمتی** پرولتاریائی در مبارزه خسته گی ناپذیر برای اتخاذ سمت گیری درست نسبت به هر مسئله و کسب آگاهی سوسیالیستی ممکن نیست. اگر این بلندهمتی به ضعف بگراید، نفوذ خارجی نسبت به طبقه کاملا شکوفا خواهد شد. بدین ترتیب، حتما شیوه تفکر پرولتاریائی یک رفیق کارگر می تواند به شیوه تفکر خرده - بورژوائی تبدیل شده و جایش را به جاه طلبی خرده - بورژوائی تسلیم کند.» (۱۶)

برای غلبه بر این نظام متدهای خرده - بورژوائی در آموزش و کنترل، **عناصر اساسی** زیر استراتژی و تاکتیک مبارزه برای شیوه تفکر می بایستی در نظر گرفته شوند:

- تنها در **مبارزه آگاهانه** است که شیوه تفکر پرولتاریائی نسبت به شیوه تفکر خرده - بورژوائی برتری دارد. برعکس، شیوه تفکر خرده - بورژوائی به طور خود کاری در حال و هوای خودجوشی خود را تحمیل می کند، زیرا در وضعیت ایده نولوژیکی اجتماعا مسلط بورژوائی، او مداوما به طور جدیدی تغذیه می شود. این اهمیت بزرگ کارآموزی مارکسیست - لنینیستی حزب را در مبارزه علیه شیوه تفکر تاکید می کند.

- باید همیشه به هر مسئله از **تحت جانب اساسی** برخورد کرد و جهان شمولی مشی ایده نولوژیک - سیاسی ام.ال.پ.د. را در نظر گرفت. شیوه تفکر خرده - بورژوائی برعکس از آگاهی های ناقص و خودسرانه ذهنی، که از طریق آنها واقعیت را به شکلی تغییر یافته مشاهده کرده به خود حیات می بخشد.
- شیوه تفکر پرولتاریائی با وجود برتری عمومی اش نمی تواند خود را به نظام اجتماعی شیوه تفکر خرده - بورژوائی مسلط سازد به جز از طریق **تمرکز نیرو** قاطع در حل مسائلی که در آنها می تواند برتری مشخص اش را در لحظه معین به عمل در آورد..

- تنها در **مقابله رو در رو** است که شیوه تفکر پرولتاریائی برتر از شیوه تفکر خرده - بورژوائی می باشد. لذا این مبارزه همیشه باید آشکارا پیش برده شود. شیوه تفکر خرده - بورژوائی برعکس از مقابله آشکار امتناع می ورزد چون که وسیله مناسب اش را در شکل اقتباس می یابد.

- شیوه تفکر پرولتاریائی باید به **شیوه تفکر خرده - بورژوائی حمله کند**، برای این که این یکی نتواند پیش روی نماید. چون که پیش روی شیوه تفکر خرده - بورژوائی همیشه وابسته به دورسازی و تخریب کیفیتها و





اول از احزاب ، سازمان ها و اتحادیه هائی در این دوره ۱۹۱۴ - ۱۸۸۰ تشکیل یافته بود که رهبری بزرگترین جنبش های کارگری توده ای را در سطح کشوری و ملی در اروپای غربی ( کشورهای مسلط مرکز ) به عهده داشتند . ولی علیرغم این موهبت ، اکثر رهبران سرشناس انترناسیونال دوم به خاطر داشتن چشم اندازهای یورو سنتریستی ( اروپا محوری و مرکز بینی ) هیچ وقت قادر نگشتند متوجه این امر بزرگ تاریخی گردند که صاحبان قدرت در تک تک کشورهای مسلط مرکز اروپا با توسل به جنگ های امپریالیستی در بحبوحه ی عروج سرمایه داری انحصاری نه تنها نظام جهانی سرمایه را از اولین بحران ساختاری سرمایه داری سال های ۱۹۱۴ - ۱۸۷۳ با موفقیت عبور داد بلکه با تزریق ویروس که چندی بعد توسط لنین به نام " اریستوکراسی کارگری " برملا گشت ، به طور موثری از پیشروی طبیعی جنبش های کارگری به سوی سوسیالیسم در کشورهای امپریالیستی مرکز ، جلوگیری کرد .

- اشتعال جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ برای سوسیالیست های ضد امپریالیست که تعدادشان در درون انترناسیونال دوم محدود بودند ، اخته گشتن اکثر احزاب و اتحادیه های کارگری را بر ملاتر ساخت ارتداد کاتوتسکی ، رویزونیسم برنشتاین و... همراه با شیوع و نفوذ آریستوکراسی کارگری ثابت کردند که آن احزاب و اتحادیه های کارگری دیگر به هیچ وجه ناجیان جنبش های پیش به سوی سوسیالیسم ، در اروپا نیستند . ولی علیرغم این دانش و فهم بازم بودند سازمان ها و افراد شاخص در درون انترناسیونال دوم که علت العلل ناکامی جنبش به سوی سوسیالیسم را ( برخلاف لنین و دیگر مارکسیست های ضد امپریالیست ) تنها در محدوده های " ارتداد " و " رویزونیسم " و دیگر انحرافات می دانستند . در صورتیکه خود این انحرافات منبعث از یک علت اساسی بود که به عنوان یک فاکت عینی در تاریخ سرمایه داری به وقوع پیوسته بود و آن عروج و شیوع پدیده امپریالیسم و یک اعتقاد و گفتمان قوی همراه آن مبنی بر اینکه تمول و توانگری و شکوفائی " دنیای متمدن " ( کشورهای مسلط امپریالیستی مرکز ) از تاراج و غارت بخش " غیر متمدن دنیا " ( بخش پیرامونی در بند ) ، می تواند میسر گردد .

- ولی کامروائی و پیروزی نظام سرمایه در عبور موفقیت آمیز از بحران ساختاری خود از یک سو و افول جنبش های کارگری

نهائی نشست اول انترناسیونال که توسط مارکس تهیه گشت ، اعلام کرد : وظیفه اصلی انترناسیونال کارگری متحد ساختن جنبش های خودبه خودی کارگران با اعمال یک سیستم دکترینی مشخص است . براساس این خط مشی در درون انترناسیونال اول است که مقدمات ما شاهد شرکت افراد شاخص ، احزاب ، سازمان ها ، کانون ها و انجمن های متعلق به سوسیالیسم آنارشستی ( پرودون و باکونین و... ) ، سوسیالیسم تخیلی ( سیمون فوریه و... ) در کنار سوسیالیسم مارکسیستی هستیم . البته در درون انترناسیونال اول مارکس یک کارزار جدی سیاسی و ایدئولوژیکی را علیه دکترین ها و جریاناتی چون آنارشسیم ، رفرمیسم و یا سوسیالیسم تخیلی که غیر علمی و توهم زا بودند ، به پیش برد ولی او به امر وحدت در مبارزه به نفع کارگران تاکید ورزید . بدین جهت به نظر این نگارنده دوره انترناسیونال اول ۱۸۷۶-۱۸۶۴ فازی در تاریخ بود که در آن پیدایش و گسترش جنبش کارگری برای اولین بار خصلت و بعد بین المللی ( البته نه هنوز جهانی ) به خود گرفت . در این دوره دوازده ساله نه تنها اصول رهنمودی جنبش کارگری طرح گشته و به قدر قابل ملاحظه ای بین کارگران تبلیغ شد بلکه با ارائه هدف روشن و مشخص مبارزه طبقاتی و تصویر دورنمای استقرار سوسیالیسم ، انترناسیونال اول قادر گشت که بین میلیون ها نفر کارگر در اکثر کشورهای اروپای غربی احساس همبستگی بین المللی طبقاتی بین آنها با دیگر زحمتکشان بوجود آورد .

- اما اوضاع رو به رشد در ربع آخر قرن نوزدهم ( ۱۹۰۰ - ۱۸۸۰ ) به ویژه بعد از درگذشت مارکس در ۱۸۸۳ ( و در حالی که انگلس هنوز زنده بود ) تحویل و تحولی در تکامل سرمایه داری بوجود آورد که نقش بزرگی در جلوگیری از حرکت کارگران و دیگر زحمتکشان اروپا ( کشورهای مسلط مرکز ) به سوی ایجاد سوسیالیسم ، ایفاء کرد . این تحویل و تحول پایان عمر مرحله سرمایه داری رقابتی لیبرال و آغاز و رشد مرحله سرمایه داری انحصاری امپریالیستی و به وجود آمدن حلقه های ضعیف در رنجبر اسارت امپریالیستی بر جهان بود . با اینکه در آغاز این دوره به همت انگلس و دیگر مارکسیست ها انترناسیونال دوم در سال ۱۸۸۹ تاسیس یافت ولی ظهور پدیده امپریالیسم و پی آمدهای آن در تضعیف و نابودی آن در نیمه اول دهه ۱۹۱۰ نقش مهمی بازی کردند .

- انترناسیونال دوم برخلاف انترناسیونال

اجتماعی سازی مالکیت را در جهت برپائی جامعه آزاد و آباد سوسیالیستی ، مهیا سازند . این چشم انداز که به نام " سوسیالیسم فرانسوی " معروف گشت به خاطر داشتن ویژگی های کم و بیش ایده آلیستی به طور روشن از سوسیالیسمی که در آن دوره مارکس مطرح و ترویج می داد ، کاملاً تفاوت داشت . مروجین سوسیالیسم فرانسوی تئوری های خود را از ارزش های اخلاقی فلسفه روشنگری مثل عدالت ، شهروندی ، برابری ، آزادی و همبستگی ( البته بعد از رادیکالیزه کردن آنها ) به ارث برده بودند . بدین علت رهروان و مبلغین اصلی سوسیالیسم فرانسوی عمدتاً قادر نبودند که یک تحلیل علمی از چگونگی روند انباشت سرمایه و تولید و باز تولید آن در جامعه سرمایه داری ارائه دهند : تحلیل علمی که مارکس را قادر ساخت با ارائه آن یک شناخت قابل فهم از پروسه انباشت و پی آمدهای پر از فلاکت آن از یک سو و عقلانی بودن خواست برای دگرگونی و نیاز بشریت برای برقراری جهانی بهتر ( سوسیالیسم ) را از سوی دیگر ، مهیا سازد .

- بر این اساس مارکسیست های درون سه انترناسیونال به نوبه خود مولفه ها و پراتیک " سوسیالیسم فرانسوی " ( بلانکسیم را به خاطر استراتژی توطئه و کودتا به جای استراتژی مبارزات کارگری ، آنارشسیم پرودونی را به خاطر رد هر گونه مالکیت و سندیکالیسم انقلابی را به خاطر ترویج اصل " نخبه گرایی " در تشکل های کارگری و توده ای ) مورد نقادی های قاطعانه و جدی قرار دادند .

- البته گسترش آگاهی های سوسیالیستی و مبارزات اجتماعی منبعث از آنها در نیمه دوم قرن نوزدهم فقط محدود به کشور فرانسه نگشته بلکه بررسی تاریخ قرن نوزدهم نشان می دهد که تقریباً هم زمان با بسط و گسترش مبارزه برای برقرار سوسیالیسم در فرانسه ، در دیگر کشورهای اروپا نیز جنبش های گوناگون برای حرکت جامعه به سوی سوسیالیسم به ویژه در انگلستان ( عمدتاً سوسیالیسم تخیلی ) به وقوع پیوستند . در واقع این " چشمه های " متعدد سوسیالیستی چه آنهایی که توهم زا و چه آنهایی که موثر بودند در نیمه دوم قرن نوزدهم با ادغام خود و با شرکت فعال مارکس توانستند " انترناسیونال اول " کارگری از جمله مرکب از اتحادیه های کارگری را ایجاد کنند . در ارتباط با این اتحاد و ادغام " چشمه های " متنوع سوسیالیستی در شرایط اولیه و مبارزه برای تهیه منشوری انقلابی ، نهایتاً منشور



مرزهای شوروی و عدم آگاهی دقیق در مورد رشد شیوه تفکر خرده بورژوازی در درون حزب کمونیست شوروی و متعاقب آن رشد بوروکراسی از یک سو و تهاجمات نظامی و مداخلات گسترده نیروهای امپریالیستی علیه شوروی جوان از سوی دیگر نکات مهمی از مجموعه شرایط عینی داخلی و خارجی بودند که بالاخره باعث گشتند که ایجاد ساختمان سوسیالیسم به تدریج به سوسیالیسم بوروکراتیک تقلیل یابد .

- مضافاً در سال های بعد از پایان جنگ دوم جهانی و بویژه در دوره اوجگیری " جنگ سرد " دولتمردان حزب و دولت شوروی با تبلیغ استراتژی های توهم انگیزی مثل " همزیستی مسالمت آمیز " به دام سیاست " رقابت مثبت " با کشورهای غربی افتاده و با اتخاذ سیاست های " کچ آپ " ( رسیدن به آنها از طریق سبقت) کلیه راه ها را برای بازگشت به مسیر ایجاد ساختمان سوسیالیسم ، مسدود ساختند . بعد از در غلطیدن شوروی در باتلاق " کچ آپ " ( همانطور که لنین نیز در آخرین سال های عمرش پیش بینی کرده بود ) ، مرکز ثقل انگاشت و حرکت نوین پیش به سوی سوسیالیسم بیش از پیش به کشورهای " مشرق زمین " ( کشورهای پیرامونی در بند نظام جهانی سرمایه داری ) ، منتقل گشت . - در واقع کمونیست های چین تحت رهبری مائو تسه دون بودند که انگاشت حرکت به سوی ایجاد ساختمان سوسیالیسم را با تکامل لنینسم در کشوری بزرگ واقع در بخش پیرامونی در بند ، به پیش بردند : حرکت نوینی که شجره نامه و ارثیه دودمانی آن ( همانطور که در بخش " اول " این نوشتار به آنها اشاره گشت ) در شماره آینده این نشریه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت .

### منابع و مأخذ

- ۱- کرنل وست ، ایمی گودمن و دیگران ، " چرائی و چگونگی انقلاب در عصر کنونی " ، در کنفرانس " فوروم چپ " در نیویورک ، ۳۰ ماه مه ، ۲۰۱۴ .
- ۲- تئودور شینن ، " مارکس و مسیر روسیه " ، نیویورک ۱۹۸۳ .
- ۳- یونس پارسا بناب ، " تکامل مارکسیسم در سه انترناسیونال " ، واشنگتن ۱۹۸۳ .
- ۴- برایان کولورنیس ، " یک قیام نوین در حال شکلگیری است " در نشریه " بدیل سوسیالیستی " ، ماه می - ژوئن ۲۰۱۴ .
- ۵- سمیرامین ، " جنبش های توده ای به سوی سوسیالیسم " در مجله " مانته ریویو " ، سال ۶۶ ، شماره ۲ ژوئن ۲۰۱۴ .
- ۶- ویلیام فاستر ، " تاریخ ۳ انترناسیونال " در دو جلد ، انتشارات سوسیالیسم و آزادی ، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ .



علیه خطوط انحرافی در درون انترناسیونال دوم نه تنها علیه جهان بینی اروپا محوری ( اروپا مرکز بینی ) حاکم در انترناسیونال دوم موضع روشن گرفتند بلکه بعد از پیروزی انقلاب اکتبر آن نظرگاه را به ویژه از دو جهت مورد نقادی قرار داده و آن ها را به عنوان دو " دگم " محکوم ساختند :

۱- یکم اینکه اکثر رهبران شاخص درون انترناسیونال دوم بر آن بودند که حرکت به سوی سوسیالیسم و استقرار آن فقط و صرفاً در کشورهای توسعه یافته سرمایه داری می تواند به وقوع پیوسته و پیروز گردد .

۲- دوم اینکه اکثر رهبران درون انترناسیونال دوم درک به غایت اروپا مرکزی و نیمه قاره ای از انگاشت ملل و ملیت ها داشتند و بدین علت معتقد بودند که مردمان غیر اروپائی یعنی آسیائی ها ، آفریقائی ها و مردمان آمریکای لاتین ( و حتی مردمان ساکن اروپای شرقی : آلبانی ها ، صرب ها ، رومانی ها و .... ) مجموعه هائی از تبارهای طایفه ای ، قومی و ایلاتی بوده و ملت و ملیت نبوده و در نتیجه اصل حق تعیین سرنوشت ملی مشمول آنها نمی شود . لنین در مبارزه علیه مولفه های یوروستنریسم و به ویژه آن دو دگم نه تنها از امر انتقال و شیفت مرکز جاذبه جنبش های توده ای به سوی سوسیالیسم از کشورهای امپریالیستی مرکز به کشورهای " مشرق زمین " ( چین ، هندوستان ، ایران و ... ) استقبال کرد بلکه بعد از پیروزی انقلاب اکتبر این شیفت تاریخی را همراه با اصل حق تعیین سرنوشت ملی با برگزاری " کنگره خلق های مشرق زمین " در باکو در سال ۱۹۲۰ به پایه های اساسی انترناسیونال سوم افزود . در نتیجه تعجب آور نیست که انترناسیونال سوم تا پایان عمرش در سال ۱۹۴۳ برخلاف انترناسیونال های اول و دوم که در واقع اروپائی بودند با اتخاذ یک بُعد جهانی یک انترناسیونال جهانی واقعی باقی ماند . - اما در ارتباط با جامعه شوروی جنبش رو به سوسیالیسم : با اینکه در سال های نخستین پس از انقلاب تحت رهبری بلشویسم لنینیستی در مسیر ایجاد ساختمان سوسیالیسم که هدف انقلاب اعلام گشته بود ، به پیش رفت ولی مجموعه از شرایط عینی داخلی و خارجی بالاخره باعث گشتند که این روند در وسط راه از نفس بیافتد . عقب افتادگی و توسعه نیافتگی بخشی از واحد های اتحاد جماهیر شوروی ( عموماً جمهوری های آسیای مرکزی و منطقه قفقاز ) و ماهیت سرمایه داری نیمه پیرامونی واحدهای دیگر ( روسیه ، اوکراین و ... ) در داخل

رو به استقرار سوسیالیسم در اروپای امپریالیستی از سوی دیگر به هیچ وجه " پایان تاریخ " ( پایان مبارزات ملی ضد امپریالیستی و طبقاتی ) در نقاط دیگر جهان نبود . تاریخ نشان داد که با احیای مبارزات توده ای علیه ویرانی ، نا امنی ، بیکاری و اوضاع فلاکت بار منبعت از جنگ جهانی اول و حاکمیت استعماری خشن کشورهای پیشرفته سرمایه داری در مناطق عقب مانده جهان ، امکان احیای جنبش های پیش به سوی سوسیالیسم نه تنها در اروپای امپریالیستی بلکه در اکناف جهان مجدداً به وجود آمد . - اولین انقلاب پیروزمندی که به خاطر برقراری سوسیالیسم توسط بلشویک ها به پیش برده شد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه بود : کشوری که به تمام معنی یک کشور نیمه پیرامونی واقع در " حلقه ضعیف " نظام جهانی سرمایه ( امپریالیسم ) بود . این انقلاب که یک واقعه تصادفی و اتفاقی نبود به طور موثری مرکز جاذبه جنبش های توده ای - کارگری رو به سوسیالیسم را از کشورهای امپریالیستی مرکز نظام به کشورهای پیرامونی در بند نظام ، انتقال داد . این شیفت ( انتقال ) تاریخی در سرنوشت شکل گیری و رشد وقایع در طول قرن بیستم به ویژه در کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین نقش بزرگی ایفاء کرد . با اندکی تامل و تعمیق در نوشته ها و سیاست های لنین و در باره پدیده لنینیسم می توان تشخیص داد که چرا رادیکالهای درون انترناسیونال دوم ( بلشویک ها ) با استفاده از این شیفت دست بالا را در حرکت به سوی سوسیالیسم کسب کرده و " مصالحه جویان " ( منشویک ها ) را در موضع دفاعی قرارداد در حالی که درست برعکس روسیه در کلیه کشورهای اروپای امپریالیستی مرکز " خط مصالحه " ( و نه رادیکال ) دست بالا را در جنبش های کارگری کسب کرده و تا به امروز بعد از گذشت صد سال از آن دوره ، هنوز هم " اروپای سوسیال " را در موضع دفاعی و حتی در بی عملی و بی ربطی قرار داده است . - تاکنون درباره دست آوردها و خدمات لنین و لنینیسم کتاب ها و مقالات متنوع و گوناگونی بوسیله سوسیالیست ها از منظرهای مختلف به رشته تحریر درآورده اند که دانش تاریخی و اجتماعی و شناخت بیشتر ما را از آن زمان ( به ویژه در دو دهه اول قرن بیستم ) افزایش می دهند . اما نگارنده در اینجا به یک انگاشت و نکته اصلی در آثار لنین و لنینیسم اشاره می کنم که کمتر توسط این مورخین به آن پرداخته شده است . لنین و لنینیست ها از اوان مبارزه



آنها می گویند یک بانک توسعه جدید، این به آن معنی نیست که آنها می خواهند مثل بانک جهانی یا صندوق بین المللی پول عمل کنند. آنها در پی یک نوع متفاوت توسعه می باشند.

اما، نه اینکه این تنها یک بانک توسعه نیست، بلکه این یک طرح و نقشه عمل ارزی ۱۰۰ میلیارد دلاری است. آنها تلاش می کردند - آنها با زور به سمت پیمان متقابل دفاع اقتصادی که توسط تحریم های آمریکا علیه روسیه، تهدید علیه چین، و جلوگیری در سرمایه گذاری آمریکا که تحت عنوان امنیت ملی صورت گرفت، رانده شدند. آنها کشورهای دیگر را واقعاً تحت فشار قرار دادند که اجازه دهید آنچه را که ما می خواهیم در مورد شما انجام دهیم، هیچ جایگزین دیگر وجود ندارد و ما کاری را با شما انجام خواهیم داد که با ایرلند و یونان انجام دادیم، انتخاب دیگری ندارید.

خوب، در واقع چیزی را که کشورهای بریکس می گویند چیزی است که به نظر آنها بانک جدید و بانک های عضو اتاق پایپای، بله، یک جایگزینی است که وجود دارد. ما لازم نیست مانند نئولیبرالیسم باشیم. انتقاد آنها از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول این نیست که به آنها به اندازه کافی بزرگ سهمیه داده نمی شود؛ آنها با کل فلسفه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مخالفند، و این وابستگی اقتصادی را کمک مالی بوجود می آورد، وابستگی به مواد غذایی، و اساساً احزاب ضد کارگری که نتیجه اش کسری بودجه می باشد، که پس از آن به دولت ها گفته می شود خوب، به منظور تأمین مالی برای بدهی های خارجی و کسر بودجه، شما می بایست آب و منابع طبیعی خود را خصوصی کنید و به ما بفروشید. بانک های بریکس به این کشورها هرگز نخواهند گفت که شما باید تأمین آب کشور را بفروشید و قیمت های آب را بالا ببرید به منظور پرداختن به ما.

**جی:** صحیح است ولی اجازه بدهید من در اینجا از لئو پانتیچ سؤال کنم.

بنابراین، لئو، نظر شما در مورد توضیحات مایکل چیست؟ چقدر این گفته ها با اهمیتند؟

**لئو پانتیچ:** خوب، من فکر می کنم بسیار با اهمیت می باشد، این را کشورهای بزرگ در حال توسعه سرمایه داری طرح ریزی کردند که به آنها فضای بیشتری برای مانور در برابر دولت آمریکا، بانک مرکزی اروپا، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بدهد. من فکر می کنم اهمیتی را که او به این

سهام و غیره را ذکر کردن)، پروژه های توسعه پایدار در کشورهای بریکس بکار می رود، اما دیگر کشور های کم درآمد و با درآمد متوسط قادر خواهند بود که برای عضویت سهم بخرند و تأمین بودجه لازم یا سرمایه گذاری در آن کنند.

کشورهای بریکس، هم چنین ۱۰۰ میلیارد دلار ذخیره احتمالی (سی آر ای) مالی ایجاد کردند، به این معنی که تأمین حفاظت در برابر نقدینگی برای کشورهای عضو در خلال مشکلات موازنه ی پرداختها و سایر شوک های مالی بوجود می آورد. سی آر ای، برخلاف ذخیره کمکی سرمایه به بانک بریکس، که به طور برابر به اشتراک گذارده شده، بودجه آن ۴۱ درصد توسط چین، ۱۸ درصد توسط برزیل، هندوستان و روسیه و ۵ درصد توسط آفریقای جنوبی تأمین می شود. این بانک جدید چالشی در برابر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است که در واقع به مبارزه طلبیدن قدرت مالی جهانی آمریکا می باشد. اما این واقعیت دارد، ویجی پراشاد نوشت: نئولیبرالیسمی است با ویژه گی های نیم کره جنوبی.

**جی:** مایکل و لئو هر دو در نیویورک می باشند. مایکل، به ما توضیح دهید که چقدر این توسعه کنونی توسط کشورهای بریکس چشم گیر و با اهمیت می باشد؟

**مایکل هادسون:** من فکر می کنم به مراتب چشم گیر تر از آنچه که مطبوعات غربی در مورد آن صحبت می کنند می باشد. این مطبوعات طوری به آن برخورد می کنند، مثل اینکه خوب، آنها کوچک هستند و اینکه چه چیزی را این کشور ها باید انجام دهند. بریکس را باید به عنوان پدیده ای در نظر بگیرید که در سطح دولتی کاری را انجام داده است که جنبش تسخیر وال استریت از آن جانبداری می کرده است. هنگامی که

## به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

بحث جامعی در مورد بحران ... بقیه از صفحه آخر

و تحقیقات برجسته علوم سیاسی در دانشگاه یورک، تورنتو- کانادا

**پال جی:** آیا بانک جهانی جدید چالشی خواهد بود در برابر هژمونی کنونی مالی جهانی؟ خوب، در ملاقاتهای اخیر که در برزیل صورت گرفت، پنج کشور بریکس - برزیل، روسیه، هندوستان، چین و آفریقای جنوبی - یک بانک بین المللی جدیدی به نام ان دی بی، یا بانک توسعه جدید، با ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه اولیه را ایجاد کرده اند. بانک بریکس بر اساس رأی برابر، پنج امضاء کننده و با هر کدام ۱۰ میلیارد دلار شروع به کار می کند. در ابتدا، پایه سرمایه برای تأمین زیرساخت ها و مظنه دادن (قیمت





کشورها می دهد غلو آمیز می باشد. هیچ شواهدی وجود ندارد که اهداف آنها در واقع اعمال مشروط به وام گیرندگان نباشد. شواهد فراوانی وجود دارد که با عدم کاربری بانک جنوب که بانکی در آمریکای لاتین ایجاد شده بود که برزلی می ها - که آن را با اصرار غیر قابل استفاده کردند، به این معنی که این یک بانک توسعه بسیار معمولی است که در واقع وارد بازار می شود و در نتیجه، تحت قید بازار بر اساس نرخ بهره که باید پیروی شود و غیره، شروط بر خلاف بولیوی و ونزوئلا که می خواستند کاملاً طور دیگر عمل کنند، یعنی مثل قاعده بازار. برزلی می ها آن را نمی خواهند و آن را برای یک بانک جدید نمی خواهند. و من فکر نمی کنم که این موضوع فقط به برزلی می ها مربوط می شود. چینی ها نیز آن را نمی خواهند. یک عامل بسیار عمیق تری است که چرا اینقدر مهم نیست اگر چه، به آنها فضا برای مانور در عملیات خود می دهد. اما، دلیل اصلی اینست که این در کشورها تعبیه ریشه دوانده، حتی با کشور چین که لازم نیست خیلی، خیلی، خیلی - بتواند آن رُل را بازی کند هم چنانکه مایکل خیلی خوب می داند - بازار عمیق مالی که برای این نوع بانک مورد نیاز است.

**جی:** بسیار خوب لئو، یک لحظه صبر کنید. آن تا اندازه ای نکته دوم می باشد. اجازه دهید مایکل به نکته اول شما پاسخ دهد. نکته اول شما اینست که این چیزی بر علیه استراتژی نئولیبرال نیست؛ این برخی از مانورهای مستقل کشورهایی است که در داخل استراتژی نئولیبرالی کار می کنند. پس شما از آن چه چیزی دستگیرتان می شود؟

**لئو پانیتج:** خوب، اجازه دهید من فقط تأکید کنم که شما هندوستان را در نظر بگیرید و ببینید چه کسانی به عنوان دولت هند انتخاب شدند. در حدی که حتی حزب کارگران نیز در سرمایه داری جهانی ادغام شده است. اجازه دهید نگاهی به چین بیاندازیم و ببینیم که چین به تازگی آغاز به حذف برخی از محدودیتهای مالی کرده است. و اجازه دهید نگاهی به ای ان سی (کنگره ملی آفریقا) کنیم و ببینیم چه چیزی را در حال حاضر نمایندگی می کند. بنابراین، مطمئن باشید که آنها فضای بیشتری را برای مانور می خواهند اما، در چار چوب شرکت در سرمایه داری جهانی و بیش از حد وابسته به آن.

**جی:** خوب، مایکل شما می توانید پاسخ دهید.

**مایکل هادسون:** نئولیبرالیسم به سادگی یک فلسفه اقتصادی نیست. این با سیاست خارجی آمریکا درهم آمیخته است. مورد ایرلند را در نظر بگیرید زمانیکه چند سال قبل بانکهای ورشکسته را نجات مالی داد. اروپا در این مورد به توافق می رسید، و صندوق بین المللی پول، قرار بود بدهی ایرلند را بازخرد کند تا اینکه تم گایدنر، رئیس خزانه داری ایالات متحده گفت، یک دقیقه صبر کنید، شما نمی توانید بدهی ها را بازخرد کنید، چرا که بانکهای آمریکایی بیمه های اعتباری پیش فرض شده ای را نوشته اند و بانکهای آمریکایی خود را راضی کردند که ایرلند خواهد پرداخت؛ بنابراین، آن را نجات مالی ندهید. سپس، اروپا و ایرلند هر دو تسلیم شدند و گفتند خوب، ما راه شما را دنبال می کنیم. دقیقاً همین در مورد یونان اتفاق افتاد. صندوق بین المللی پول حتی وارد بحث مجادله با اتحادیه اروپا شد، گفت، شما نمی توانید اینقدر بد بر ضد یونان باشید، شما واقعا نمی توانید آنرا مجبور به وارد شدن به رکود بسیار عمیق کنید. ایالات متحده تلفنی گفت، یک دقیقه صبر کنید، بانکهای آمریکایی قصور در پرداخت بدهی ها را بیمه کرده اند. شما نمی توانید این کار را انجام دهید. اگر شما انجام دهید، ما همه باید به سختی بپردازیم، و ما قصد نداریم که ضرر و زیان را بپذیریم. بنابراین، مسئله سودهای بانکی یا سرمایه داری نیست؛ این مخصوص ایالات متحده می باشد. و این ایالات متحده است که حق و تو در صندوق بین المللی دارد، این ایالات متحده است که حق و تو در بانک جهانی دارد.

و اساساً من فکر می کنم آنچه که کشورهای بریکس را برانگیخته است، این است که این کشورها در یک چیز با هم مشترکند: همه آنها مورد حملات ایالات متحده از لحاظ اقتصادی قرار دارند، و در مورد روسیه از لحاظ نظامی، توأم با تحریم. و به این ترتیب روسیه در تلاش است که بگوید، در حال حاضر ایالات متحده می تواند تهدیدی علیه ما باشد. آنها می توانند بگویند، اگر شما کاری را که ما می خواهیم از نظر نظامی یا سیاسی یا اقتصادی انجام ندهید، ما می توانیم ارزشهای پرداختی شما را مسدود کنیم، ما می توانیم بانک ها را مسدود کنیم و می توانیم شما را خفه کنیم.

پس، آنچه که پوتین در کنفرانس مطبوعاتی خود برای کشورهای بریکس گفت، ویژگی های متمایز دولت اینست که ما دیگر دلار در این بانکها نمی گذاریم، ما هم اکنون از

ارزهای خود برای این کار استفاده می کنیم و وام ها را نیز با ارزهای خود می دهیم. و این واقعیتی است که دولت می تواند هر اندازه ای از ارز مورد نیاز خود را ایجاد کنند. آنها در اصل دیگر لازم نیست برای ارز بروند به بازار.

اکنون، آنچه که لئو می گوید کاملاً صحیح است. اگر برزلی می که هنوز تقریباً توسط بانک رانده می شود، اصرار ورزد که بانک برود به بازار سپس، به بازار گره خواهد خورد. اما، اگر روسیه، چین و کشورهای دیگر از نظریه پولی مدرن استفاده کنند و بگویند خوب، خزانه داری ما می رود و اسکناس را به منظور توسعه چاپ کنند و ما نیازی به وال استریت نداریم، سپس شما یک مکالمه متقابل خواهید داشت.

**جی:** خوب، اجازه دهید لئو بحث را ادامه دهد.

لئو ادامه دهید.

**لئو پانیتج:** خوب مایکل، اگر شما به آنها توصیه می کنید، آنها ممکن است بپذیرند اگر چه، هم چنانکه شما اعتراف می کنید، آنجا ممکن است، خیلی خیلی قربانی داشته باشد که پس از آن آنها باید تحملش کنند. اما، این ها دولتهایی هستند که منعکس کننده ساختار طبقاتی خود می باشند، اینها مانند ایالات متحده دولتهای نیرومندی هستند که منعکس کننده نیروهای قدرتمندی در درون خود می باشند. و آنچه را که شما پیشنهاد می کنید، چیزی نیست که سرمایه داران غالب در هر کدام از این کشورها، شما می دانید خواه شرکتهای استخراج معدن خارجی در آفریقای جنوبی باشند و یا شرکتهای چند ملیتی بلند پروازانه چینی باشند، می خواهند که رُخ دهند.

علاوه بر این، نظر به اینکه آنها - منظورم آن سرمایه داران خاص در این کشورهاست - علاقه ای به تبدیل پول خود به دلار ندارند - پوچ است. مطمئناً، پوتین می تواند هرچقدر می خواهد در مورد مفهوم مضحکی از روبل به عنوان ذخیره ارز بین المللی با هیچ یک از ظرفیتهای زیربنایی خود که ندارد، نسنجیده حرف بزند که چنین می خواهد، اما این یک چاره یا گزینه عملی نیست. این به آن معنی نیست که بگوئیم آن برای انجام طراحی شده است که مثلاً به آن قدری فضای تئوری و یا شاید فضای نهادی (یا بنیادی) برای مانور بدهیم. اما، اجازه دهید اینقدر پرطمطراقش نکنیم.

**هادسون:** خوب، این طور نیست، هیچ



خود قرار دادند. شما را قسم، اجازه دهید پوتین و همدستان او را تبدیل به پیشتازان جامعه سوسیالیستی نوین نکنیم.

**هادسون:** من با شما در این مورد بحثی ندارم، لئو، شما مطلقاً صحیح می‌گویند.

**پانیتج:** این بسیار مهم است که ما این کار را نکنیم.

**هادسون:** سؤال اینست: چه مدرک یا شواهدی وجود دارد که یک نقطه انقطاعی در نئولیبرالیسم موجود باشد؟ منظور من، تغییری که همه آنها گفته‌اند اینست که خوب، نئولیبرالیسم واقعاً استاندارد پول به دلار می‌باشد و به این معنی که قرض دادن پول به دلار برای واردات. به عنوان مثال، یکی از چیزهایی که کنفرانس کشورهای بریکس گفت، ما با ارز داخلی وام خواهیم داد. اکنون، این بسیار مهم است، به خاطر اینکه بانک جهانی با ارز داخلی وام نمی‌دهد. این به آن معنی است که بانک جهانی به منظور اصلاحات ارزی، کشاورزی، برای تمام هزینه‌هایی که واجد شرایط داخلی برای کار لازم برای توسعه کشاورزی است، توسعه صنعت وام نمی‌دهد. بانک جهانی فقط به دلار وام می‌دهد، اساساً برای خرید زیرساخت‌های ایالات متحده، صادرات مهندسی آمریکائی - و اروپائی. بنابراین، فراوری وام با ارزهای داخلی برای توسعه داخلی - به عنوان مثال، چین بسیار علاقمند است که ببیند آمریکای لاتین بجای تولید محصولات کشاورزی که مشکل به پول تبدیل می‌شوند، علاقمند است ببیند آنها گندم و مواد غذایی تولید کنند. در اینصورت یک محصول جانبی داشته‌باشد: آمریکای لاتین می‌تواند خود را تغذیه کند، هم چنانکه آرژانتین در حال حاضر این کار را می‌کند، و این کشور می‌تواند صادرات نیز داشته‌باشد. بنابراین، یک تغییر از تأمین مالی برای چیزهای دیگر به تأمین مالی برای گندم می‌تواند یک تغییر بزرگی باشد.

**پانیتج:** باز هم، من نمی‌دانم چه شواهدی شما دارید که چین نقش بسیار گسترده‌ای در تولید طبیعتاً صادرات تک محصولی در آمریکای جنوبی بازی نکرده است. در واقع، جنبش توده‌ای ساقط زمین، که بن مایه اش اینست که، شما می‌دانید، ما دارای چنین جمعیت عظیمی هستیم، ما نیاز به یک کشاورزی متنوعی داریم که این جمعیت را تغذیه کند، این دیگر ایالات متحده را آماج قرار نمی‌دهد که آن را به برزیل اعمال می‌کند! برزیل، مطمئناً، به دنبال فضائی برای مانور از نظر متنوع کردن

و وزارت خزانه داری و کاخ سفید همگی می‌خواستند دیوان عالی کشور حکم گریسا را در مورد قصور در بدهی ملغی کند. و این منافع طبقاتی همگی باهم در تضادند، و اغلب، درست همانطور که سیاست خارجی آمریکا توسط نئولیبرال ها و نئوکانه اسیر شده، این می‌تواند صدمه زیادی به بسیاری از منافع محرز و مسلم در اینجا بزند، همان چیز در روسیه و چین هم اتفاق می‌افتد. پس، این در کل یک دیالکتیک [تداخلی] می‌باشد.

**جی:** مایکل، من می‌خواهم باز روی این موضوع متمرکز شوم، به دلیل اینکه بخش اول این بحث این بود که آیا هدف استراتژیک این بانک در واقع ضد نئولیبرالی است، چون به نظر می‌رسد که دو موضوع متفاوت در اینجا وجود دارد. اگر آنها می‌خواهند فضای بیشتری برای منافع مستقل خود در درون کل این سیستم مالی نئولیبرالی داشته باشند که آن یک چیز است. این چیز دیگریست که بگوئیم که آنها آنرا می‌خواهند، به علاوه آنها آنرا می‌خواهند به منظور اجتناب از چیزهایی مانند تعدیل ساختاری و خصوصی سازیهای مختلف و حمله به شبکه امنیت اجتماعی و کاهش دستمزدها. منظور من این است، به نظر من شما در آغاز پیشنهاد می‌کردید که آنها می‌خواهند در جهت عکس آن نوع سیاستها حرکت کنند و لئو سؤال کرد یا گفت، هیچ شواهدی از آن وجود ندارد. پس بنابراین چه مدرکی از آن وجود دارد.

**هادسون:** اگر شما به کنفرانس مطبوعاتی پوتین مراجعه کنید و آنرا بخوانید و به توضیح اهداف او توجه کنید - و تمام آنها در لیست جانسونز راشا در دسترس قرار دارند که نظر هر دو پوتین و لاوراف، وزیر امور خارجه روسیه موجودند، شما خواهید دید که نظر هر دو دقیقاً مطرح شده، نئولیبرالیسم فقط خصوصی سازی نیست، اما این ایده است: چیزی که حقیقتاً مورد بحث است اینست که آیا اقتصاد ما توسط وال استریت و منافع مالی برنامه ریزی و تصمیم گیری می‌شود، یا اینکه توسط دولت برنامه ریزی می‌شود، -

**پانیتج:** خواهش دارم،

**هادسون:** - با دیدگاهی نسبت به بالابردن استاندارد زندگی مردم -

**پانیتج:** مایکل، هیچ کشوری بیشتر از روسیه خصوصی سازی نکرده است، هیچ طبقه حاکمی بیشتر از آلیگارش‌های اطراف پوتین خصوصی سازی نکرده است. آنها ثروتهای آن کشور را برداشتند و در جیب‌های عقب

سعی و کوششی از جانب روسیه به منظور برگزیدن روبل که ارز قابل تبدیل باشد نشده است. چیزی را که روسیه می‌خواهد انجام دهد اینست که تجارت خود را به روبل منصوب دارد، درست مثل چین که در تجارت خود یوان را منصوب کرده است، به طوریکه ایالات متحده نتواند با استفاده از بانکهای خود کاری را که در مورد آرژانتین انجام دادند با چین انجام دهند، ما می‌توانیم هرگونه پرداختهای سیستم بانکی را مسدود کنیم، درست مثل زمانیکه شاه در ایران سرنگون شد، رژیم جدید ایران سعی کرد بدهی‌های خارجی خود را بپردازد، و بانک چیس منهن به نمایندگی از جانب دولت آمریکا عمل کرد و پرداختی‌های ایران را مسدود کرد و ایران را مجبور به قصور در پرداخت بدهی خود کرد که در نتیجه سبب بحران شد. در حال حاضر، ایران عضو ناظر سازمان همکاری‌های شرقی از کشورهای بریکس است می‌باشد، و در کل در تلاش است که جایگزینی ایجاد کند، یعنی از استفاده از دلار اجتناب ورزد. این به آن معنی نیست که آنها خواهان تبدیل روبل به ارز بین‌المللی‌اند؛ این به آن معنی است که آنها خواهان خلاصی از دلارند و از این رو آزاد از تحریم‌ها که ایالات متحده امروز علیه روسیه آن را تشدید داده است، آزاد از تحریم‌های پولی و آزاد از توانمندی آمریکا برای استفاده از سیستم دلاریزه به عنوان حل سیاسی.

**لئو پانیتج:** من می‌دانم که این هدف آنهاست. من با شما اختلاف نظر ندارم که آن هدف آنهاست. من فکر می‌کنم که اگر ما اهمیت این را بسنجیم، من فکر می‌کنم که ما باید احتمال آنرا بسنجیم. ما باید چیزی را که قدرتمندترین نیروهای داخل آن کشورها می‌خواهند در این مورد بسنجیم، آنها چند عدد تخم مرغ در این سبد دارند قرار می‌دهند، این کشورها دارای چه ظرفیتی هستند که خارج از بازارهای مالی بین‌المللی عمل کنند که در آن دلار - که ما واقعاً به معنی نهاد‌های بسیار قدرتمند مالی که مقر آنها در غرب و با دولتهائی که آنها را نمایندگی می‌کنند می‌دانیم - به موجودیت خود ادامه می‌دهد.

**هادسون:** حق با شماست. این دیالکتیک در کار می‌باشد، و این به معنی دیالکتیک بین منافع ملی و منافع مسلم و بی‌چون و چرا در داخل کشور می‌باشد. شما این حالت را در ایالات متحده همین الان در باره بحران آرژانتین مشاهده می‌کنید، جائیکه بانکها

سعی و کوششی از جانب روسیه به منظور برگزیدن روبل که ارز قابل تبدیل باشد نشده است. چیزی را که روسیه می‌خواهد انجام دهد اینست که تجارت خود را به روبل منصوب دارد، درست مثل چین که در تجارت خود یوان را منصوب کرده است، به طوریکه ایالات متحده نتواند با استفاده از بانکهای خود کاری را که در مورد آرژانتین انجام دادند با چین انجام دهند، ما می‌توانیم هرگونه پرداختهای سیستم بانکی را مسدود کنیم، درست مثل زمانیکه شاه در ایران سرنگون شد، رژیم جدید ایران سعی کرد بدهی‌های خارجی خود را بپردازد، و بانک چیس منهن به نمایندگی از جانب دولت آمریکا عمل کرد و پرداختی‌های ایران را مسدود کرد و ایران را مجبور به قصور در پرداخت بدهی خود کرد که در نتیجه سبب بحران شد. در حال حاضر، ایران عضو ناظر سازمان همکاری‌های شرقی از کشورهای بریکس است می‌باشد، و در کل در تلاش است که جایگزینی ایجاد کند، یعنی از استفاده از دلار اجتناب ورزد. این به آن معنی نیست که آنها خواهان تبدیل روبل به ارز بین‌المللی‌اند؛ این به آن معنی است که آنها خواهان خلاصی از دلارند و از این رو آزاد از تحریم‌ها که ایالات متحده امروز علیه روسیه آن را تشدید داده است، آزاد از تحریم‌های پولی و آزاد از توانمندی آمریکا برای استفاده از سیستم دلاریزه به عنوان حل سیاسی.

**لئو پانیتج:** من می‌دانم که این هدف آنهاست. من با شما اختلاف نظر ندارم که آن هدف آنهاست. من فکر می‌کنم که اگر ما اهمیت این را بسنجیم، من فکر می‌کنم که ما باید احتمال آنرا بسنجیم. ما باید چیزی را که قدرتمندترین نیروهای داخل آن کشورها می‌خواهند در این مورد بسنجیم، آنها چند عدد تخم مرغ در این سبد دارند قرار می‌دهند، این کشورها دارای چه ظرفیتی هستند که خارج از بازارهای مالی بین‌المللی عمل کنند که در آن دلار - که ما واقعاً به معنی نهاد‌های بسیار قدرتمند مالی که مقر آنها در غرب و با دولتهائی که آنها را نمایندگی می‌کنند می‌دانیم - به موجودیت خود ادامه می‌دهد.

**هادسون:** حق با شماست. این دیالکتیک در کار می‌باشد، و این به معنی دیالکتیک بین منافع ملی و منافع مسلم و بی‌چون و چرا در داخل کشور می‌باشد. شما این حالت را در ایالات متحده همین الان در باره بحران آرژانتین مشاهده می‌کنید، جائیکه بانکها





صادراتش است از طریق تمرکز بر روی تک محصولی ها، هم چنانکه آرژانتین با تولید سویا، که برای صادرات به چین تولید می شود. منظوم اینست، من فکر نمی کنم که باید به طبقات حاکم در نیم کره جنوبی با عینک رنگ سرخ نگاه کرد، حتی اگر ما می خواهیم که قادر به تشخیص این که تا چه حد در واقع دولت آمریکا حاکم بردولتهای امپراتوری است، و نظارت سرمایه داری جهانی را دارد، و ما باید، البته، مورد انتقاد قرار دهیم. اما، این بدان معنی نیست که ما باید ساده اندیش در مورد این باشیم که دولتهای دیگر چه هستند. **هادسون:** نه، آنچه که من گفتم اینست که چین در تلاش است که صادرات خود را توسعه دهد - و حق کاملاً با شماست؛ البته که چین خواهان ترویج صادرات برای خود می باشد - و این متفاوت است با نوع صادراتی که ایالات متحده می خواهد توسعه دهد. اقتصاد آنها نا متقارن می باشد، ایالات متحده علاقه ای به صادرات مواد غذایی ندارد، به دلیل اینکه می خواهد جهان وابسته به گندم و سایر غلات و کشاورزی آمریکا بشود. این اساس سیاست خارجی ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم تا بحال بوده است. پس تنها تغییر به گندم و غلات و به غله غذایی، در برابر محصولات نقدی دیگر، چیز است که حد اقل در مواقع اورژانس کشورها قادر خواهند بود تا خود را تغذیه کنند، که آنها قادر به انجام آن تحت سیستم کنونی نمی باشند.

**چی:** بسیار خوب لئو، اجازه دهید کمی در این موضوع کند و کاو کنیم تا ببینیم چقدر اهمیت دارد. در حال حاضر، اندازه اقتصادهایی را که ما در موردشان صحبت می کنیم بسیار عظیم هستند. درک من اینست که تجارت جنوب به جنوب در حال حاضر از تجارت شمال به جنوب بیش از دو تریلیون دلار بیشتر می باشد، و این مبلغ برابر یک چهارم تجارت جهان می باشد. بنابراین، پتانسیلی که در اینجا این کشورها به دنبال هستند، ساختن نوعی ساختار مالی مستقل تر قابل توجهی می باشد؟ منظور من اینست، شما قبل از آن گفتید: اینجا یک مسئله عمیق تر وجود دارد و من شما را قطع کردم. اهمیت عمیق تر در اینجا چیست؟

**پانیتج:** این بدیهی است، اینها کشورهای بسیار مهم در حال توسعه سرمایه داری هستند. متأسفانه، آنها کشورها در حال توسعه سرمایه داری هستند، نه کشورهای در حال توسعه سوسیالیستی. این چیزی

است که حتی با حزب کارگران برزیل و کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی اتفاق افتاد. بنا بر این بیشتر چیز است که در حال حاضر با دست راستی های حاکم در هندوستان اتفاق افتاده است. و این به حالت یک انتقام اتفاق می افتد، با یک حزب کمونیستی که به طور تظمیع شدنی رهبرانش را به یک طبقه سرمایه دار تبدیل کرده است. بنابراین آن یک کشور سرمایه داری در حال توسعه می باشد. این از نظر تاریخی پر اهمیت است. این مطمئناً به مفهوم قدیمی اینکه سرمایه داری نیم کره جنوبی را توسعه نیافته نگه میدارد صدمه می زند. مردم عادت کرده بودند که ایالات متحده را سرزنش کنند. ما اکنون می بینیم که یک توسعه سریع صورت می گیرد که بنابراین، خیلی هم بسیار، ایالات متحده از طریق تجارت آزاد و نئولیبرالیسم تشویق می کند. که گفت، این بسیار مشکل تر خواهد بود برای ادغام کردن این کشورها در امپراتوری آمریکا تا اینکه در کشورهای سابق امپراتوری اروپا و ژاپن به دلایلی که مربوط به عدم اشغال نظامی، که مربوط به تفاوت مذهب، فرهنگ، تاریخ، زبان و غیره است، ادغام بشوند. این کاملاً درست و قابل توجه است.

اما، نکته مهمی که اکنون در حال انجام گرفتن است، خیلی خیلی مهم تر مشارکت این کشورها در تضمین دادن در این اوضاع بحرانی از طریق کشورهای جی ۲۰ و از طریق همکاری بسیار فعال در این که دوباره منجر به تحمیل یا اجحاف حفاظت تعرفه نشود، این موجب تحمیل و گسترش کنترل سرمایه نشود، یعنی تمام چیزهایی که در دوران رکود بزرگ در سالهای ۱۹۳۰، زمانیکه از کار افتادگی و اخلال در سرمایه داری جهانی رخ داد. این کشورها با این مخالف هستند.

در حال حاضر، تا آنجا که ممکن است و ما می بینیم، جدائی از روسیه که تحت فشار از جانب ایالات متحده است، خیلی بیشتر به یک ملی گرائی جناح راست نئولیبرالیسم به رهبری آلیگاری روسیه، غیر از اینکه بتواند متریقی باشد، متأسفانه، با توجه به توازن قوا در روسیه نمی تواند چنین باشد.

اما، نکته اصلی اینست که این کشورها از گلوبالیزاسیون سرمایه داری دست بردار نیستند. آنها به دنبال فضای بیشتری برای مانور در درون خود می باشند.

**چی:** بسیار خوب، بنابراین، مایکل، اگر من متوجه گفته های شما شده باشم، بحث

اصلی شما اینست - بطریقی زیاد اختلافی موجود نیست، در برخی موارد، از آنچه لئو می گفت. شما نمی گوئید که آنها کاملاً از سرمایه داری دست کشیده اند. چیزی که شما می گوئید اینست که آنها در حال انجامش هستند، سعی آنها در احقاق کمی فضای بیشتر برای خود در زمینه سیاست خارجی است.

**مایکل هادسون:** طیف بسیار گسترده ای از آنچه که می توانند انجام دهند وجود دارد. و اگر شما به آنچه که به احتمال زیاد مخرج مشترکی از آنهاست نگاه کنید، آن دقیقاً چیز است که لئو پانیتج گفت. مخرج مشترک آنها اینست که سرمایه داری آنها در مقابل سرمایه داری ایالات متحده قرار گرفته است، این چیز است که آنها می گویند، ما چه کاری می توانیم انجام دهیم که از بانکهای آمریکائی، وال استریت و شهر لندن و وام های استخراجی مالی خلاص شویم. حد اقل برنامه های نئولیبرالی امروز فرا تر از تلاش به منظور تأمین مالی توسعه زیر بنا رفته است. سیستم مالی در غرب در حال حاضر تقریباً به طور کامل استخراجی شده است، و مولد نیست. طبقه سرمایه دار در کشورهایی که لئو ذکر کرد، می خواهند حد اقل برخی از بانکها و وام های تولیدی بدهند که بتوانند از آن ها استفاده کنند، به جای اینکه ایالات متحده بیاید و همه چیز را برای خود با زور بگیرد، مانند یک خصوصی سازی از جانب ایالات متحده. همان طوریکه می بینید این نوع جنگ و درگیری در یونان در حال حاضر مقابل چشمان ما قرار دارد، جائیکه منطقه اتحادیه اروپا مطرح ساخت: یونان باید منابع طبیعی خود را خصوصی سازد تا بتواند از عهده بدهی های خود برآید. نیمی از خصوصی سازی ها در سال گذشته در رابطه با فروش حق گاز این کشور بود.

**لئو پانیتج:** و شما می دانید خریدارش کیست {تداخل}

**مایکل هادسون:** خوب، معلوم شد که گاز پروم و اروپا گفتند، اهمیتی ندارد؛ آنها را نفروشید. ما روسیه را نمی خواهیم. فقط به ما، نه به روسیه.

**لئو پانیتج:** اما آیا شما می دانید چه کسی بندر پیرائوس را می خرد؟

**هادسون:** چینی ها

**لئو پانیتج:** یکی از بزرگترین و بیشترین - چین می باشد.

**هادسون:** بله چین می باشد.



▶ **لئو پانیتچ:** سرمایه داران چینی.

**هادسون:** درست است.

**لئو پانیتچ:** بنابراین، متأسفانه من جهان را از دیدگاه رقابت میان طبقات سرمایه دار جهانی به معنایی که شما از آن صحبت می کنید نمی بینم. من فکر می کنم ادغام بسیار عمیقی در مورد بخشی از سرمایه داران دارای نقش اصلی در این کشورها از جمله، درون مرزی ها به جهانی شدن وجود دارد. من فکر می کنم این در مورد خدا نگهدار (اصطلاح در زبان لاتینی) برزیل حقیقت دارد.

**جی:** آن بزرگترین کمپانی سنگ آهن در جهان می باشد.

**لئو پانیتچ:** آن بزرگترین کمپانی سنگ آهن در جهان است، که مطمئناً با دیگر شرکت های سنگ آهن در رقابت است. اما، خود را همتراز شده در مقابل بورژوازی آمریکا یا طبقه سرمایه دار آمریکایی نمی بیند. این درست نیست. و به علاوه، من فکر می کنم که این طبقات سرمایه دار بسیار خواهان دسترسی تا انتهای بازارهای مالی لندن و نیویورک هستند. آنها خواهان ترک آن مراکز مالی نیستند؛ آنها می خواهند بخشی از این مراکز باشند. آنها خواهان دسترسی به این مراکزند. آنها اوراق قرضه در بازارها را به گردش درآورده بودند - به طرز خطرناکی از نظر نوسانات. بنابراین، من فکر می کنم -- و این را باید گفت که دلیل این کار اینست که بازار مالی آنها، بازار اوراق قرضه آنها، حتی بازار اوراق قرضه اروپا نسبت به دسترسی به لندن/ نیویورک، بسیار ضعیف باقی می ماند، بسیار آسیب پذیر. پس هم چنین موضوعی است که قدرت نهادی عمیق سرمایه داری کجاست.

من یک نکته دیگر را مطرح می کنم. من فکر نمی کنم که امور مالی، حتی وال استریت و لندن - منابع مالی شهر لندن صرفاً انگل است. من فکر می کنم تسهیل ایجاد می کند، سهام و اوراق بهادار را تضمین می کند، این بسیار مهم است از نظر حفاظت برای همه تولید یک پارچه که ما بین چین و ایالات متحده، مابین آفریقای جنوبی و اروپا در جریان است. این نقش کاربردی برای همه زنجیره ارزش ها بازی می کند. البته مملو از حدس و گمان در آن وجود دارد اما، این بدان معنی است که صنعت با این حدس و گمان در ارتباط است. این محفظه ها یا رده بندیها از هم جدا نیستند. و شما نمی توانید آنها را از پیچیدگی یا در هم و برهمی در آورید.

**مایکل هادسون:** من می بینم که خیلی بیشتر از شما در مورد جغرافیای سیاسی جهانی تأکید می گذارم تا شما، که هیچ کس در مورد برزیل و سایر کشورها که هیچ گونه تعاملی با بازارهای مالی لندن و نیویورک ندارند صحبت نمی کند. چیزی را که آنها نمی خواهند انجام دهند اینست که به دولت ایالات متحده و بانکهایش اجازه دهند به عنوان یک تهدید عمل کند، یعنی تهدیدی علیه کشورشان. و البته آنها در تلاش برای حفظ خود - جدا از اینکه به ایالات متحده به عنوان یک سیستم کنترل گره خورده باشند. آنها می خواهند اساساً از کنترل ایالات متحده کاملاً خلاص شوند، و کنترل اروپا قمری از ایالات متحده است.

**لئو پانیتچ:** آره، اما از آنجا که سیاستها و اقتصادها نمی توانند به آسانی از یکدیگر جدا شوند، ادامه و افزایش علاقه آنها که از لحاظ اقتصادی و مالی مربوط باشند، بدان معنی است که دولت ایالات متحده، با توجه به نقش سرپرستی و مدیریت وال استریت و شهر لندن، به قدرت خود در رویارویی با آنها ادامه خواهد داد. آنها می خواهند، همانطور که ما توافق کرده ایم، آنها دوست دارند فضای بیشتری به منظور مانور در برابر آن قدرت عظیم امپراتوری آمریکا داشته باشند، اما علاقمند انفصال از آن هم نیستند.

**جی:** خوب، آقایان، این یک شروع فوق العاده ایست در مورد یک موضوع بسیار پیچیده، و ما این موضوع را دوباره دنبال خواهیم کرد. بنابراین، می خواهم فقط به شما بینندگان بگویم، اگر شما سئوالاتی دارید، چون ما از این دو نفر خواهیم خواست که بازگردند و این بحث را ادامه دهند، در پائین شما می توانید نظر خود را ذکر کنید، یا، به این آدرس (\*) الکترونیکی بنویسید، یا به همین آدرس در توئیتر مراجعه کنید، سئوالات و نظرات خود را بفرستید و ما آنها را برای مهمانانمان مطرح خواهیم ساخت.

**لئو پانیتچ:** خوشحالم که مرا به اینجا دعوت کردید پال.

**جی:** متشکرم از شما که دعوت ما را در « شبکه اخبار واقعی » \*\* پذیرفتید.

**بجز نوشته هایی  
که با امضای  
تحریریه منتشر  
می گردد و  
بیانگر نظرات  
حزب رنجبران  
ایران می باشد،  
دیگر نوشته های  
مندرج در نشریه  
رنجبر به امضا  
های فردی است و  
مسئولیت آنها با  
نویسندگانشان می  
باشد.**

**به تارنما های  
اینترنتی حزب  
رنجبران ایران  
مراجعه کنید و نظرات  
خود را در آنها  
منعکس کنید!**

**از سایت زبان های خارجی  
(انگلیسی - آلمانی) حزب  
رنجبران ایران دیدن کنید!**

**[http://www.ranjbaran.org/01\\_english](http://www.ranjbaran.org/01_english)**





## در جنبش جهانی کمونیستی

به کار بستن آگاهانه روش دیالکتیکی در سطح آموزش شیوه تفکر (بخش اول)

ضمیمه کمیته مرکزی حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (ام.ال.پ.د.) به روزنامه پرچم سرخ 21/1999 توسط استفن انگل، مسئول ارگان تئوریک راه انقلابی ساده کردن حداکثر ماتریالیسم در جنبش کارگری

رابطه بین روح و طبیعت در هر جهان بینی مسئله اساسی است. فردریک انگلس در این باره

در "لودویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان" نوشت:

«به نسبت این که چه گونه به این مسئله باید جواب داده می شد، فیلسوفان به دوار دوگانه تقسیم شدند. آنانی که خصلت تعیین کننده داشتن روح نسبت به طبیعت را تایید می کردند و در نتیجه می پذیرفتند که در آخرین لحظه، خلق جهان از چیزی صورت گرفت... اینان اردوی ایده آلیسم را تشکیل دادند. دیگران که طبیعت را به عنوان عنصر تعیین کننده در نظر می گرفتند، به مکاتب مختلف ماتریالیسم تعلق یافتند.» (1)

انواع مختلف ایده ئولوژی بورژوائی، از نظر ایده ئولوژیکی، باید زیر نام ایده آلیسم طبقه بندی شوند که روابط عینی در طبیعت و جامعه را معکوس نشان می دهند، زیرا نتیجه گیری آن از واقعیت قوانین درونی آن ناشی نمی شود، چون که قضاوت آن را با ایده آل تصویری انجام می دهند. بدین ترتیب، طبق روایت بورژوائی، اقتصاد کنونی طبق ایده آل "اقتصاد اجتماعی بازار" عمل می کند. طبق آن، بحرانهای اقتصادی ناشی از قوانین درونی نظام اجتماعی بورژوائی نیستند، بلکه از فقدان مهارت سیاسی حکومتهای مختلف بر می خیزند. این تفسیر ایده

بقیه در صفحه ۱۴

پیشینه و ریشه های جنبش های توده ای  
رو به سوسیالیسم در تاریخ جهان

- در نیمه دوم قرن نوزدهم و دهه های اول و دوم قرن بیستم (دوره سرآغاز و گسترش مرحله سرمایه داری انحصاری) تاریخ جهان شاهد فراز امواج خروشان قیام ها و جنبش های فراگیری در کشورهای مرکز مسلط امپریالیستی علیه سرمایه داری و برله استقرار سوسیالیسم، گشت که از انقلاب کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ شروع گشته و با انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷، به اوج خود رسید. ولی شایان توجه و بررسی

است که در جریان "کنفرانس فوروم چپ ۲۰۱۴ در نیویورک" تعداد قابل توجهی از سخنرانان فعال و رادیکال بر آن بودند که در آن دوره تاریخی همزمان با جنب و جوش های اجتماعی و سیاسی علیه سرمایه داری و به نفع سوسیالیسم بشریت شاهد فراز امواج خروشان بیداری و رهائی در کشورهای در بند پیرامونی گشت که بعدها مورخین و فعالین ضد نظام آنها را به عنوان انقلابات در "مناطق طوفانی" مورد بررسی

و تجزیه و تحلیل قرار دادند. - در واقع بررسی قیام تایپینگ چین (۱۸۶۴-۱۸۵۱) و جنبش مشروطیت ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵) و وقوع قیام تاریخی و انقلاب کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ در بین دو واقعه تایپینگ و مشروطیت نشان می دهد که آن دوره تاریخی (نیمه دوم قرن نوزدهم و اولین دهه های قرن بیستم) سرآغاز و حرکت انسان به سوی ایجاد سوسیالیسم و ورود بشریت زحمتکش به

بقیه در صفحه ۱۹

## بحث جامعی در مورد بحران عمیق پایان ناپذیر نظام سرمایه داری

[مقاله ای را که ما دست به ترجمه آن زدیم بحثی است میان دو استاد دانشگاه (مایکل هادسون، در رشته اقتصاد و دیگری، لنو پانیتچ در رشته اقتصاد سیاسی) که اخیراً صورت گرفت. با در نظر گرفتن پیشینه آکادمیک این دو استاد و ترس و وحشت آنها از دولت پلیسی در آمریکا و کانادا، هیچ کدام موضع گیری دقیق و شفافی علیه انحصارات

چند ملیتی امپریالیستی نگرفتند. (لازم به گفتن است که فقط در سال ۲۰۰۸ حدود ۱۰۷ استاد دانشگاه را بخاطر مواضع ضد سرمایه داری در آمریکا مجبور به استعفاء نمودند). اما، از آنجائیکه، مطالب و اطلاعات بسیار ارزنده ای در این بحث و گفتگو ارائه داده شده، ما تصمیم گرفتیم که از طریق ترجمه آن خوانندگان خود را از اوضاع کنونی

بیشتر مطلع سازیم. مترجم]

پال جی: ناشر ارشد شبکه خبری واقعی در بالتیمور

مایکل هادسون: استاد تحقیقات ممتاز اقتصاد سیاسی در دانشگاه میسوری، کانزاس سیتی.

لنو پانیتچ: استاد تحقیقات اقتصاد سیاسی

بقیه در صفحه ۲۲

## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرغه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org